

مرده ده آن زندگان مرا که بخن ها گوش فرامید بند و از بهترین آنها پیروی میکنند

# انقلاب اسلامی

در هجرت

ابوالحسن بنی صدر  
در باره بحث آزاد در کلن:

## ضرورت بدیل

در ۲۳ بهمن ۱۳۸۸ (۱۳ فوریه ۲۰۱۰)، در آلمان، در شهر کلن، در اجتماع ایرانیان، بحث آزادی انجام گرفت. در این بحث، غیر از این جانب، خانم مینا محبوبه خانی و آقایان مجید زربخش و پرویز نویدی در آن شرکت کردند. تفصیل مباحثات از راه اینترنت انتشار یافته است. در این جا، متن پیشنهاد را در باره جبهه، می آورم. پیش از آن، خاطر نشان می کنم که جلسه، جلسه ای که بتوان آن را جلسه بحث آزاد خواند، نبود. زیرا یک موضوع، موضوع نقد و نقد نقد تا رسیدن به نتیجه نشد. اما راه و روش، راه و روش بحث آزاد بود و بر سرش امر اساسی اجماع بعمل آمد:

\*دست آوردهای بحث آزاد کلن:

- ۱- محل عمل سیاسی می باید بیرون از رژیم و درون ایران باشد. استقلال از رژیم و قدرتهای خارجی، سبب می شود که مبارزان استقلال و آزادی عمل را بدست آورند. این محل ترجمان دو اصل استقلال و آزادی است.
  - ۲- هدف مبارزه می باید استقرار حاکمیت جمهور مردم باشد.
  - ۳- خشونت را رژیم بکار می برد و گرنه؛ مردم وقتی به جنبش همگانی بر می خیزند، نیاز به خشونت ندارند. روش جنبش همگانی خشونت زدائی است.
  - ۴- تعادل میان دو حق، یکی حق اشتراک و اتحاد و دیگری حق اختلاف، بدین ترتیب برقرار می شود که اصول راهنمای اتحاد، قلمرو حق اشتراک و همه آنچه جز آنها هستند (باورها و نظرها در این و آن موضوع و...)، بنا بر اصل کثرت گرائی در قلمرو حق اختلاف قرار می گیرند.
  - ۵- جدائی دین و مرامها از دولت، خنثی بودن دولت و آزاد شدن دین ها و مرامها از دولت و تعلقشان به انسان برخوردار از استقلال در تصمیم و آزادی در انتخاب نوع تصمیم و حقوق، در آنچه به بنای دولت حقوق مدار مربوط می شود، ضرورت تمام دارد.
  - ۶- گرایشها و مبارزان که محل عمل خویش را بیرون از رژیم و درون ایران می دانند، می توانند با یکدیگر اتحاد کنند. آنگاه هم که محل عمل سیاسی یا محدوده رژیم و یا محدوده قدرتهای خارجی است، فراخوانده می شوند خویشان را آزاد و خویشان را با آنگاه که در این فراخنا مبارزه می کنند، همسو کنند.
- هدفها و روشهای بالا، از جمله ولایت جمهور مردم، بسط نیافتند. زیرا این کار به زمان بیشتر نیاز داشت.

راه کار پیشنهادی برای رسیدن به اتحاد عمل و تشکیل جبهه ای با هدف استقرار ولایت جمهور مردم:

پیش از انقلاب، وضعیت ایران را در چهار بعد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی توضیح و راه حل ها را برای تحقق استقلال و آزادی و رشد بر میزان عدالت اجتماعی پیشنهاد کردم. این برنامه عمل را در شهرهای مختلف اروپا، به بحث گذاشتم. بمحض ورود به ایران، در دانشگاه صنعتی شریف، در جمع ۳۰ تا ۴۰ هزار دانشجوی و استاد و ... هم واقعبین اجتماعی در ۴ بعد و هم راه حل ها را تشریح کردم. کتاب شد و انتشار یافت. کتاب را در اختیار اعضای حکومت موقت و شورای انقلاب قرار دادم. اما بنا بر خود و یکدیگر سانسور کردن بود و مسئولان زحمت خواندن آن را نیز به خود ندانند. چون به ریاست جمهوری انتخاب شدم و پیش از آن، در مقام وزیر دارائی، بکار اقتصاد تولید محور و برداشتن ستون پایه های قدرت مشغول شدم. حاصل اجرای تدابیر، در ایران، آقای خمینی و ملاتاریا را تگران کرد (گفت اقتصاد مال خر است) و در امریکا کسینجر را (گفت امریکا تحمل دو ژاپن را در آسیا نمی آورد).

در صفحه ۲

شماره ۷۴۴ از ۱۰ تا ۲۳ اسفند ۱۳۸۸

## تکرار گذشته یا تغییر؟

◀ ناتو در کار محاصره نظامی ایران؟ - رژیم ایران دارد یک رژیم نظامی می شود

و مجازاتها؟ ص ۱

◀ گذشته حال و حال آینده می شود یا به «تکرار» و یا به تغییر: ص ۵

◀ تبارشناسی کودتا - ۱۰: ص ۸

◀ ثروتهای ملی را می خورند و می برند و می سوزانند و هدر می دهند: ص ۹

◀ وقتی وحشت، لباس کارگزاران رژیم می شود، فریاد بر می آورند:

جنایتها کافی نیستند کشتار سال ۶۷ را تکرار کنید! ص ۱۱

انقلاب اسلامی: محاصره نظامی ایران دارد کامل می شود. در درون، در ۲۲ بهمن، رژیمی که نتوانست بیشتر از ۵۰ هزار نفر را در میدان آزادی گرد آورد، توانست شهر تهران را با ۸۰ تا ۱۰۰ هزار نیروی مسلح، اشغال کند. در این روز، مردم ایران توانستند جهانیان را از این واقعیت آگاه کنند که رژیم مافیاهای نظامی - مالی جز نیروی مسلح تکیه گاهی ندارد و در ایران امروز، سپاه و لباس شخصی و بخشی از نیروهای انتظامی و بسیج، به مردم ایران اعلان جنگ داده اند و این مردم برای باز یافتن حق حاکمیت خویش برخاسته اند.

از این رو، در فصل اول، از زبان اطلاعات و نظرها وضعیت ایران را از لحاظ رابطه با قدرتهای جهانی و منطقه ای، شناسائی می کنیم.

در فصل دوم، از زبان رویدادهای گذشته و حال، برای این پرسش اساسی پاسخ می جوئیم: گذشته و حال آینده همه مرگ و ویرانی می شوند و یا مردم ایران از رهگذر جنبش خود طرحی نو در می اندازند؟ در فصل سوم، دنباله تبارشناسی کودتا را از نظر خوانندگان می گذرانیم. در فصل چهارم، این بار، اسامی اعضای همه مافیاهای را می آوریم. نه اسامی همه آنها را که شماری از آنها را. از این پس، در هر شماره، شماری از اعضای این مافیاهای معرفی می شوند. در فصل پنجم خبرها و داده های اقتصادی را به ترتیبی که وضعیت این اقتصاد و جهت یابی آن را نشان دهند، گرد می آوریم. در فصل ششم، خبرهای تجاوزها به حقوق بشر در ایران به اطلاع خوانندگان می رسانیم.

در صفحه ۳

ژاله وفا

بودجه ۸۹ آئینه قصد نظام در شکستن مقاومت

ایران - ۲

وابستگی بودجه به نفت

در شماره قبل نگارنده به بررسی مشخص عمومی بودجه سال ۸۹ و نیز درآمدهای غیر قابل وصول و رویایی آن و نیز میزان کسر بودجه و نیز بررسی بودجه عمرانی و افزایش بودجه نهادهای نظامی پرداختیم. و اما در این شماره با توجه به اهمیت بحث میزان وابستگی بودجه ها در دولتهای نظام ولایت فقیه به نفت (منجمله بودجه ۸۹) و تقاضای خواننده ای محترم (آقای کامبیز خ...) که طی نامه ای از نگارنده پرسیده اند:

در صفحه ۱۴

دکتر کمال الدین نبوی

قتل به اتهام جرمی ساختگی

بررسی برخی از جنبه های حقوقی احکام

آقایان رحمانی پور و علی زمانی (بخش پایانی)

حکم اعدام آقایان رحمانی پور و علی زمانی دارای شبهات و اشکالات جدی حقوقی و قضائی میباشد بطوری که میتوان عمل مقامات قضائی درباره این دو نفر را به مثابه قتل عمد بشمار آورد. از این منظر، قضات صادر کننده رای و مقامات اجرای رای را میتوان مورد تعقیب قانونی قرار داد. حکم آرش رحمانی پور و محمد رضا علی زمانی به دلایلی که در بخش اول آوردیم و نیز بدلائل زیر فاقد هر گونه توجیه قانونی است.

در صفحه ۱۳

فرید راستگو

آقای سروش، سکولار فلسفی و دمکراسی

دینی دیگر چه مقولاتی اند؟!

اگر معنای واژه هائی را که بکار می بریم به دقت روشن نسازیم، قادر نخواهیم بود از مباحث پیچیده جلوگیری بعمل آوریم و به نحو موثری در خدمت انسان و جامعه انسانی فراز گیریم. امروز مهمترین وظیفه تمامی اندیش ورزان نقد است. نقد باورها و نقد عقاید و نقد تمامی اموری که به حقوق انسانها و حاکمیت آنان و حتی زندگی روزانه آنان ارتباط مستقیم و غیر مستقیم دارد. نقد قلمرو اختلاف است

در صفحه ۱۲



حکومت رجائی و کودتای خرداد ۶۰، از جمله، برای آن بود که اقتصاد مصرف محور سازگار با استبداد وابسته باز سازی شود.

و پیش از این، در باب لائیسیتِه (از کلمه یونانی LAICOS بمعنای «از مردم» در مخالفت با CLERICOS بمعنای «از روحانیت» یا آری به جمهوری و نه به حاکمیت روحانیت) و تدابیری که با اجرا شدنشان، دولت بی طرف تحقق پیدا می کند و دیکتاتوری بنام لائیسیتِه پدید نمی آید، را توضیح داده ام. در پاسخ به پرسش آقای فرید نیز ۱۲ اصل پیشنهاد شده است که با اجرا شدن آنها، ولایت جمهور مردم تحقق پیدا می کند. از آنجا که تحقق مواردی که بر سرشان توافق پدید آمد، اجرای این ۱۲ اصل را ایجاب می کند و، از راه فایده تکرار، یکبار دیگر می آورم:

۱- هرکس خود خویشتن را هدایت می کند: پس هر انسان استقلال در تصمیم و آزادی در انتخاب نوع تصمیم دارد.

۲- حقوق انسان ذاتی حیات او هستند.

۳- هر جامعه حقوق ملی دارد و بعنوان عضو جامعه جهانی، حقوق جهانی دارد.

۴- جانداران و طبیعت صاحب حقوق هستند.

۵- اصل لاکراه، مقرر می کند: هم آزادی گزینش دین (دین شما، شما را و دین من مرا) را و هم ضرورت استقلال دین از قدرت (که دولت یکی از اشکال آنست) را و هم خشونت زدائی را. و هم، بخصوص، بکار تعریف انسان بمثابه موجودی معنوی = مدار باز مادی → معنوی، می آید.

۶- جریان آزاد اندیشه ها و اطلاعات و فراخواندن انسانها به شنیدن قولها و پیروی از بهترین آنها.

۷- اصل هیچ کس بر دیگری ولایت ندارد و در جامعه ها، نزدیک ترین اصل به این اصل، ولایت بر یکدیگر بر میزان حقوق و برادری و برابری: جامعه ارزیاب و منتقد.

۸- اصل شورا.

۹- اصل تصدی اجرا (مردم سالیاری شورائی) و یا انتخاب مجری.

۱۰- اصول راهنمای قضاوت برای آزاد نگاه داشتنش از قدرت و برای احقاق حق.

۱۱- اصل دین برای انسان است و نه انسان برای دین و بنا بر این، تغییر رابطه میان انسان و بنیاد دینی و دیگر بنیادهای جامعه. توضیح این که در جامعه های دیروز و امروز، بنیادهای حاکم و انسانها وسیله و قدرت هدف بود. ولایت فقیه همین رابطه را با انسان جبری می کند. چنانکه کرده است. بنا بر این،

بنیاد ← انسان ← قدرت می باید جای خود را به رابطه انسان ← بنیاد → رشد در استقلال و آزادی بدهد.

۱۲- مکارم اخلاق سازگار با استقلال و آزادی و کرامت و حقوق انسان و حقوق جانداران و طبیعت.

و اما طرحی که برای اتحاد پیشنهاد کردم و امیدوارم در اجتماع دیگری در پاریس، آن را بسط دهم:

**\* ادامه جنبش همگانی تا پیروزی، نیاز به بدیل و بدیل، نیاز به اتحاد نیروهائی دارد که در گستره بیرون رژیم و درون ایران، مبارزه می کنند:**

طی سه دهه جبهه هایی که پدید آمده اند، از میان رفته اند و یکچند از کوششها برای ایجاد جبهه، بی ثمر شده اند. از دلایل عمده، یکی روشن نشدن هدف و بنا بر این، محل سیاسی عمل بوده است:

## ضرورت بدیل

۱- برای آنها که قدرت را هدف می شناخته اند و می شناسند، دو محل سیاسی عمل وجود داشته اند: یکی درون رژیم و دیگری بیرون از ایران و در وابستگی به قدرت خارجی. هم اکنون سخن از تشکیل جبهه ای بمیان است که محل سیاسی عمل را «درون» نظام» قرار می دهد. هدف چنین جبهه ای غیر از قدرت نمی تواند باشد. بر فرض که چنین جبهه ای بوجود آید و پیروز نیز بگردد، قدرت از جبهه شکست خورده (خامنه ای - مافیاهای نظامی - مالی) به جبهه پیروز منتقل می شود. با توجه به ساخت رژیم، احتمال موفقیت چنین جبهه ای بسیار ناچیز است. تنها کاری که از چنین جبهه ای بر می آید، آنهم برای مدتی کوتاه، ایجاد مزاحمت برای جبهه ایست که استقلال و آزادی را هدف می کند.

۲- تشکیل جبهه ای وابسته به قدرت خارجی نیز تا این زمان ناکام شده است. از جمله به این علت که آنها که استقلال و آزادی را هدف دانسته اند، بسان سدی سدید، مانع از آن شده اند که قدرت خارجی چنین جبهه ای را بوجود بیاورد.

۳- وقتی استقلال و آزادی هدف شده است، محل سیاسی عمل، در بیرون قدرت حاکم و قدرت خارجی قرار گرفته است. این محل سیاسی عمل، درون ایران و جامعه ملی گشته است. جبهه هائی با هدف استقلال و آزادی وقتی توسط خود مردم در جریان جنبش آنها بوجود آمده اند توانسته اند بطور خودجوش، به خود سازمان بدهند و به هدف دست یابند. در دوران معاصر، جنبش ۳۰ تیر در دهه ۳۰ و جنبش مردم ایران در انقلاب ۵۷، پیروز شدند.

۴- درس این دو جنبش اینست که جنبش وقتی پیروزی کامل بدست می آورد که ستون پایه های استبداد تاریخی را از میان بردارد و استقرار دولت حقوقمدار را میسر کند. به سخن دیگر، ادامه یافتن جنبش تا پیروزی، نیازمند بدیلی است که نه هدف را که استقلال و آزادی است رها کند و نه محل سیاسی عمل را که درون جامعه ملی و عمل کردن از راه مردم و با مشارکت مردم است، ترک گوید. بنا بر این، شرکت کنندگان در این جبهه، به ضرورت، می باید خود را از قید دو

محل سیاسی عمل، یکی قلمرو قدرت خارجی و دیگری محدوده رژیم حاکم آزاد و هدف خویشتن را استقلال و آزادی کرده باشند. اینک که مردم ایران در جنبش هستند، بر همه آنها که با طرز فکریهای مختلف، در طول زمان، به اصول استقلال و آزادی وفادار مانده اند و محل عمل سیاسی خود را گستره جامعه ملی دانسته اند، فرض است که در جبهه ای تشکل جویند که استقرار حاکمیت مردم و تغییر ساختار تاریخی دولت استبدادی به دولت مردم سالار را هدف خود بناسند.

این جبهه می تواند به روش تجربی تشکل شود. یعنی به تدریج از راه بسط همکاری میان شرکت کنندگان در آن، قوام و دوام و پهنای بگیرد:

• تشکیل گروه تدارک از شخصیتها و نمایندگان سازمانهایی که آمادگی شرکت در این گروه را دارند. این گروه، می تواند کار را با بحث آزاد و انتشار مرتب حاصل مباحثات شروع کند. موضوع های بحث ها می توانند ویژگی های بدیل دموکراتیک و

اخلاق سیاسی در خور استقلال و آزادی ملت و نیز هر ایرانی و اصول راهنمای حاکمیت جمهور مردم و ویژگی های دولت حقوق مدار و مشخص کردن سیاست خارجی کشور بر وفق اصول راهنمای حاکمیت جمهور مردم و نیز نظام اجتماعی باز و تحول پذیر و کار برد نیروهای محرکه در جامعه باز برخوردار از فرهنگ آزادی و اقتصاد تولید محور باشند. این مباحث، توافق همگانی را نسبت به اصول قانون اساسی که ترجمان حاکمیت جمهور مردم باشند، فراهم می آورند.

• بر وفق الگوئی که گروهی با ترکیب بالا است، در داخل کشور، در سطح هر جماعت (دانشجویان و دانشگاہیان و معلمان و کارگران و کشاورزان و کارکنان دولت، از زن و مرد و...) گروه های کار می توانند تشکیل شوند. این گروهها می توانند بسیار فراوان باشند. برای مثال، در هر یک از دانشکده ها، گروه های کار بسیار می توانند تشکیل شوند. با توجه به حضور مأموران واواک و چند واواک موازی، گروه هائی که بدین سان تشکیل می شوند، از استقلال نسبی بر خوردار و رازداری، در آنچه به هویت اعضاء مربوط می شود، و روش کار را، رعایت می کنند.

• در بیرون از ایران، در شهرهای هریک از کشورهای محل اقامت، ایرانیان می توانند گروه های کار تشکیل دهند.

• گروه هائی که در بیرون از کشور و درون کشور تشکیل می شوند، در اصول راهنما و روشها همسوئی می جویند. بدیهی است که در بازداشتن رژیم در سرکوب جنبش، گروههای همسو در بیرون از کشور، نقش تعیین کننده ای می توانند برعهده بگیرند هرگاه گروه های متشکل در درون کشور، اطلاعات ضرور را در اختیار این گروهها بگذارند.

۳- این گروهها قابلیت تشکل و کار دارند هرگاه کارشان پیشنهاد باشد و نه دستور! در حقیقت، از این واقعیت که در طول سه دهه میان رفته اند و یا برغم کوششهای انجام گرفته نتوانسته اند تشکل شوند، درس باید گرفت. از جمله این درس را که درک درستی از نقشی که جبهه می باید بر عهده بگیرد، وجود نداشته است. در حقیقت، همواره گروه های سیاسی خواسته اند «دولت در سایه» باشند و در سطح جامعه ولایت مطلقه اعمال کنند. ترک این مقام و موضع ضرور است. جبهه برای تعیین تکلیف برای مردم و احدی از احاد مردم نیست.

۴- با توجه به این امر که جنبش همگانی، از زمانی که هدف و بنا بر این محل عمل سیاسی را بطور روشن و قاطع تعیین می کند، نیازمند نیروی محرکه سیاسی و نیز سخنگو می شود، نوعی هماهنگی در عین رعایت اصل کثرت آراء و اظهار شدن این آراء، ضرورت پیدا می کند. بنا بر این، تصدی جریان آزاد اندیشه ها و جریان آزاد اطلاعات در حوزه مسئولیت جبهه متشکل از گروه های فوق قرار می گیرند.

۵- مراقبت از محل سیاسی عمل و نیز اصول راهنمای استقلال و آزادی، کار این گروه ها باید باشد. هم بلحاظ این که ابتکار عمل از دست مردم بیرون نرود و هم بخاطر این که زورمدار هائی

که محدودده رژیم و یا قلمرو قدرت خارجی را میدان عملی می کنند، با آمدمن به میدان عملی که بیرون رژیم و درون ایران است، جنبش همگانی را محکوم به توقف و پایان نکنند.

۶- با توجه به وجود تردیدها و سوءظن ها و کم امیدي ها و... نمی باید منتظر شد که همه مصمم شوند و نخست در گروه ها و سپس در جبهه شرکت کنند. پس آنها که آمادگی کامل دارند، می باید در مرحله جنبش همگانی، در موقع و موضع جبهه قرار گیرند و بسان یک جبهه عمل کنند. یعنی:

۱- اصولی را هدف شناسند و جهت یاب فعالیت های خود کنند که بیانگر حقوق جمهور مردم و انسان هستند.

۲- روشی را برگزینند که امکان در پیش گرفتنش برای همگان موجود باشد.

۳- در هر عمل سیاسی، بنا را بر مشارکت دادن تمامی گرایشها و کسانی بگذارند که به اصول راهنمای بیانگر حقوق جمعی و حقوق انسان باور دارند.

۴- از آنجا که بر اصول استقلال و آزادی، میدان عمل در بیرون از قلمروهای استبداد حاکم و قدرتهای خارجی قرار می گیرد و ابتکار عمل از آن مردم می شود، همواره می باید به روی کسانی که از آن محدوده ها خویشتن را رها و به این فراخنا در می آیند، آغوش گشوده باشد. درس تجربه می گوید:

۵- مرحله اول، مرحله بهترین شیوه، همسوئی بدون تهدد سازمانی است.

۶- مرحله دوم، مرحله آزمون توان همکاری است. به تریبی که اطمینان حاصل شود که هم اصول راهنما بمثابه هدف مشترک از سوی همگان پذیرفته شده اند و هم قدرت بمثابه هدف و روش فعالیت سیاسی رها شده است.

۷- مرحله پایانی، مرحله اتحاد در جبهه است.

۸- اما رابطه با آنها که در دو محدوده رژیم و یا وابستگی به قدرت خارجی می مانند:

۹- از سه محل عمل، یکی قلمرو قدرت خارجی است. این محل بالمره می باید ترک گفته شود. زیرا امکان تعامل با آنها که در این محدوده در پی رسیدن به قدرت در ایران هستند، نیست. اما در باره دو محل عمل دیگر:

۱۰- زمانی می رسد که عمل در درون رژیم همان هدف را پیدا می کند که عمل در بیرون رژیم دارد: تغییر رژیم استبدادی به رژیم مردم سالار.

۱۱- و عمل در بیرون از رژیم که همواره بقصد تحمیل تغییر به رژیم انجام می گیرد.

۱۲- این دو عمل، همسو می شوند و یک عمل می گردند وقتی جنبش همگانی ابتکار عمل را از استبدادیان می ستاند. در حقیقت همگرایی، موکول به یکسانی در هدف و روش و شرکت در جنبش همگانی است. به سخن روشن، محل عملی که بیرون از رژیم است می باید جهت یاب باشد و نه بعکس. زیرا وقتی محل عمل محدودده رژیم می شود، حرکت عمومی وسیله نزاع بر سر قدرت میان گروه بندیهای موجود در رژیم حاکم می شود. در همه جامعه ها، هر بار محل عمل درون

رژیم استبدادی شده، جنبش همگانی هدر رفته است. از این رو، محل عملی که آن را آزادی بمثابه هدف و روش معین می کند، همواره می باید از سوی کسانی تصدی شود که استقلال و آزادی را هدف میکنند، تا حرکت همگانی سمت و سویی را بجوید که به حاکمیت جمهور مردم می انجامد.

بدیهی است که مرحله انتقالی را نیز می باید تدارک دید. وقتی با وجود سه جنبش همگانی در یک قرن، هنوز دولت مردم سالار بنا نجسته است، اسباب بنای آن را می باید تدارک دید. شرح کارهایی که در مرحله انتقالی باید انجام پذیرند و چند و چون اسباب بنای دولت مردم سالار، فرصتی دیگر می طلبد.

## \* پرسشهای خانم شهلا بهار دوست.

۱- نظر شما در مورد ۲۲ بهمن ۱۳۸۸ و آنچه که در این روز گذشت،

۲- نقاط ضعف و قدرت جنبش سبز در مرحله کنونی،

۳- ادامه و حرکت جنبش سبز در روزها و هفته های آینده،

۴- راهکارهای پیشنهادی شما،

۵- همکاری اپوزیسیون چه تاثیری در روند پیشبرد جنبش و همبستگی مردم با هم خواهد داشت؟

این پرسشها، موضوع بحث در اجتماع کلن نیز بودند. پرسش کننده گرامی پاسخ های پرسشهای خود را در گفت و شنودهای انتشار یافته و نیز قسمت اول این نوشته می یابد. با وجود این، به اختصار به این پرسشها پاسخ می دهم:

۱- بنا بر قاعده ای که حاصل تجربه بشر است، تجربه ای که در جامعه ها، تکرار شده است، جنبش نمی باید خود را در حصار محصور کند که استبدادیان می سازند. اگر زندانی کرد، می میرد. بنا بر این قاعده، نمی باید از مردم خواسته می شد که در محلی حاضر شوند که رژیم آن را به حصار بدل کرده بود. این هوشیاری مردم بود که سبب شد فریب رژیم کارگر نشود و میدان آزادی خالی بماند و جهان از بی کس و کاری رژیم مافیاهای نظامی - مالی آگاه بگردد.

اما چرا این روش اتخاذ و به مردم پیشنهاد شد؟ پاسخ به این پرسش، که پاسخ به پرسش دوم نیز هست، اینست: اصل راهنما و هدف هستند که روش را به عقل می آورند. تا کسی هدفتی را تصور و تصدیق نکند، روش به عقل او نمی آید. پس وقتی اصل بر این باشد که در محدوده رژیم عمل بشود و هدف نیز تصدی دولت و حتی اجرای اصولی از قانون اساسی بگردد که گویا بیاتگر حقوق انسان و حقوق مردم هستند - که نیستند - روشی که می تواند به ذهن آید، همان می شود که در داخل و خارج از کشور از سوی کسانی به مردم پیشنهاد شد که محل عمل سیاسی را درون رژیم و هدف را اصلاح آن گمان می برند. تغییر روش موکول به تغییر اصل راهنما و هدف، در نتیجه، محل عمل است. هرگاه اصل راهنما ولایت جمهور مردم بگردد، فراخنای عمل بیرون از رژیم و درون





## ناتو در کار محاصره نظامی ایران؟ - رژیم ایران دارد یک رژیم نظامی می شود و مجازاتها؟!

انقلاب اسلامی: در قسمت اول این فصل، نکات اصلی گزارش - تحلیلی را می خوانید در باره محاصره نظامی ایران و نقش ناتو در آن و در قسمت دوم، اظهارات مقامات دولتی روسیه و اسرائیل و آمریکا در باره نبود قصد جنگ با ایران و عدم تحویل موشک روسی به ایران و... را، در رابطه با یکدیگر، گویا می کنیم:

### نقش ناتو در محاصره نظامی ایران:

◀ گلوبال ریسرچ (۱۱ فوریه ۲۰۱۰) این گزارش - تحلیل را به قلم ریک روزوف انتشار داده است. نکات عمده آن عبارتند از:

• پرزیدنت اوباما، رئیس جمهوری و فرمانده کل قوای تنها ابر قدرت نظامی جهان، در نخستین سخنش خود از وضعیت آمریکا، در حضور نمایندگان کنگره، بتاريخ ۲۷ ژانویه ۲۰۱۰، در باره ایران گفت: «جامعه بین المللی متحد تر و ایران منزوی تر هستند» و تهدید کرد: «هرگاه رهبران ایران همچنان تهددات خود را نادیده گیرند، بدون تردید، با پی آمدهای وخیم روبرو خواهند شد. این یک قول است.»

۲ روز بعد از او، وزیر خارجه او، هیلاری کلینتون در آکادمی نظامی فرانسه سخنرانی کرد و گفت: چین از راه دیپلماسی تحت فشار است برای این که بپذیرد تجهیز شدن ایران به سلاح هسته ای، ثبات را از کشورهای واقع در حوزه خلیج فارس، می ستاند. فشار البته از سوی آمریکا بعمل می آید. چنانکه چند روز بعد از سخنان کلینتون، آمریکا اسلحه ای به ارزش ۶.۴ میلیارد دلار به تایوان فروخت.

و در ۹ فوریه، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا، جوف مورل، گفت: روبرت گیت، وزیر دفاع آمریکا، خواهان آنست که سازمان ملل مجازاتهای جدیدی علیه ایران وضع کند. و اینکار را ظرف چند هفته و نه چند ماه بکند.

بدین سان، وزیر خارجه کار وزیر دفاع و وزیر دفاع کار وزیر خارجه را می کنند.

• رهبران غرب خواهان آنند که ناتو مرکز رای زنی در باره امنیت جهان بگردد. ناتو می باید به نقاطی بپردازد که امنیت جهان از آنها تهدید می شوند. افریقای شمالی و خلیج فارس و آسیای میانه و اقیانوس کبیر.

ناتو اعضای بیشتری یافته است و در نقاط مختلف جهان، شرکای نظامی پیدا کرده است. ترکیه عضو ناتو و هم مرز ایران است. آذربایجان هم مرز ایران و شریک نظامی ناتو است. اشاره راموسن، دبیر کل ناتو، به خلیج فارس، از رهگذر تماسهای نظامی و دیدارها و فعالیتهای مشترک ناتو و ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس است. و

## تکرار گذشته یا تغییر؟

هستند. از زمانی که بهره برداری از منابع دریایا شروع شده است، امنیت دریایا اهمیتی بنام یافته است. دریاسالار افزود: امارات متحده عرب نقش مهمی در جریان نفت و بازرگانی دارد. پایگاه دریائی جدید فرانسه در بندر زید، بمعنای افزایش کوشش بین المللی برای تأمین امنیت در خلیج فارس است.

در حقیقت، در ۲۶ مه ۲۰۰۹، نیکولا سارکوزی، رئیس جمهوری فرانسه، برای افتتاح پایگاه دریائی در امارات عربی متحده بود. این نخستین پایگاه فرانسه در خلیج فارس و در امارات عربی متحده است. این پایگاه مجهز به کشتی جنگی و نیروی هوائی و کمپ تعلیم نظامی است. پایگاه دریائی فرانسه در کنار تنگه هرمز قرار دارد.

• یک تحلیل گر مسائل خلیج فارس گفته است: «آمریکا در کویت و قطر و بحرین، قوای نظامی زمینی و هوائی و دریائی مستقر کرده است. پایگاه دریائی فرانسه که نخستین پایگاه نظامی ارتش یک کشور دوست است، منزلت فرانسه را در ناتو، ارتقاء بخشیده است. در ماه های بعد از استقرار این پایگاه، سارکوزی ۶۰ فروند هواپیماهای شکاری بمب افکن رافال به امارات عربی متحده، هر فروند به قیمت ۸ تا ۱۱ میلیون دلار فروخت.

• در اواخر اکتبر ۲۰۰۹، کنفرانس دو روزه ای، زیر عنوان روابط ناتو با امارات عربی متحده و تزییات اجرایی برنامه اشتراک و همکاری نظامی مصوب کنفرانس استانبول، تشکیل شد. در این کنفرانس، ۳۰۰ تن شرکت کردند. دبیر کل ناتو و نمایندگان اعضای ناتو و رئیس کمیته نظامی ناتو و فرماندهان آن در شمار این ۳۰۰ شرکت کننده بودند. استادان و رهبران فکری کشورهای منطقه خلیج فارس نیز دعوت شده بودند.

دبیر کل ناتو، آندرس فوگ روسمن به خبرنگار العربیه گفت: ناتو به خلیج فارس بمشابه ادامه قلمرو امنیتی اورو - آتلانتیک می نگرد. و در باره ایران که البته به کنفرانس دعوت نشده بود، گفت: همه ما نگران مقاصد امنیتی ایران و اثر آن بر انتشار سلاح هسته ای در منطقه و خطری که برای امنیت و ثبات منطقه خلیج فارس و دیگر نقاط دارد، هستیم.

• در هفته های اخیر، آمریکا اعلان کرد به بحرین و کویت و قطر و امارات عربی متحده، موشکها ضد موشک می فرود. به این کشورها هم مدل پیشرفته ضد موشک پاتریوت Patriot Advanced Capability - Terminal و هم سامانه موشکی High Altitude Aera Defence به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فروخته است. و در پایگاه دریائی خود موشکهای رد یاب موشک مستقر کرده است.

• دولتهای عضو شورای همکاری خلیج که در عملیات بین المللی ناتو شریک شده اند، در جنگ افغانستان نیز شرکت می کنند. یک نشریه نیروهای مسلح آمریکا خبر شرکت ۱۲۵ مأمور امنیتی بحرین را در عملیات ارتش آمریکا در هلمند افغانستان شرکت دارند داد. در این منطقه، ۱۰ هزار تکنسند دریائی استقرار جسته اند و قوای دیگری به آنها می پیوندند. قوای آمریکا و قوای ناتو دست به بزرگ ترین عملیات جنگی در طول ۸ سال جنگ افغانستان، در منطقه هلمند، زده اند.

قوای امارات عربی متحده سالها است تحت فرماندهی ناتو، در افغانستان، عمل می کنند. در ۲۸ ژانویه، خبرگزاری کویت اطلاع داد

که رئیس کمیته نظامی ناتو، دریاسالار جیامپائولو دی پائولو، گفته است: «ناتو در حال گفتگو با دولتهای کشورهای حوزه خلیج فارس، در باره بکار انداختن هواپیماهای آواکس برای مأموریت های شناسائی در افغانستان و نیز در سومالی است.»

او افزوده است: با یکی از این دولت ها در اساس به توافق رسیده ایم. در حال حاضر، در عمان، که روبروی ایران و کناره تنگه هرمز ساحل این کشور است، بطور موقت، آواکس این مأموریت را انجام می دهد و در کار آیم که آواکس ها این مأموریت را بطور دائم انجام دهند.

• عربستان که در میان ۶ کشور، قدرت واقعی محسوب است، تا دندان توسط آمریکا با اسلحه پیشرفته مسلح شده است. این کشور از ماه نوامبر گذشته، در جنگ شرکت جسته است. بطور مرتب منطقه سکونت طایفه حوطی توسط بمب افکن های خود، بمباران و با توپخانه خود گلوله باران می کند. سخنگوی حوطی ها می گوید نیروی هوائی آمریکا نیز در بمباران ها شرکت دارند. ۲۰۰ هزار تن آواره و صدها تن کشته شده اند.

• اما در کشورهای دیگر هم مرز با ایران: در ژوئیه سال پیش، معاون دبیر کل ناتو، ژنرال کلودیو ییزوگنیرو با وزیر دفاع عراق، قراردادی برای آموزش دادن به قوای نظامی و انتظامی عراق، امضاء کرد. قرارداد پایه قانونی بوجود می آورد برای آنکه ناتو به مأموریت خود که حمایت از جمهوری عراق از راه تعلیم و تربیت قوای انتظامی و نظامی این کشور است، ادامه دهد. ماه گذشته، ناتو شروع به استخدام کردها برای نیروی امنیت ملی عراق شد.

در ترکیه، همسایه غربی ایران، در هفته گذشته، روبرت گیت، وزیر دفاع آمریکا با ژنرال ایلکر باسبوک، رئیس ستاد ارتش ترکیه دیدار کرد. پس از دیدار، گیت گفت: او با ژنرال باسبوک در باره نقش ترکیه در دفاع موشکی و روابط میان ارتشهای آمریکا و ترکیه گفتگو کردیم.

امریکا، در پایگاه هوائی اینسبرلیک ترکیه، در محدوده توافقی که ناتو بعمل آورده است، ۴۰ تا ۹۰ کلاهک اتمی دارد.

آذربایجان، همسایه شمالی غربی ایران، بطور روز افزون پایگاه ناتو در جنوب قفقاز و مجاورت دریای مازندران می شود. اوایل این ماه، یک گروه کار از اعضای وزارت دفاع آذربایجان با فرماندهی قوای آمریکا در اروپا، در اشتوتگارت آلمان، دیدار کردند. دیدار در محدوده طرح همکاری نظامی آمریکا و آذربایجان انجام گرفت که ۵ سالی است اجرا می شود.

آذربایجان همانند شورهای چون گرجستان و اوکراین و اخیراً ملداوی، که پیشتر تابع روسیه شوروی بودند، با با ناتو موافقت نامه های همکاری امضاء کرده است.

ناتو افراد نیروهای مسلح آذربایجان را تعلیم می دهد. فرمانده نیروی زمینی آمریکا در اروپا، کارتر هام، در تعلیم این افراد شرکت کرد. آذربایجان قوای خود در افغانستان را دو برابر کرده است و بناسن افراد نیروهای مسلح افغانستان را در مدارس نظامی خود تعلیم دهد. وزیر خارجه آذربایجان بتازگی گفته است: آذربایجان علاقمند است که به نیروی

پاسخ دهنده ناتو بیبوند همناطور که او کرائین به این نیرو پیوسته است. اما این نیرو اینطور تعریف شده است: نیروی است با حداکثر درجه آمادگی و مجهز به پیشرفته ترین اسلحه. این نیرو ترکیبی است از نیروی زمینی و دریائی و هوائی و ناتو می تواند در هر جای جهان لازم افتاد، آن را وارد عملیات کند. این نیرو در همه جهان و تحت هر شرایطی می تواند وارد عمل شود. در اواخر ماه ژانویه سال جاری، مشاور رئیس جمهوری آذربایجان، وفا قلی زاد، گفته است: همکاری نظامی با ناتو، آرمان آذربایجان و مردم آنست. کشورها از لحاظ ژئو استراتژیک موقعیتی ممتاز دارد و فرودگاههایی دارد که می توانند پایگاه های ناتو بگردند.

• در شرق ایران، آمریکا و ناتو بزودی بیشتر از ۱۵۰۰۰۰ نیرو خواهند داشت. و بنا بر مطالعه جدیدی، ۴۰۰ پایگاه نظامی در شرق ایران، در افغانستان ایجاد شده اند و قوای آمریکا و ناتو عملیات نظامی خود را با پاکستان هماهنگ می کنند. حلقه محاصره نظامی ایران زمان به زمان تنگ تر می شود و ناتو در ایجاد این حلقه نقش کلیدی ایفا کرده است و می کند.

انقلاب اسلامی: با فروپاشی امپراطوری روسیه، ایران موقعیت ممتازی جست زیرا برای نخستین بار، پس از دو قرن، در مرزهایش قوای تهدید کننده ای حضور نداشتند. خمینی و ملاتاریا، برای استقرار استبداد خود، آلت فعل آمریکا و انگلستان و اسرائیل شدند و جنگ را بمدت ۸ سال طولانی کردند. قوای دریائی آمریکا در خلیج فارس حضور یافتند. بحران تراشی های رژیم سبب شد که ایران در حالت جنگ بماند. حمله آمریکا به عراق و افغانستان، را یک دولت منکی به ولایت جمهور مردم، می توانست بکار برد و به رشد اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی خود سرعت ببخشد و موقعیت ممتازی پیدا کند. رژیم ملاتاریا به رژیم مافیاهای نظامی - مالی بدل شد و فرصتها بسوختند. سهل است، این غرب بود که بحران سازیهای رژیم مافیاه را دست آویز استقرار قوای نظامی خود در گراگرد ایران کرد. و هنوز،

## هم وسائل ارتباط جمعی آمریکا در خدمت جنگ هستند و هم آمریکا اسرائیل قصد حمله به ایران را ندارند!؟

### \* وسائل ارتباط جمعی آمریکا همان روش تبلیغاتی را پیش گرفته اند که پیش از حمله آمریکا به عراق، برای آماده کردن مردم آمریکا با حمله، بکار بردند:

◀ در ۱۸ فوریه ۲۰۱۰، روبرت پاری در کنسرسیوم، مقاله مفصلی در باب نقش مطبوعات آمریکا، خصوص نیویورک تایمز و واشنگتن پست در آتش بیاری جنگ بر ضد ایران انتشار داده است. در مقدمه، تبلیغات کنونی وسائل ارتباط جمعی آمریکا بر ضد ایران را با تبلیغات آنها بر ضد صدام و رژیم او مقایسه کرده و سپس به استدلال ها این وسائل برای خطرناک جلوه دادن ایران، می پردازد. یک چند از استدلالها که روبرت پاری بی





اعتبار و در همان حال، اثبات کننده خطر اسرائیل و... می داند، عبارتند از:

- دلیل اول اینست که ایران قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای را امضاء کرده است و می باید آن را رعایت کند. اما اسرائیل پیشرفته ترین سلاح اتمی را دارد و در سال ۱۹۸۶، یک مهندس اتمی اسرائیل به اسم وانونو فاش کرد که اسرائیل سلاح اتمی دارد. او را از ایتالیا ربودند و به اسرائیل بردند و به زندان محکوم کردند و بعد از آزادی نیز به او اجازه سخن گفتن به خارجی را نمی دهند. نه کسی می پرسد چرا با وانونو بخاطر گفتن حقیقت این رفتار شده است و می شود و نه کسی از اسرائیل می پرسد چرا به قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای را امضاء کرده و چرا بمب اتمی ساخته است؟ هند و پاکستان نیز در این موقعیت هستند.
- دلیل دومی که بکار برده می شود اینست که ایران کشوری بغایت خطرناک است. از حزب الله و حماس حمایت می کند که بزعم برخی از کشورهای غرب تروریست هستند. رهبران ایران اسرائیل را بمثابة یک دولت قبول ندارد و می خواهد این دولت مذهبی/قومی از میان برود.
- اما غیر از ایران، بسیاری از کشورهای خاورمیانه و جهان حزب الله و حماس را سازمانهای مقاومت و گروه های سیاسی می شناسند که با قوای اشغالگر اسرائیل در لبنان و فلسطین می جنگند. آنها بر ضد غیر نظامیان نیز عملیات نظامی انجام می دهند اما بهیچ رو قابل مقایسه با عملیات نظامی اسرائیل بر ضد لبنانی ها و فلسطینی ها نیست...

بخلاف اسرائیل، ایران کشور صلح جویی بوده است و چند نسل آن بطور نسبی در صلح زندگی کرده اند. جنگ ۸ ساله را نیز رژیم صدام شروع کرد. امریکا بود که به رژیم صدام چراغ سبز داد و کشورهای منطقه، از جمله عربستان حامی عراق شدند زیرا از اشاعه بنیادگرایی شیعه می ترسیدند.

ناظران جدی و بی طرف، از راه مطالعه و مشاهده به این نتیجه رسیده اند که امریکا فعال ترین کشور جهان، از لحاظ مداخله در امور کشورهای دیگر جهان، طی ۶ دهه گذشته بوده است. اغلب نیز با بکار خشونت این مداخله را بعمل آورده است.

- دلیل سومی که می آورند اینست که دولت ایران تروریست پرور است. حال آنکه در سالهای ۱۹۸۰، در جنگ با قوای روسیه در افغانستان، پاکستان با مسلمانهای افراطی، از جمله اسامه بن لادن و دیگر عناصر خشونت طلب که بعد ها القاعده را بوجود آوردند، همکاری می کرد. در سالهای ۱۹۹۰، اداره اطلاعات ارتش پاکستان، گروه طالبان را بوجود آورد و پشتی آنها در تصرف افغانستان شد. طالبان متحدان القاعده بودند که ترورهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را انجام داد.

اداره اطلاعات ارتش پاکستان حامی جنگجویان کشمیری در عملیات خشونت آمیز بر ضد قوای هند بود و پاکستان، پایگاه عمل تروریستی، در سال ۲۰۰۸، در بمبئی بود.

امریکا خود نیز فعالیتهای تروریستی دارد: تعلیم تروریستهای کوبانی، از جمله لویی بوزادا کارلیس که در سال ۱۹۷۶ در کوبا ایر لاین بمب گذاری کرد و آدم ربائی های سیا و... از زمانی که امریکا دو شهر ژاپن را با بمب اتمی نابود کرد، هر از چندی کشوری را به حمله اتمی تهدید کرد. حتی امروز، در همان حال که می گوید هرگاه ایران به بمب اتمی مجهز

## تکرار گذشته یا تغییر؟

شود، کشورهای منطقه را به بمب اتمی تهدید خواهد کرد، هم بوش و هم ظاهراً اوباما، گزینه حمله اتمی به ایران را کنار نگذاشته اند...

### \* امریکا و اسرائیل می گویند قصد حمله به ایران را ندارند:

◀ در ۱۶ فوریه ۲۰۱۰، سخنگوی مطبوعاتی کاخ سفید، روبرت جیس، گفت: حکومت اوباما برغم تصمیم ایران به غنی سازی اورانیوم تا ۲۰ درصد، قصد حمله به ایران را ندارد. جیس ایران را متهم کرد که پیشنهاد امریکا در باره گفتگوهای دیپلماتیک را رد کرده است. این رد کردن دلیل آنست که قصد از اجرای برنامه اتمی ایران، استفاده صلح آمیز از اتم نیست.

◀ در ۱۷ فوریه ۲۰۱۰، به گزارش آنتی وار، تحلیل گران به این نتیجه رسیده اند که سخنان هیلاری کلینتون در دوهه گویای ورود امریکا به مرحله جدیدی از تقابل با ایران است. بعد از آنکه بمدت یک سال، حکومت اوباما به راه دیپلماسی و گفتگو رفت، اینک، وزیر خارجه امریکا می گوید: ایران خطری است که بلحاظ رفتن بسوی رژیم نظامی، بزرگ تر می شود. بنا بر این مجازات های سخت ضرور هستند برای این که رهبر و رئیس جمهوری را از دست نظامیان رها کند. روزی پیش از او، مشاور امنیتی اوباما، در تلویزیون فوکس گفت: نیاز به مجازاتهای سخت برای رها کردن رهبر و رئیس جمهوری از مهار نظامیان است.

انقلاب اسلامی: هم دور دوم ریاست جمهوری خاتمی روشن بود که مافیاهای نظامی - مالی قوت گرفته اند. هم آن زمان، انقلاب اسلامی نسبت به تحول رژیم ملاتاریا به رژیم مافیاهای نظامی - مالی هشدار داد. و امروز، از رهگذر اشغال تهران و شهرهای بزرگ توسط قوای مسلح، وزیر خارجه امریکا به این نتیجه رسیده است که رژیم ایران دارد یک رژیم نظامی می شود و می خواهد با وضع مجازاتهای سخت، «رهبر» و «رئیس جمهوری» را از مهار سپاه پاسدار رها کند. سخن وزیر خارجه و مشاور امنیتی اوباما سخت قابل تأمل است. در حقیقت، امریکا و اروپا نمی خواهند در ایران مردم سالاری برقرار شود. می خواهند رژیم بیشتر از آنچه که شده است، در خدمت منافع آنها باشد.

◀ به گزارش آسوشیند پرس ( ۱۶ فوریه ۲۰۱۰)، نتان یاهو، نخست وزیر اسرائیل گفته است: اسرائیل نقشه ای برای حمله به ایران ندارد. او سخنان ایران را در باره حمله نظامی، واکنشی نسبت به تهدید شدن ایران به مجازاتهای سخت تر ارزیابی کرد. اسرائیل امیدوار است دیپلماسی بتواند مسئله اتمی ایران را بدین ترتیب حل کند که ایران از اجرای برنامه اتمی خود باز ایستد. در مسکو، نتان یاهو به روسیه فشار آورد مجازاتهای جدید علیه ایران را امضاء کند.

انقلاب اسلامی: اگر اسرائیل قصد حمله به ایران را ندارد چرا به روسیه فشار می آورد موشکهای ضد هوایی را به ایران تحویل ندهد؟

### \* روسیه اعلان کرد که تحویل موشکهای ضد هوایی را به ایران، به تأخیر انداخت:

◀ در ۱۷ فوریه ۲۰۱۰، خبرگزاریهای رویتر و فرانسه گزارش کرده اند که روسیه اعلان کرد که تحویل موشکهای S-300 را به تأخیر می اندازد. روسیه روزی بعد از دیدار نتان یاهو نخست وزیر اسرائیل، به تعویق انداختن این سامانه موشکی را اعلان کرد. خبرگزاری ایترفاکس می گوید علت به تأخیر افتادن تحویل این موشکها، مسائل فنی هستند. معاون رئیس اداره همکاری نظامی - فنی، آکساندر فومین به خبرگزاری ایتر فاکس گفت: بمحض این که مسائل فنی حل شوند، تحویل موشکها انجام خواهد شد.

کشورهای غرب و اسرائیل از روسیه خواسته بودند که این موشکها را به ایران نفروشد. این موشکها به ایران امکان می دهد حمله به تأسیسات اتمی خود را خنثی کند.

معاون شوار امنیت ملی روسیه، ولادیمیر نازارو، گفته است: دلیل وجود ندارد که روسیه قراردادی را که امضاء کرده است، محترم شمارد و اجرا نکند. یک قراردادی امضاء شده و ما می باید آن را اجرا کنیم. اما تحویل این موشکها هنوز شروع نشده است. این معامله موضوع هیچگونه تحریم بین المللی نیست. و این سلاح قطعاً تدافعی است. و نیز همه اعمال ما می باید به تقویت ثبات جهانی و منطقه ای کمک کنند.

ایران اعلان کرده است در آینده نزدیک موشک ضد هوایی خواهد ساخت که معادل S-300 و یا بهتر از آن خواهد بود.

◀ هارتنس (۱۶ فوریه ۲۰۱۰) گزارش می کند که دیمتری مدودو، رئیس جمهوری روسیه به نتان یاهو، نخست وزیر اسرائیل، اطمینان داده است که سامانه موشکی پیشرفته را به ایران تحویل نخواهد داد.

اسرائیل مکرراً از روسیه خواسته بود قرارداد فروش موشکهای S-300 را به ایران لغو کند. نتان یاهو گفت رهبران روسیه به او اطمینان های لازم را داده اند که روسیه توجه جدی به ثبات منطقه دارد.

موشکهای S-300 می توانند هواپیماهای و یا موشکهای دشمن را در ۱۵۰ کیلومتری هدف، مورد اصابت قرار دهد و از میان ببرد. هرگاه ایران به این موشکهای مجهز شود می تواند با حمله اسرائیل با امریکا به تأسیسات اتمی خود مقابله کند.

نتان یاهو در دیدار دوشنبه خود، اصرار ورزید که روسیه به بکوشهای بین المللی برای وضع مجازاتهای سخت تر بر ضد ایران، بپیوندد. او به رهبران روسیه گفت: پیش از آنکه ایران به بمب اتمی مجهز شود، می باید اجرای برنامه اتمیش متوقف شود. آنچه در حال حاضر مورد نیاز است، وضع مجازاتهای سخت، از جمله تحریم واردات و صادرات نفت، برای ناگزیر کردن رهبران ایران به متوقف کردن اجرای برنامه اتمی است.

### \* دستیگری ریگی بفریاد می گوید: معامله ای انجام گرفته است:

◀ در ۴ اسفند، عبدالملک ریگی، رهبر گروه جند الله دستگیر شد. کارگزاران رژیم برابر روش خود، خبر دستیگری را با حمله زبانی به امریکا و انگلستان همراه کردند. زیاده روی در این کار گویای انجام معامله بود. و اینک معلوم است که معامله انجام گرفته است:

- حیدر مصلحی، «وزیر» واواک می گوید: مأموران واواک ۵ ماه و بیشتر است که رد عبدالملک ریگی را مرتب می جسته اند و چون دانسته اند که او با هواپیما از ابوظبی عازم قرقیزستان است، هواپیما را فرود آورده و او را توقیف کرده اند.

- نجار، «وزیر» کشور می گوید: ریگی را در کشور ثالث دستگیر کردیم و به ایران آوردیم.

- دو حکومت امریکا و انگلستان از دستیگری ریگی ابراز خشنودی کردند. ژنرال پترانوس، فرمانده عالی قوای امریکا در خاور و آسیای میانه نیز از دستیگری ریگی ابراز خشنودی کرد.

- نیویورک تایمز (۲۴ فوریه ۲۰۱۰) نوشت: ریگی را پاکستان با موافقت امریکا، گرفته و تحویل ایران داده است.

- استراتفور (۲۴ فوریه) موضوع معامله را نیز می شناسد: همکاری ایران در افغانستان و همکاریش با پاکستان در جلوگیری از استقرار نفوذ هند در افغانستان به زیان پاکستان.

- در ۵ اسفند، خبرگزاری فارس، متعلق به سپاه، مصاحبه با سفیر پاکستان در تهران را انتشار داده است. در این مصاحبه، سفیر می گوید، پیش از این، نیز، برادر ریگی، عبدالحمید ریگی را پاکستان گرفت و تحویل ایران داد. در دستیگری عبدالملک ریگی نیز پاکستان با ایران همکاری کرده است. او گفته است: چند و چون این همکاری بزودی روشن خواهد شد.

### \* ایران و ۷ کشور دیگر پول شوئی می کنند و برخی از آنها منبع مالی «سازمانهای تروریست» را تأمین می کنند:

◀ در ۱۹ فوریه ۲۰۱۰، به گزارش خبرگزاری فرانسه، Financial Action Task Force در پی تحقیق به این نتیجه رسیده است که ۸ کشور پول شوئی و برخی از آنها تروریسم را تمویل می کنند. ایران یکی از این ۸ کشور است. کشورهای دیگر عبارتند از آنگولا و اکوادور و اتیوپی و کره شمالی و پاکستان و سانو توم و پرنسپ و ترکمنستان. این کشورها با پول شوئی نظام مالی جهان را با خطر روبرو می کنند.

۳۵ عضو این سازمان از جمله کمیسون اروپائی و شورای همکاری خلیج فارس خواستار مجازات ایران شده اند چرا که ایران هم پول شوئی می کند و هم تروریسم را تمویل می کند.

مرکز FATF در پاریس است.

## آژانس بین المللی انرژی اتمی: ایران ممکن است دست بکار تولید سلاح اتمی باشد و تقلاها برای وضع مجازاتها:

### \* بنابر گزارش جدید آژانس بین المللی انرژی اتمی، «تجاوز فنی» ایران دلالت می کند بر قصد تولید سلاح اتمی:

◀ در ۱۸ فوریه ۲۰۱۰، به گزارش خبرگزاریها، آژانس بین المللی انرژی اتمی که اینک آمانو مدیر آنست، گزارش جدیدی را انتشار داده است دارای این نکات:

- «تجاوز فنی» (Technical Violation) ایران این نگرانی را پدید آورده است که این کشور در گذشته و یا در حال حاضر، فعالیتهای مخفی مربوط به تولید کلاهک اتمی برای موشکهای خود.

اول هفته پیش، ایران شروع کرد به غنی سازی اورانیوم تا ۲۰ درصد برای تهیه سوخت برای رآکتور اتمی تهران. در آن تاریخ، آژانس ناراحتی خود را از این که ایران چنین شتابان به این کار پرداخته است، اظهار کرد. و اصرار کرد که ایران مکلف است شروع به کار را به تأخیر اندازد تا که تغییرها بر وفق توافق در مورد مراقبت و بازرسی انجام گیرند. چون ایران بدون توجه به اصرار آژانس کار خود را آغاز کرده است، آژانس کار ایران را «تجاوز فنی» می خواند.

آژانس که اینک تحت مدیریت یوکیا آمانو است، این «تجاوز فنی» را توجیه گر نگرانی خود بابت قصد ایران در گذشته یا حال بر تولید کلاهک اتمی کرده است.

آژانس می گوید: ایران به غنی سازی اورانیوم ادامه داده و بر ذخیره اورانیوم غنی شده خود افزوده است.

### \* ایران ممکن است دو سایت جدید اتمی ایجاد کند:

◀ در ۲۲ فوریه، به گزارش خبرگزاری فرانسه، صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی گفته است: ایران ممکن است دو سایت جدید غنی سازی اورانیوم دیگر ایجاد کند. این دو سایت به سانتریفوژهای جدیدتر و قوی تری مجهز خواهند شد. هر یک از دو سایت، همان ظرفیت را خواهند داشت که سایت نظنر. این دو سایت زیر کوه ساخته می شوند تا از آسیب هر حمله نظامی هوایی در امان باشند. فعلاً ۵ محل شناسائی شده اند و ۵ محل دیگر را نیز شناسائی خواهیم کرد و از این ۱۰ محل، ۲ محل را انتخاب خواهیم کرد. ایران قصد دارد توانائی تولید ۲۵۰ تا ۳۰۰ تن اورانیوم غنی شده را بدست آورد. در نظنر ۸۱۶۰ سانتریفوژ نصب شده است که از آنها ۳۷۷۲ سانتریفوژ کار می کنند و تا کنون ۲۰۵۶ کیلو اورانیوم ۳/۵ درجه تولید کرده اند.

در صفحه ۵





انقلاب اسلامی: فرانسه بیشتر از آمریکا و کشورهای دیگر غرب، همراه این دو کشور، گزارش آژانس را دست آویز فشار به روسیه و چین بقصد کسب موافقت آنها با وضع مجازاتهای سخت تر، کرده اند:

**\* مجازات سپاه برای رها کردن خامنه ای و احمدی نژاد و یا بقصد کمک به آزاد شدن مردم؟\***

◀ در ۱۵ فوریه ۲۰۱۰، هیلاری کلینتون در سفر خود به خلیج فارس، گفت: ایران به طرف دیکتاتوری نظامی می رود. برای این که رهبر و رئیس جمهوری از قید سپاه رها شوند، وضع و اجرای مجازاتهای سخت ضرورت دارد.

◀ در همان تاریخ، آنتی وار اطلاع داد که از هدفهای مهم سفر وزیر خارجه به کشورهای خلیج فارس، برکتبختن این کشورها به تامین نفت مورد نیاز چین بوده است. هرگاه این کشورها نفت مورد نیاز چین را تامین کنند، آمریکا می تواند این کشور را با وضع و اجرای مجازاتهای جدید بر ضد ایران، راضی کند.

◀ در ۱۴ فوریه ۲۰۱۰، خبرگزاری فرانسه سخنان جیمس جونس، مشاور امنیت اوباما رئیس جمهوری آمریکا، را انتشار داده است. او نیز گفته است: ایران دارد بسوی دیکتاتوری نظامی می رود. و آمریکا به شورای امنیت مراجعه می کند برای تقاضای تصویب مجازاتهای جدید بر ضد ایران. آمریکا بر آن نیست که ایران را بی ثبات کند. رژیم ایران از انتخابات ریاست جمهوری بدین سو، با جنبش مردم ایران بر ضد خود روبرو است. وضع و اجرای مجازاتهای جدید رژیم را متزلزل تر نیز می کند. ما می دانیم رژیم ایران با مشکلی بسیار جدی روبرو است و ما بر آنیم که بر مشکلش بیفزائیم. کوشش برای وضع و اجرای مجازاتهایی که نه سبک که سنگین خواهند بود، سبب می شود که ترکیب مسائل داخلی و مسائل خارجی رژیم را در معرض تغییر قرار دهد.

او گفت روسیه با وضع مجازاتهای جدید موافق است اما در مورد چین، بیشتر باید کار کنیم. کشورهای انگلستان و فرانسه و آلمان که در دوره خاتمی طرف گفتگو با ایران بودند، با وضع مجازاتهای سخت علیه ایران موافقتند.

**\* رژیم سعودی که پیش از این میانه را می گرفت و گاه نقش واسطه را بازی می کرد نیز خواهان «راه حل فوری» شده است:**

◀ در ۱۶ فوریه ۲۰۱۰، دوپچه وله گزارش کرده است: سعود الفیصل، وزیر خارجه عربستان سعودی در دیدار با هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا، برنامه اتمی ایران را تهدیدی برای عربستان سعودی خواند و خواستار راه حل های فوری برای آن شد.

به گزارش خبرگزاری ها، سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان روز سه شنبه در یک کنفرانس خبری مشترک با هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا، برنامه اتمی ایران را یک «تهدید» خواند. او گفت: به خاطر

نزدیکی جغرافیایی ایران به عربستان، تهدید این کشور نیازمند راه حل فوری است. وزیر خارجه عربستان تاکید کرد: ریاض نمی خواهد کشورهای منطقه به رقابت تسلیحاتی روی آورند. او افزود: ما خواستار حل مساله اتمی ایران از راه مسالمت آمیز و اجرای قوانین مبارزه با سلاح های کشتار جمعی هستیم.

وزیر خارجه عربستان تاکید کرد: تحریم ها راه حلی درازمدت هستند. اما ما برای تهدید ناشی از بلندپروازی های اتمی ایران به جای راه حلی تدریجی به راه حلی فوری نیاز داریم.

**\* اسرائیل که هر روز بیشتر از روز پیش نسبت به اثر بخش بودن حمله نظامی تردید می کند، اینک فشار می آورند که کشورها، بخصوص روسیه با وضع مجازاتها برضد ایران موافقت کند:**

◀ در ۱۴ فوریه ۲۰۱۰، نتان یاهو که به مسکو رفته بود، با مقامات این کشور در باره وضع مجازات بر ضد ایران، گفتگو کرده است. خبرگزاریها برای این پرسش: چرا اسرائیل در پی آنست ایران مجازات شود با این که پیش از این مجازاتها را بی اثر می دانست، این پاسخ را یافته اند: تردید اسرائیل نسبت به اثر بخش بودن حمله نظامی، روز به روز بیشتر می شود. از این رو، جانبدار تشدید مجازات ایران شده و برای وضع و اجرای مجازاتها فشار وارد می کند.

از این رو، نتان یاهو در سفر خود به مسکو، به سران روسیه اصرار ورزید که با وضع مجازاتهای جدید و شدید برضد ایران موافقت کند. اسرائیل مدعی است که اسرائیل دارای یک سلاح الکترونیک است که می تواند موشکهای S-300s را هم در روسیه و هم در ایران از کار بیاندازد. هرگاه روسیه این موشکها را به ایران بدهد، اسرائیل این سلاح را بکار خواهد برد.

**\* ژنرال پترائوس: دیگر کسی نمی تواند بگوید آمریکا و بقیه دنیا تمام فرصتها را به ایران ندادند تا که مسئله از راه دیپلماسی حل شود:**

◀ در ۲۱ فوریه ۲۰۱۰، ها آرتص سخنان ژنرال پترائوس، فرمانده قوای آمریکا در خاورمیانه را موضوع ارزیابی کرده است. ژنرال پترائوس گفته است: « آمریکا کوشش های خود را مصروف وارد کردن فشار سخت به ایران بقصد متوقف کردن اجرای برنامه اتمی این کشور است.» او که در برنامه «دیدار با مطبوعات» تلویزیون NBC سخن می گفت، افزود: «از این پس، کسی نمی تواند بگوید آمریکا و بقیه دنیا فرصتها را به ایران ندادند تا که مسئله از راه دیپلماسی حل شود. این واقعیت بنیاد محکمی برای وارد کردن فشار سخت به ایران است. ما اینک وارد این روند شده ایم.»

**تکرار گذشته یا تغییر؟**

ها آرتص توضیح می دهد که آمریکا در کار آنست که چهارمین قطعنامه، شامل مجازاتهای جدید، را به تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد برساند. دو عضو دائمی دیگر شورای امنیت، انگلستان و فرانسه از آمریکا پشتیبانی می کنند. روسیه نیز که با وضع مجازاتها علیه ایران روی خوش نشان نمی داد، اینک گزارش آژانس (ایران ممکن است در کار تولید بمب اتمی باشد) را «اعلان خطر جدی» توصیف می کند.

از پترائوس پرسیده شد: ایران چه اندازه به تولید بمب اتمی نزدیک شده است؟ او پاسخ داد: هنوز راه طولانی در پیش دارد. احتمالاً از زبان آژانس بین المللی انرژی اتمی، در حدود یک هفته دیگر، در این باره بیشتر خواهیم شنید.

انقلاب اسلامی: به یاد خوانندگان می آوریم که در جریان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و نیز بوقت انتخاب شدن اوباما به ریاست جمهوری آمریکا، هشدار داده شد که هرگاه حکومت آمریکا افکار عمومی بخش مسلط جهان را متقاعد کند که هرکار لازم بوده، انجام داده تا که مشکل اتمی از راه گفتگو حل شود و رژیم ایران راه نیامده است، به حمایت افکار عمومی بخش مسلط جهان، می تواند ضربه های سخت به ایران وارد کند. با وجود این واقعیت، رژیم مافیای در داخل با مردم ایران جبهه جنگ گشوده است و در خارج بحران اتمی را شدت بخشیده است. از قرار می پندارد پیروزی در جنگ با مردم در گرو قرار دادن کشور تحت فشارهای اقتصادی شدید تر و تنگ شدن حلقه نظامی بر گلو ی ایران است:

**گذشته حال و حال آینده می شود یا به «تکرار» و یا به تغییر**

**نقش احمد خمینی و ایران گیتی ها در عزل منتظری از قائم مقامی رهبر:**

انقلاب اسلامی: سایت ملی - مذهبی ها، در بهمن ۸۸، نوشته ای از حسن عبداللهی انتشار داده است در باره عزل آیت الله منتظری از قائم مقامی رهبر و نقش احمد خمینی و واواک و برخی از ایران گیتی ها را توضیح داده است. بدیهی است هنوز پرسشهایی بی پاسخ می یابند. نخست نوشته را، منهای نامه منتظری به خمینی در ۷ فروردین ۶۸ و پاسخ خمینی به او به تاریخ ۸ فروردین، بخوانید:

\* پشت پرده عزل آیت الله منتظری از قائم مقامی رهبری: بسمه تعالی "فشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه"

• در سال ۶۸ به دنبال جوسازی هایی که از مدت ها قبل از آن در جریان و مطبوعات علیه آیت الله منتظری انجام می شد، افرادی به دنبال تخریب آیت الله منتظری و جدا کردن امام خمینی و ایشان بودند. به گفته آقای احمد خمینی در رنجنامه "آقای منتظری مثل ظرف شیشه ای می ماند و امام مثل ظرف فلزی اند و اگر به هم بخورند ایشان خرد می شوند" که این برخورد حاکی از موضع تهدید آمیز احمد خمینی به از دست دادن پایگاه آیت الله منتظری است. با توجه به پیشرفت بیماری امام، متصدیان تفرقه به این نتیجه رسیدند که باید ضربه نهایی را بزنند. آیت الله منتظری با علم به این موضوع اقدام به نوشتن نامه ۶۸/۱/۴ نمودند که متن آن چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم محضر مبارک آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی پس از سلام و تحیت و تبریک به مناسبت ایام نوروز و ولادت با سعادت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، در رابطه با پیام اخیر حضرت تعالی لازم دیدم به عرض برسانم:

۱- اینجانب تا حال خود و بیت خود را شعبه ای از بیت حضرت تعالی می دانستم و مراجعات گوناگون مردم در مسائل شرعی و مسائل اجتماعی و درددلهای مسئولین ارگانها و مشکلات ذوی الحجاجات که دستشان به حضرت تعالی کمتر می رسد را به عنوان حضرت تعالی پاسخ می داده ام، و در حد توان و قدرت سعی من و بیت من بر راضی نمودن افراد و توجیه حضرت تعالی بوده است. در مقایسه با وضعیت حاکم بر بعضی از بیوت و بر بسیاری از محافل حوزوی تنها بیت اینجانب است که از انقلاب و نظام و مقام معظم رهبری دفاع می کند و ملجای برای قشر وسیع طلاب جوان انقلابی و زجر کشیده می باشد.

۲- در مورد منابع اطلاعاتی اینجانب نیز به عرض می رسانم: یکی از مهمترین منابع، بسیاری از مسئولین ارگانهای انقلابی و دولتی است که دائماً مشکلات ارگانهای خود و راه حلها را مستقیماً با من مطرح می کنند و برای حل آنها از من استمداد می جویند، و دیگری بولتن های محرمانه کشور است از قبیل بولتن مجلس، سپاه، وزارت اطلاعات، وزارت ارشاد، وزارت خارجه، تلکسها و غیر ذلک که حاوی اخبار و گزارشها و تحلیل های مختلفی می باشند، و بعلاوه مراجعات متفرقه مردم و ائمه جمعه و سایر شخصیت های روحانی مورد مراجعه مردم اند که در اکثر ایام هفته هر روز حدود دو ساعت با آنان ملاقات و گفتگوی بدون حاجب و مانع دارم، و بدیهی است که وقتی یک سری مشکلات و نارسایی ها و یا احیاناً خلاف کاری ها از منابع ذکر شده را هر روز انسان مطلع می شود تحت تاثیر قرار می گیرد و قهراً احساس تکلیف می کند. البته ممکن است بعضی از افراد ناراضی بازداشتی یا آزاد به دلایل و انگیزه های سیاسی و غیره که قطعاً از حضرت تعالی پوشیده نیست اظهاراتی نموده باشند که لازم است انگیزه ها و شرایط آنان بررسی شود و قهراً قابل اعتماد و استناد نخواهد بود.

۳- اینجانب تا حال معتقد بوده ام که تذکرات و انتقادات من نه فقط موجب

تضعیف نظام نمی شود بلکه از این نظر که اکثریت مردم را امیدوار ساخته و مسئولین را نیز درصدد رفع نواقص و توجه بیشتر به مسائل می سازد، موجب تقویت انقلاب و نظام هم می باشد. مع ذلک اگر حضرت تعالی تشخیص می دهد که این شیوه به مصلحت نیست و موجب تضعیف نظام و انقلاب می باشد اینجانب شرعاً نظر حضرت تعالی را بر نظر خود مقدم می دانم و هیچ گاه غیر از خیر اسلام و انقلاب را در نظر نداشته ام.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته - ۶۸/۱/۴ - حسینعلی منتظری نامه چهارم فروردین آیت الله منتظری از آنجا که پیش از حوادث و پیامدهای مربوط به عزل نوشته شد و هنوز جو کشور عادی و آرام و ایشان قائم مقام رهبری بود، حاکی از وفاداری منطقی ایشان به رهبری انقلاب بود، اما در تاریخ ششم فروردین نامه ای متناسب به امام خمینی خطاب به آیت الله منتظری نوشته شد که در آن، آیت الله منتظری متهم به جفا و خروج از عدالت شده بود. دلایل اتهامات وارد شده به آیت الله منتظری در آن نامه بر اساس دو چیز ذکر شده بود:

۱- شما اسرار نظام را به استکبار داده اید.

۲- شما سهم مبارک امام را به حلقوم منافقین ریختید.

اگر نگارش چنین نامه ای صحت داشته باشد ناشی از خشم و عصبانیت بوده (شاهد مدعا، نامه ۸ فروردین است که کاملاً با نامه ۶ فروردین مغایرت دارد) و لذا نمی توانسته پاسخ نامه صمیمانه آیت الله منتظری در تاریخ "چهارم فروردین" باشد و بدون شک باید واقعه ای رخ داده باشد که نامه آیت الله منتظری نه تنها اثر مثبت نداشته باشد، بلکه اثری معکوس بر جای گذارده و امام را بدان پایه عصبانی کرده باشد (۱). آن واقعه ای که در فاصله چهارم تا ششم فروردین ماه رخ داد، چه بود؟ آیا این نامه می توانست پاسخی مناسب برای نامه ۶۸/۱/۴ آیت الله منتظری باشد؟

مسئله این است، همان جریانی که از مدت ها پیش برنامه ریزی کرده و گام به گام پیش آمده بود و در روزهای بحرانی و وخامت حال امام درصدد خوشه چینی بود، وقتی نامه چهارم فروردین آیت الله منتظری به امام را دید، همه نقشه های خویش را بر باد رفته یافت.

با توجه به سرعت پیشرفت سرطان و پیامدهایی که این بیماری خطرناک برای همه مبتلایان خود در پی می آورد و نیز با توجه به اینکه همه قرائن نشان دهنده این واقعیت بود که مدت زیادی به پایان عمر امام باقی نمانده است و پس از امام نیز امکان برکناری آیت الله منتظری وجود نداشت، باید واقعه ای رخ می داد (۲). در فاصله چهارم و ششم فروردین یعنی در تاریخ "پنجم فروردین ماه" نامه آیت الله منتظری به امام درباره اعدام های زندانیان و مجاهدین خلق که هفت ماه پیش از آن برای امام خمینی نوشته و ارسال شده بود از اخبار شامگاهی رادیو بی بی سی خوانده شد. چند روز پیش از این واقعه، خبر نامه مزبور در روزنامه "انقلاب اسلامی در تبعید" و در یک نشریه دیگر منعکس شده بود. (۳)

در اوایل بهمن ۱۳۶۷، آقای نوذری نماینده بخش فارسی رادیو بی بی سی در تهران، به دفتر آیت الله منتظری





آمده و اظهار داشته‌است که به مناسبت دهه فجر سالگرد انقلاب اسلامی در نظر دارد با بیست تن از شخصیت‌های عالی‌رتبه جمهوری اسلامی مصاحبه‌هایی ترتیب دهد و نیز قصد دارد با آیت‌الله منتظری نیز مصاحبه‌ای انجام دهد، در اثر مراجعه وی به آقای سید هادی هاشمی و یافشاری‌های وی برای ملاقات با آیت‌الله منتظری، ایشان به آقای هاشمی گفته است: "ببینید نماینده بی‌بی‌سی چه می‌گوید". آیت‌الله منتظری به خاطر سوءظن شدیدی که مدت‌ها بود به رادیوی بی‌بی‌سی داشت و آن را کرازا گفته بود، از هرگونه رودررویی با نماینده آن خودداری ورزید. آقای هادی هاشمی در این دیدار خطاب به نماینده بی‌بی‌سی می‌گوید: "این چه خطی است که بی‌بی‌سی دو-سه سال است برای اختلاف بین امام و آیت‌الله منتظری تعقیب می‌کند؟" نماینده بی‌بی‌سی پاسخ می‌دهد: "بی‌بی‌سی اختلافی را تعقیب نمی‌کند و چون آزاد است هر خبری که واصل شود، آن را پخش می‌کند." ولی آقای هاشمی تأکید داشته که واقعیت غیر از این است و بی‌بی‌سی خط فتنه را دنبال می‌کند.

پس از آن نماینده بی‌بی‌سی گفته است: "حاج آقا می‌خواستیم نسخه‌ای از نامه آیت‌الله منتظری به امام را در اعتراض به اعدام‌ها به من بدهید." آقای هاشمی در مورد اصل نامه تجامل نموده و می‌گوید: "کدام نامه، مگر چنین نامه‌ای بوده است؟" نماینده مزبور گفته است: "من نسخه‌ای از آن را دیده‌ام" آقای هاشمی پاسخ داده‌است اگر دیده‌اید برای ما هم بگویید تا باخبر شویم. نماینده مزبور محتوای نامه را بیان می‌کند. آقای هاشمی شگفت‌زده می‌پرسد: "شما آن را در کجا دیده‌اید؟" آن شخص پاسخ داده که نامه را از یکی از دوستانم در شورای عالی قضایی گرفته و خوانده‌ام و دوباره نسخه‌ای از نامه را از آقای هاشمی طلب می‌نماید. آقای هاشمی گفته است: "کسی حق نداشته نامه را به شما بدهد و ما هم نمی‌دهیم." (۴) و پس از آن به قصد خروج از اتاق خود و جداشدن از نماینده بی‌بی‌سی پرمی‌خیزد که وی تا بیرون دفتر آیت‌الله منتظری همراه ایشان آمده و برای گرفتن نامه اصرار می‌کند ولی سودی نمی‌برد. پس از آن آقای هاشمی با اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد تماس گرفته و می‌پرسد: "آیا نمایندگان خبرگزاری‌ها حق سفر و دیدار با اشخاص را در داخل کشور دارند؟" مدیرکل اداره مطبوعات خارجی می‌گوید: "مجاز هستند ولی برای هر دیدار و مصاحبه‌ای باید قبلاً این اداره را آگاه کنند و اجازه بگیرند." آقای هاشمی سؤال می‌کند: "آیا نماینده بی‌بی‌سی با اطلاع شما به دفتر آیت‌الله منتظری در قم آمده‌است؟" در جواب گفته شده که او بدون اطلاع وزارت ارشاد آمده و تخلف کرده‌است. پس از این مکالمه آقای هاشمی با توجه به اینکه بی‌بی‌سی چندی بود در خط اختلاف بین دو شخصیت والا مقام انقلاب حرکت می‌کرد، به سفر نماینده آن به قم و اصرار بر مصاحبه و یا اخذ نامه، مشکوک شده و پس از آن نماینده بی‌بی‌سی مکرر تماس می‌گرفته تا نتیجه گفتگوهای قبلی خویش را بدست آورد که آقای هاشمی با توجه به تماس‌های مکرر وی به تلفن‌خانه دفتر اطلاع می‌دهد که هر بار فرد

مذکور تماس گرفت جواب ندهید. یک سند که در پایان این نوشته خواهد آمد، دلالت می‌کند که آقای نوذری نماینده بی‌بی‌سی که فردی ایرانی است، در ارتباط با رفتن به قم و تقاضای خویش ماموریت خاصی از سوی دست‌های مرموز داشته‌است. پس از حوادثی که در فروردین‌ماه اتفاق افتاد و مطالبی که علیه آیت‌الله منتظری و بیت ایشان وسیعاً انتشار یافت، هدف این ماموریت اندکی روشن‌تر شد. با توجه به اینکه عزل آیت‌الله منتظری از قبل سازمان داده شده بود، به نظر می‌رسد هدف این بوده که به وسیله مصاحبه با آیت‌الله منتظری (که ایشان مصاحبه را نپذیرفتند) و نیز گرفتن آن نامه از سید هادی هاشمی و پخش آن از بی‌بی‌سی، مؤیدهایی برای شائناها و دروغ‌های خویش که مکرر برای امام نقل می‌کردند در ذهن ایشان بوجود آورند و بعد هم در مورد اینکه نامه آیت‌الله منتظری از طریق سید هادی هاشمی یا دفتر ایشان به خارج از کشور درز کرده‌است، نماینده بی‌بی‌سی را شاهد بگیرند.

● ما قصد متهم کردن هیچ فرد مشخصی را نداریم، چه کم و کیف ماجرا هنوز به خوبی روشن نیست؛ ولی برخی اسناد و رویدادهای فوق، بغرنجی حوادث را حکایت می‌کند و بدون شک اسرار کامل آن در آینده برملا خواهد شد. از آنجا که آقای هادی هاشمی از نقش عوامل پشت پرده ماجرای عزل آیت‌الله منتظری بخوبی آگاهی نداشته، در ملاقاتی که در ماه رمضان چند روز پس از عزل آیت‌الله منتظری با جناب آقای احمد خمینی داشته‌است (این ملاقات به دعوت جناب احمد آقا جهت افطار در جماران صورت گرفت) ماجرای آمدن نماینده بی‌بی‌سی به دفتر آیت‌الله منتظری و گفتگوهای انجام‌شده را بیان می‌کند که احمد آقا نیز از شنیدن آن اظهار شگفتی می‌نماید و آقای هاشمی خواستار پیگیری آن می‌شود. (۵)

پس از نامه ششم فروردین منتسب به امام خمینی، عده‌ای از دوستان طراحان واقعه عزل، نزد آیت‌الله منتظری آمده و ایشان را به سختی تحت فشار قرار می‌دهند تا ایشان را وادار به امضای نامه‌ای کنند که قبلاً خود از زبان آیت‌الله منتظری خطاب به امام نوشته بودند، که مواد آن چنین بود:

- ۱ - من اقرار می‌کنم که با منافقین ارتباط داشتم و از آنها خط می‌گرفتم.
- ۲ - من اقرار می‌کنم که با لیبیرال‌ها ارتباط داشتم و از آنها الهام می‌گرفتم.
- ۳ - شما از ابتدا نقاط ضعفی را در من سراغ داشتید ولی قائم‌مقامی مرا قبول کردید و من از مجالی که داده بودید سوءاستفاده کردم. اکنون توبه می‌کنم و تقاضای عفو می‌نمایم. چند نفر اعضا دفتر امام خمینی که آمده بودند، به دروغ بودن این موارد واقف بودند، ولی در اعمال فشار تشریک‌مساعی می‌نمودند، می‌گفتند چه عیبی دارد که ایشان فدای رهبری شود و بعضی می‌گفتند اگر این کار را تکبید امام بیشتر ناراحت می‌شود، با نامه امام که قرار است خوانده شود جانمی‌افتد و امام ضربه می‌خورد و .... (۶) گمان می‌رود امام از این وقایع کاملاً بی‌خبر بوده‌است. آیت‌الله منتظری در مقابل همه این فشارها

## تکرار گذشته یا تغییر؟

مقاومت کرده و می‌گوید: "من عمر خود را کرده‌ام و علاقه‌ای به زندگی ندارم، شما این چاله را برای کس دیگری هم قبلاً کنده‌اید، ولی من در این چاه نمی‌افتم؛ بگویید بیایند بیت مرا بمباران کنند ولی من امضا نمی‌کنم." سپس آیت‌الله منتظری که چهل سال با امام همچون دو یار بودند، با اراده شخص خویش نامه‌ای در تاریخ "هفتم فروردین ۱۳۶۸" به امام نوشت که همراه با پاسخ امام در "هشتم فروردین‌ماه" از رسانه‌های همگانی انتشار یافت.

با رسیدن نامه هفتم فروردین به دست امام (ره) ایشان ناگهان به حقایق و سوء استفاده‌هایی پی‌برده و انتشار نامه ششم فروردین منتسب به خویش را حرام و آن را بی‌اعتبار می‌کند. به همین دلیل دستخط این نامه را هیچ‌کس رویت ننمود، ولی مغرضین و توطئه‌گران آن را به صورت‌های دیگری دست به دست چرخانده و انتشار داده‌اند.

انقلاب اسلامی: در این جا نامه‌های متبادله میان منتظری و خمینی را به تاریخهای ۷ و ۸ فروردین ۶۸ می‌آورد و آنگاه نامه‌ای را نقل می‌کند که گویا است:

- سند زیر نشان می‌دهد که خبرنگار بی‌بی‌سی در ایران با وزارت اطلاعات همکاری داشته است:

متن این سند به این شرح است: برادر گرامی جناب آقای امین زاده معاونت محترم مطبوعاتی و تبلیغاتی با سلام

احتراماً معروض میگردد در ایام دهه فجر سال گذشته آقای سید هادی هاشمی از دفتر آیت‌الله منتظری با آقای محمد جواد مظفر مدیر کل وقت این اداره کل تماس حاصل نموده و اظهار داشته است که دستیار خبرنگار بی‌بی‌سی در تهران به نام آقای علیرضا نوذری (کپی کارت خبرنگاری وی به پیوست است) با آن دفتر تماس گرفته و خواستار ملاقات با آیت‌الله منتظری شده است. از آن‌جا که اینجناب به عنوان معاون اداره کل و سرپرست اداره خبرنگاران مسئولیت ارتباط با برادران وزارت اطلاعات را داشته و هرگونه سفر خبرنگاران خارجی امی از ایرانی یا غیر ایرانی به شهرستان‌ها را با کسب نظر وزارت اطلاعات موافقت می‌کنم، عدم هماهنگی خبرنگار مزبور را متذکر و از طریق دفتر خبرنگاران به وی اعلام شد. طبق مقررات از قبل مسافرت به شهرستان و همچنین تماس با هر دفتر و ارگانی جهت مصاحبه را باید به اطلاع این اداره کل رسانده و در صورت موافقت اقدام نماید و با اینکه وی سال‌ها در سمت دستیار خبرنگار قبلی بی‌بی‌سی در تهران آقای جهانگیر بهروز مشغول بوده و از مقررات بی‌اطلاع نبوده است لذا از سفر به شهر قم و تماس با دفتر آیت‌الله منتظری منع گردید. یک روز بعد از ابلاغ امر فوق برادر فرجی از وزارت اطلاعات طی تماس تلفنی با اینجناب اظهار داشت: "آقای نوذری با آیت‌الله منتظری کار شخصی دارد و ما در جریان هستیم و با توجه به این نکته شما به ایشان اجازه مراجعه به دفتر آقای منتظری را بدهید. لازم به توضیح می‌دانم اینجناب به عنوان رابط اداره کل همواره با حسن نظر و اعتماد متقابل با برادران وزارت اطلاعات در بخش مرتبط برخورد نموده و پیشرفت

فعالیت امور مربوط به خبرنگاران خارجی بین دو ارگان انتظاری پیش از این را نشان نمی‌دهد. لذا با توجه به نظر مثبت برادران وزارت اطلاعات نسبت به خبرنگار بی‌بی‌سی با سفر وی به قم موافقت و اعلام گردید. خواهشمند است آن مقام محترم نظر به مسائل پیش‌آمده و اخبار ادعایی شبکه رادیو بی‌بی‌سی درباره نامه آیت‌الله منتظری پیرامون اعدام زندانیان نسبت به تمديد کارت خبرنگار فوق‌الذکر بررسی و اوامر را ابلاغ فرمایید. ضمناً توضیحا عرض می‌شود آقای کامران فاضل خبر نگار اول بی‌بی‌سی در تهران که صرفاً جهت بخش بین‌الملل (غیر فارسی) آن شبکه همکاری دارد از فعالیت‌های دستیار خود اظهار بی‌اطلاعی و نسبت به ادامه همکاری با وی اظهار عدم تمایل نموده است. (۷)

سرپرست اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی

انقلاب اسلامی: نوشته و نامه‌ها که به یمن توضیح‌ها، روشنی پیدا می‌کنند: ۱ - اساس نامه بر اینست که قصد داشته اند دست منتظری را از رهبری کوتاه کنند. دست آویزی لازم بوده و آن دست آویز نیز نامه‌های اعتراض آمیز منتظری به خمینی در باره کشتار زندانیان بوده است. از اوائل بهمن ماه، نقشه برکناری او به اجرا گذاشته شده است.

و در این قسمت از نوشته، نویسنده بر اینست که می‌باید امری روی داده باشد که خمینی را سخت عصبانی کرده باشد و البته آن امر انتشار نامه‌های منتظری بوده است. اما از صفات متصدی امر مردم، به تصریح قرآن، یکی اینست که خشم خویش را فروخورد. و خمینی همواره خویشتن را به خشم خویش می‌سپرد. اما آیا عصبانیت او از انتشار نامه بوده است؟ پاسخ این پرسش بنا بر اسناد، اینست:

۱.۱. دستگیری سید مهدی هاشمی بعد از افشا شدن سفر هیأت مک فارلین به ایران انجام گرفت. افشای ماجرا افتضاح بین المللی و به تعداد کشورهایی که به ایران و عراق اسلحه می‌فروختند، «ایران گیت» پدید آورد. در آن تاریخ است که احمد خمینی و ایران گیتی‌ها، خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی و دستیارانشان تصمیم به عزل منتظری توسط خمینی می‌گیرند.

۱/۲ تاریخ نامه‌ای که از قول خمینی به مشکینی به خط احمد خمینی نوشته شد و به استناد آن خامنه‌ای را که مجتهد نیز نبود رهبر کردند و نیز تاریخ حکم خمینی بر تشکیل هیأت برای جدید نظر در قانون اساسی و تاریخ قول هاشمی رفسنجانی (امام در باره رهبر بعد از خود فکر کرده اند و آن را در موقع خود اظهار می‌کنند، ماههای فروردین و اردیبهشت ۶۸ هستند. بدین ترتیب، برکناری منتظری از پیش تدارک دیده شده بود - بنا بر نوشته عبداللهی نیز برکناری او از پیش طراحی شده بوده است - و

۳/۱. بنا بر غلط کردم نامه‌ای که می‌خواستند اند به امضای منتظری برسانند و در متن آمده است، نه اشاره‌ای به افتضاح ایران گیت است و نه به اعتراض منتظری به کشتار زندانیان. به سخن دیگر، دو امر گویای خیانت و جنایت را نمی‌توانسته اند متمسک عزل او کنند. ۲ و ۳ - واقعه‌ای که می‌باید روی می‌داد، بنا بر نوشته، انتشار نامه‌های

اعتراض آمیز منتظری به خمینی بوده است. اما - بنا بر نوشته، علی رضا نوذری که عامل واواک بوده است، در اوائل بهمن، نامه را از یک مقام قضائی گرفته و خوانده است. چون دریافت کنندگان نامه‌ها مقام‌های معینی بوده‌اند، وجود آنها در دست کسی که آنها را به نوذری داده است، بمعنای انتشار نامه‌ها در سطح رژیم در بهمن ماه است. اطلاع دیگری نیز حاکی از انتشار نامه در این سطح است.

- اما نه در نامه‌های متبادله میان خمینی و منتظری و نه در غلط کردم نامه‌ای که می‌خواستند اند از منتظری بگیرند، اشاره‌ای به کشتار زندانیان و این نامه‌ها نشده است.

- دو نامه از سه نامه در دو شماره انقلاب اسلامی، یکی به تاریخ ۲۲ اسفند ۶۷ تا ۶ فروردین ۶۸ و دیگری به تاریخ ۷ تا ۲۲ فروردین ۸۸ منتشر شده‌اند. یعنی نامه‌ها که از ترکیه برای آقای بنی صدر پست شده بود، در روزهای پیش از ۲۲ اسفند، یعنی ۵۰ تا ۶۰ روز بعد از اطلاع نوذری، به اقامت گاه او رسیده‌اند. این نامه‌ها ترجمه و در اختیار سازمان‌های مدافع حقوق بشر و وسائل ارتباط جمعی قرار داده شده‌اند. پرسشی که نویسنده می‌باید برای آن پاسخ می‌جست اینست: چرا در همان تاریخ که نوذری از وجود نامه‌ها مطلع شده و متن آنها را خوانده است، بی‌بی‌سی که مشغول ایجاد اختلاف میان خمینی و منتظری بوده، خبر نگارش این نامه‌ها و محتوای آنها را منتشر نکرده است؟ تاریخها (حکم تشکیل هیأت تجدید نظر در قانون اساسی و نامه‌های متبادله میان خمینی و منتظری و برکناری منتظری و نامه جعلی از قول خمینی به مشکینی و اظهار نظر هاشمی رفسنجانی) حاکی از آنند که عزل منتظری هم زمان بوده است با فراهم آمدن اسباب تجدید نظر در قانون اساسی و تعیین جانشین برای خمینی. با توجه به قول ریگان (در رژیم کسائی هستند که از مرگ خمینی خوشحال هستند و این کسان از طریق اسرائیل با ما در ارتباط بوده‌اند) و با توجه به نوشته مک فارلین (هاشمی رفسنجانی و خامنه‌ای و همکارانشان از طریق اسرائیل به آمریکا پیام می‌دهند که در صورتی که آمریکا از دولت آنها حمایت کند، حاضرند خمینی را هم بکشند) و با توجه به نقش بی‌بی‌سی که از ماه‌ها پیش بکار ایجاد اختلاف میان خمینی و منتظری مشغول بوده است، کودتای بر ضد منتظری، با پشتیبانی آمریکا و انگلستان انجام گرفته است. و پرسش مهم اینست: هرگاه نامه‌های منتظری هم در روز ارسال منتشر می‌شدند و اعتراض او به سازش پنهانی (ایران گیت) به موقع علنی می‌شد، کودتا می‌توانست همانطور انجام بیابد که یافت و یا مجبور می‌شدند، برخی از متصدیان را قربانی کنند؟ رفتار رژیم در مواردی از این نوع، دلیل بر اینست که انتشار بموقع اعتراض و اطلاع، وضعیت را دیگر می‌کرد. اینطور که نوشته و سند حاکی است بنا بر برکناری منتظری بوده است، انتشار دیر هنگام اطلاع از ورود هیأت مک فارلین به ایران و نیز نامه‌های اعتراض، مانع از آن شدند که او به «جرانمی» برکنار شود که بنا بر این نوشته، می‌خواستند اند او خود را مرتکب آنها بدانند.

۴ - سخن سید هادی هاشمی به نوذری تصدیق نگارش اعتراض نامه‌ها به خمینی بوده است. هرگاه نوذری نماینده بی‌بی‌سی بود، می‌باید آن رسانه را از محتوای نامه و تصدیق نگارش آن توسط مسئول دفتر منتظری آگاه می‌کرد اما این کار را نکرده است. با تصدیق نگارش نامه‌ها، نیاز بکار دیگری جز دادن متن نامه‌ها، حتی یکی از آنها به نوذری، نبود. واواک می‌توانست این کار را بکند و در همان اوائل بهمن ۶۷ کار منتظری را بسازد. بدیهی است نوذری بمثابه مامور واواک بروز نمی‌داد واواک نامه‌ها را در





اختیار او گذاشته است. پس یا انتشار نامه بکار عزل منتظری نمی آمده است و یا مقدمات دیگر آماده نشده بوده اند.

۵ - اظهار شگفتی احمد خمینی بسی معنی دارد. زیرا در آن هنگام، وزیر واک ری شهری، داماد مشکینی و دشمن منتظری بود. فلاحيان معاون او بود و واک در يد احمد خمینی بود. بر کسی پوشیده نیست که احمد خمینی در تدارک «بعد از امام» بود. پس او نمی توانسته است از فرستادن نودری به نزد منتظری بی اطلاع باشد. او نیز بدون اطلاع هاشمی رفسنجانی و خامنه ای با انجام نقشه موافقت نمی کرد. جز این که او قبای رهبری را بر قامت خود می دوخت و از قول پدر خطاب به مشکینی نامه جعل کرد (کارشناسان بین المللی خط تصدیق کردند که خط نامه همانند خط احمد خمینی است) برای این که راه را برای رهبری خود هموار کند. هنوز نامه جعلی منتشر نشده، توجیه می شد که حتی رهبر لازم نیست مجتهد جامع الشرائط باشد. آنچه واقع شد حاکی از آنست که هاشمی رفسنجانی و خامنه ای و دستیارانشان، نقشه دیگری در سر داشته اند. نقشه ای که اجرا شد و به دنبال اجرایش، کشتن احمد خمینی را ایجاب کرد و او را کشتند.

۶ - این استدلال که چه عیب دارد منتظری قربانی حفظ اعتبار «امام» شود، همان استدلالی است که استالین می کرد وقتی سران حزب را گرفتار زندان و شکنجه و اعتراف کرد. این اعترافها ناحق هستند اما بخاطر حفظ اعتبار حزب اعتراف کنید. آنها هم اعتراف کردند و محکوم و اعدام شدند. در برابر، بنا بر اسلام، متهم کردن بی گناهی به گناهی و ناگزیر کردن او به اعتراف است که «رهبر» را بی اعتبار می کند و به او ضربه وارد می کند. وقتی در مورد منتظری به ضد اسلام عمل می شده است، می توان فهمید که قدرتی با صفت فراگیر، تا کجا با اسلام تضاد پیدا می کند و هزاران تن را قربانی می کند و ملتی را به اسارت سلاح بدست ها در می آورد.

۷ - سند حاکی است که وزارت ارشاد تابع واک بوده است و ماجرای فرستادن نودری به سراغ منتظری، بدون تعقیب مانده است. در طول ۲۰ سال، نامه ای اداری در این باره انتشار پیدا می کند. درست در زمانی که بی بی سی نظیر همان نقش را بازی می کند. بدین ترتیب، گذشته ای حال شد ( دولت ایران گیتی ها) و این حال، هرگاه جنبش مردم آن را تغییر ندهد، آینده خواهد شد: این شب تاریک باز خواهد یابید اگر جنبش همگانی شب را کوتاه نکند و سپیده آزادی را ندماند.

● خط کشی ها در متن از ما هستند.

## هاشمی رفسنجانی و...

در کار آنند که دیوی را

مهار کنند که خود ساخته اند

بدون اینکه مردم ایران

حق حاکمیت خود را

باز یابند:

\* کیهان از وجود طرحی خبر

می دهد که مجمع تشخیص

مصلحت تهیه کرده است!:

● در ۱ اسفند ۱۳۸۸، کیهان خبر

داده است که هاشمی، روحانی و رضایی

برای تغییر قانون انتخابات و حذف

شورای نگهبان، طرحی تهیه

کرده اند. بنا بر این

روزنامه، طرح مزبور کمیسیون

ملی انتخابات را جایگزین شورای

نگهبان کرده است:

## تکرار گذشته یا تغییر؟

مورد بحث قرار می دهیم و به پیوست آن سیاستها را به مقام معظم رهبری منعکس می کنیم و تا زمانی که ایشان نظر خود را اعلام نکرده اند، این پیشنهادها سندیست و قابلیت اجرا نخواهند داشت.

سیاستهای کلان کشور در چارچوب قانون اساسی است و هیچ گاه نمی توان در سیاستهای کلان، نظارت شورای نگهبان را حذف کرد. چرا که سیاستهای کلان بعد از قانون اساسی و قبل از قوانین مجلس است و از قانون اساسی تخطی ندارد.

و تا کنون نیز مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اساس همین امر عمل کرده است. از این رو اگر کسانی اطلاع ندارند و مسائل دیگری را مطرح می کنند باید اطلاعاتشان را تکمیل کنند و قوانین و این نامه مجمع تشخیص مصلحت نظام را که به تصویب مقام معظم رهبری رسیده است بخوانند.

آقای پورمحمدی وزیر کشور وقت حدود دو سال پیش نامه ای به محضر رهبر انقلاب فرستادند و در آن نامه عنوان کردند به دلیل تغییر مداوم قانون انتخابات به قانونی نیاز داریم که ثبات داشته باشد و با تغییر مجالس و دولت ها، تغییر نکند. وزیر اطلاعات نیز تگرانی های خود را در این رابطه طی نامه ای به مجمع تشخیص مصلحت نظام ابراز کرده و گفته بودند خوب است ثباتی در قانون انتخابات به وجود

یابد. پس از آن، دستور مقام معظم رهبری خطاب به مجمع صادر شد و ایشان در نامه ای به مجمع فرمودند: «پیشنهاد آقای پورمحمدی ایده ای است که ابتدا لازم است در صحن اصلی مجمع تشخیص مصلحت نظام با حضور خودشان مورد بحث و بررسی قرار بگیرد و بعد از آن مجمع نظر مشورتی خود را نسبت به این پیشنهاد به اینجانب ارائه کند تا تصمیم مقتضی گرفته شود.» بر این اساس تا کنون دو بار دستور مقام معظم رهبری به کمیسیون مربوطه رفته و مجدداً به صحن مجمع برگشته است و حتی یک بار هم این مباحث خدمت رهبر انقلاب ارائه شد و دوباره ایشان به مجمع فرمودند کار دوباره ادامه پیدا کند.

انقلاب اسلامی: اما اطلاعاتی که ما توانسته ایم تحصیل کنیم عبارتند از:

\* اطلاعات توضیح دهنده طرح

مجمع تشخیص مصلحت:

۱ - نوشته کیهان شریعتمداری را که وارونه کنیم، واقعیت می شود. در حقیقت، بعد از شکست اقتضاح آمیز رژیم در ۹ دی و ۲۲ بهمن (میدان آزادی با ۵۰ هزار طرفدار رژیم)، علاوه بر موسوی اردبیلی و هاشمی رفسنجانی - که قبل از اقتضاحی که در ۲۲ بهمن مردم خامنه ای و رژیم را بدان گرفتار کردند، با خامنه ای دیدار کرده اند - کسان دیگری از «اصول گرایان»، از جمله لاریجانی، «رئیس» مجلس، به خامنه ای گفته اند می باید راهی برای بیرون رفتن از بحران داخلی جست.

۲ - اعضای مجمع تشخیص مصلحت منصوبان خامنه ای هستند و بدون کسب موافقت او، دست بکار تهیه طرح نمی شوند. در واقع نیز، پس از

موافقت او، وارد عمل شده و طرح را تهیه کرده اند. قول محسن رضائی در این مورد صحیح است.

۳ - طرح مربوط به «انتخابات» است و اساساً مربوط می شود نه به گرفتن حق نظارت از شورای نگهبان بلکه به گرفتن حق «احراز صلاحیت نامزدها» از شورای نگهبان و سپردنش به کمیسیون یا ترکیبی دیگر. به سخن دیگر، همچنان آزادی نامزد شدن، بنا بر این، آزادی انتخاب کردن، برقرار نمی شوند.

۴ - در طرح، تدابیر دیگری نیز، از جمله جمله «عدم مداخله پاسداران در انتخابات»، به خامنه ای پیشنهاد می شوند. بگمان تهیه کنندگان طرح، هرگاه خامنه ای تدابیر را به اجرا گذارد، جنبش همگانی فرو می خوابد.

۵ - مقصود تهیه کنندگان طرح از التزام به قانون اساسی و احکام اسلام نه آنست که کیهان مدعی شده است. مقصود راضی کردن موسوی و کروبی است: اصول دیگر قانون اساسی (مربوط به حقوق انسان و مردم) نیز رعایت خواهند شد. شریعتمداری می داند مقصود چیست اما لازم می بیند جبهه بگیرد.

۶ - با وجود موافقت خامنه ای با تهیه طرح، حسینیان می گوید: مجلس این طرح را رد خواهد کرد. در واقع، خامنه ای، از ترس، دو دل است. از طرفی می داند تهران را به اشغال یک نیروی مسلح ۱۰۰ هزار نفری درآوردن، او را در دنیا، کاملاً بی اعتبار کرده است و اگر نکوشد استقلال خود را از سپاه نشان دهد، در درون کشور نیز، بسیار ضعیف می شود و از طرف دیگر، در خود یارای مقابله با مافیاهای نظامی - مالی را نمی بیند. اینست که طرح موضوع زور آزمائی شده و نوشته کیهان، در واقع، پرده را کنار می زند تا مردم زور آزمائی را ببینند که در پشت پرده، بعمل می آید.

۷ - دیگر جای تردید نیست که خنثی کردن بیش از پیش موسوی و کروبی، سبب عبور از اصلاح طلبان می شود. با توجه به رویارویی آشکار رژیم با روحانیت و تشدید بحران اقتصادی، رژیم سپاه پاسداران غیر منسجم قابلیت بقا پیدا نمی کند. راه حل اینست که به بخشی از خواسته های رهبران اصلاح طلبان توجه شود.

● بیانیه ۳ اسفندماه کروبی تأیید کننده هفت اطلاع بالا است. در این بیانیه، کروبی می گوید که در ۲۲ بهمن، تهران اشغال نظامی شده و میدان آزادی بهنگام سخنرانی احمدی نژاد خالی بوده است. او از رژیم می خواهد با فرزاندم در باره کوتاه کردن دست شورای نگهبان از انتخابات، موافقت کند. اجازه اجتماع بدهد تا معلوم شود مخالفان چه تعداد و موافقان رژیم چه تعداد هستند. او در مصاحبه با کوریه دولا سرا (۲۲ فوریه ۲۰۱۰) گفته است در دوره شاه ارتش چون سپاه در انتخابات دخالت نمی کرد و قانون اساسی وحی منزل نیست و هرگاه مردم بخواهند می توانند آن را تغییر دهند.

بنا بر ۷ مورد بالا، بنا نیست که مردم ایران حق حاکمیت خود را باز یابند. بلکه بنا است معامله ای - البته اگر مافیاهای نظامی - مالی خود را ناگزیر از تن دادن به آن ببینند - انجام بگیرد و سر مردم بی کلاه بماند.

همانطور که می دانیم، این نخستین طرح نیست، چندمین طرح است. طرحهای پیشین با «نه» خامنه ای، بی نتیجه شدند. قرائن و امارات حاکی از آنند که این طرح نیز بسرنوشت طرحهای پیشین گرفتار می شوند.

و بر فرض که این طرح تصویب شود و به اجرا گذاشته شود، گذشته و حال تغییر نمی کنند ادامه می یابند. چرا که ولایت مطلقه فقیه سرچای خود می ماند و از قدرت، سهم شیر را مافیاهای نظامی - مالی و نماینده اول و دوم آنها، خامنه ای و احمدی نژاد می برند و بمحض رها شدن جنبش از سوی مردم، خورده نانه ای ته سفره قدرت را نیز از محافظه کاران سنتی و اصلاح طلبان باز پس می گیرند.

برای این که گذشته و حال تغییر کند و در این جهت که ولایت جمهور مردم برقرار شود، مردم می باید به جنبش خود تا ایجاد این تغییر ادامه دهند.

## \* حمله به هاشمی رفسنجانی:

ابوموسی اشعری یا عمروعاص؟:

به دنبال شریعتمداری، محسنی اژه ای و الهام نیز هاشمی رفسنجانی را مورد حمله زبانی قرار دادند:

دادستان کل کشور خاطرنشان کرد: در بسیاری از مواقع انسان گرفتار مستقیم نفس خود بوده و گاهی اوقات نیز گرفتار چیزی است که به آن تعلق یافته است که می تواند مال، موقعیت، زن و یا حتی فرزند باشد.

کسانی (از هاشمی رفسنجانی صحبت می کند) که چه بسا خود انحراف فکری ندارند و فرد زرنگ و باهوشی هستند اما آنچنان تعلق خاطری به فرزند یا همسر خود دارند که آنها را او بدبخت و بیچاره می کنند و این امر برای افراد مختلف می تواند پیش بیاید و بزرگانی در بعد از انقلاب و حتی در حال حاضر وجود دارند که گرفتار زن و بچه خود هستند. آنها از حق می گذرند اما از بچه خود نمی گذرند.

گاهی اوقات این تعلق خاطر به جایی می رسد که ده ها بار پیش آن فرد رفته و گفته می شود که فرزند تو خراب شده و دچار فساد مالی است یا خود بر خورد کن یا اجازه بده دیگران بر خورد کنند اما این تعلق خاطر انسان را به گونه ای کر و کور می کند که حتی فرد به خود اجازه نمی دهد که قبول کند این مسائل صحت دارد.

اگر فرد ناموثق و ناشناسی بیاید به او خبری دهد، بلافاصله آن موضوع را قبول و آن را مطرح می کند و می آید و می گوید آن جمعیتی که در دفاع از نظام و اسلام و ولایت آمده بودند با آنها ای که اعتراض دارند یا ضد انقلاب هستند، ۵۰-۵۰ هستند. خوش انصاف ۵۰-۵۰ را بر چه اساسی می گویی بعد می گوید فلان کس آمده این موضوع را گفته است.

این عمل به معنای آن است که آنجایی که در راستای خاص خودش است ولو یک فرد غیر موثق باشد آن را پذیرفته و بر اساس آن قضاوت می کند و توقع دارد دیگران هم باور کنند اما اگر نسبت به آنچه تعلق خاطر پیدا کرده و اگر ۱۰ نفر موثق رفته و برای او فیلم و گزارش و مدرک ببرند، او حرف هیچ کس را قبول نمی کند.

انقلاب اسلامی: لازم به یادآوری است که این رفسنجانی بود که بعد از روز

در صفحه ۸





قدس گفته بود نسبت جمعیت طرفدار رژیم و معترضین ۵۰-۵۰ بود. در باره فردی که نسبت ۵۰-۵۰ را به رفسنجانی منتقل کرد نیز برخلاف گفته اژه ای «فرد ناموث و ناشناس» نبود بلکه زاکانی از اصولگرایان افشا کرد که این فرد لاریجانی بوده است و وقتی خامنه ای در دیدار سران سه قوه به این مساله اشاره کرد لاریجانی طفره رفت.

اژه ای در این سخنرانی به موسوی و کربوی هم بدون نام بردن از آنها حمله کرد و گفت چون رئیس جمهور نشده اند «به همه چیز پشت کرده» و «جهنمی» شده اند.

### ◀ غلامحسین الهام نیز هاشمی رفسنجانی را ابوموسی اشعری خوانده است.

انقلاب اسلامی: اما هاشمی رفسنجانی با عمروعاص قابل مقایسه است. زیرا هاشمی رفسنجانی بود که خامنه ای بی سواد را، با جعل نامه و قول از خمینی، «رهبر» کرد. ابوموسی فریب عمرو عاص را خورد و علی (ع) را از خلافت خلع کرد. اما اینک عمرو عاص زمان ما، شمشیر خلیفه ای که تراشیده است را آماده فرود آمدن برگردن خود می یابد. خامنه ای در فساد و خیانت و جنایت از معاویه پیشی گرفت اما در تدبیر و مدیریت از یزید هم کم آورد.

## خبرها و سندها که می گویند: گذشته حال شدوآینده می شود اگر:

\* مرگ ژنرال الکساندر هیگ، نخستین وزیر خارجه ریگان، پس از اینکه او در پی معامله «اکتبر سورپرایز» به ریاست جمهوری رسید:

◀ واشنگتن پست (۲۲ فوریه) خبر داده است که آکساندر هیگ، روز شنبه ۲۰ فوریه ۲۰۱۰ از جهان رفته است. او در روزهای انقلاب، فرمانده قوای آمریکا در اروپا و فرمانده عالی قوای ناتو بود و معاون او، ژنرال هایزر، برای نجات رژیم و تثبیت حکومت بختیار به ایران آمد. در دوران جنگ ایران و عراق وزیر خارجه آمریکا بود و پس از آن، همچنان با خامنه ای و هاشمی رفسنجانی ارتباط خود را حفظ کرد:

• در باره دلیل مأموریت ژنرال هایزر به ایران، حفظ حکومت بختیار و نجات رژیم بوده است. غیر خاطرات کارتر، رئیس جمهوری آمریکا در دوران انقلاب و برژنسکی مشاور امنیتی او و دیگر همکارانش و نیز اسناد آمریکا، بتازگی اسناد سری انگلستان که مهر سری از آنها برگرفته شده است، این واقعیت را بیان می کنند:

«روز ششم ژانویه (۱۶ دی ۵۷) پارسونز سفیر بریتانیا در آخرین روزهای مأموریتش در تهران از سولیوان همتای آمریکایی خود درباره سفر مرموز ژنرال رابرت هایزر معاون فرماندهی نیروی هوایی آمریکا و گزارش های مربوط به اهداف سفر او مبنی بر «دستور برای هماهنگ کردن فرماندهان ارتش ایران و جلوگیری آنان از انجام اقدامات فردی یا گروهی» سؤال کرد. سولیوان ضمن تاکید بر سفرهای مکرر قبلی هایزر به

ایران به دلایلی متفاوت از سفر کنونی، عنوان کرد که سفر ژنرال آمریکایی به ایران با رضایت شاه بوده، ولی هایزر تاکنون موفق به دیدار با فرماندهان کلیدی ارتش ایران نشده است. در یک گزارش دیگر از قول گری سبک مأموریت ژنرال هایزر در تهران بسیار موفقیت آمیز توصیف و بخشی از هدف آن این گونه بیان شده است: «متقاعد ساختن رهبری ارتش در حمایت از بختیار، باوجود رفتن شاه به عنوان محور اصلی تمرکز و وفاداری آنان».

به گفته سولیوان دیگر مأموریت هایزر در ایران تلاش برای پرداخت سریع هزینه ها و دستمدهای معوقه دولت ایران به نیروهای آمریکایی بود. در این راه ارتشبد حسن توفانیاں رئیس خریدهای ارتش، شیرازی معاون بانک مرکزی، نادری رئیس بخش نقل و انتقالات خارجی بانک مرکزی ایران در حال کمک به هایزر بودند که این مساله به سرعت صورت گیرد.»

• به نقل از سایت دیروز و امروز متعلق به مجید تفرشی - خط کشی زیر جمله ها از انقلاب اسلامی است.

• وقتی الکساندر هیگ به وزارت خارجه آمریکا رسید، سفری به کشورهای خاورمیانه کرد. در بازگشت، نامه ای محرمانه ای به ریگان نوشت. در این نامه - انقلاب اسلامی ترجمه فارسی آن را انتشار داده است. به تازه ها در باره اکتبر سورپرایز مراجعه کنید - در این نامه، او به ریگان نوشته است: رؤسای دولتهای منطقه به من گفتند: جنگ را عراق با چراغ سبز آمریکا بر ضد ایران آغاز کرد آیا حکومت جدید همان سیاست را دارد و یا خیر؟ اقتضای ایران گیت معلوم کرد که حکومت ریگان نیز بنا بر آن دارد که جنگ در سود آمریکا و انگلستان و اسرائیل (قول آلن کلارک، وزیر دفاع در حکومت تاجر) ادامه پیدا کند.

• پس از استعفاء از وزارت خارجه، مشاور رئیس جمهوری آمریکا باقی ماند و بگفته خود او، از طریق هادی خامنه ای با علی خامنه ای و از راه رفیق دوست، با هاشمی رفسنجانی، ارتباط خود را حفظ کرد.

و بر ایران، ترتیب دهندگان معامله پنهانی «اکتبر سورپرایز» که در پی افشای اقتضای ایران گیت، «ایران گیتی ها» عنوان گرفتند، همچنان حکومت می کنند. این خائنان بودند که جنگ را بمدت ۸ سال، برای استقرار استبداد تبهکار خویش و در سود «انگلستان و غرب» ادامه دادند و امروز نیز، بنا بر قول ژنرال پترانوس، بهترین خائنتران منافع آمریکا در منطقه هستند.

### \* بهشتی هم محبوب آمریکا و هم محبوب انگلستان و مطلوب آنها برای ریاست دولت بوده است:

در نیمه دوم ماه اکتبر تا روزهای نخست نوامبر، هنری پرشت در راس یک هیات آمریکایی به مدت دو هفته به تهران رفت. سفری که تنها سه روز قبل از حادثه گروگانگیری و اشغال سفارت آمریکا به پایان رسید. پرشت در راه بازگشت به آمریکا در دیداری با مقامات بریتانیا در لندن خلاصه ای از این سفر پرماجرارارایه کرد.

به گفته رییس میز ایران در وزارت خارجه آمریکا، دولت ایران تا حد زیادی نامطمئن و کم تجربه می نمود

## تکرار گذشته یا تغییر؟

که به شدت نگران خطر خارجی بود. به نظر پرشت، در بین کسانی که با او دیدار کرده بودند، آیت الله سید محمد بهشتی «با فاصله بسیار جالب ترین فرد بود که با اعتماد و به انگلیسی سخن می گفت و به واسطه پنج سال اقامتش در هامبورگ درک معمولی از غرب داشت. با این همه او در بین طبقه متوسط نامحبوب بود و او را فرصت طلب می دانستند. پرشت در ادامه سخنانش عنوان کرد: «فکر می کند که آمریکا به عنوان یک احتمال آشکار در آینده می تواند با بهشتی تعامل کند.» در این دیدار بهشتی در پاسخ به سوال پرشت درباره امکان بازگشت «ایرانیان تبعیدی» به کشور گفت که از بازگشت آنان حمایت می کند، ولی حاضر نیست به خاطر آنان آموزه های انقلاب را زیر پا بگذارد.

انقلاب اسلامی: به یاد می آورد: بهنگام کشته شدن بهشتی، سلیمان آخرین سفیر آمریکا در ایران، در رثاء او مقاله ای نوشت. در آن مقاله نیز از همین «تعامل» سخن بمیان آورده بود هرگاه بهشتی در رأی دولت قرار می گرفت. در سفارت آمریکا نیز اسناد در باره بهشتی بودند و به خمینی داده شدند. چه اندازه این اسناد در ترس خمینی از تصرف دولت توسط بهشتی و حذف بهشتی اثر داشته است؟ پرسشی است که خوابانندگان پرونده انفجار حزب جمهوری اسلامی و نسبت دادن این انفجار، از هر از چندی به گروهی، اماره ایست بر اینکه حذف شدن بهشتی، حذف شدن یک مزاحم بوده است.

آنها که در کودتای خرداد ۶۰ شرکت داشتند و بعنوان قاضی و زندانبان و شکنجه گر شرکت داشتند، باتفاق دست پرورده های خود در کودتای خرداد ۸۸، شرکت کرده اند:

## تبارشناسی کودتا

۱۰ -

### \* فهرست کسانی که زیر چتر قوه قضائیه در کودتای خرداد ۶۰ و در کودتای خرداد ۸۸ شرکت داشته اند (دنباله):

در تکمیل فهرست افراد در خدمت قوه قضائیه و بازجویان زندانها و شکنجه گران و دادیاران و دادستانها و مسئولان زندانها، اسامی زیر را جهت اطلاع مردم ایران انتشار می دهیم:

۵۱- آقا پور، مدیر کل زندان بابل در دهه شصت.

۵۲- آقا زاده، حجت الاسلام، رییس کل دادگستری استان آذربایجان شرقی.

۵۳- آقا صادقی، مدیر کل زندانهای استان مرکزی.

۵۴- آقا علیخانی نماینده کنونی مجلس، او سالها در دادگاهها و محاکم شریعی مشغول محاکمه مبارزان بود و اینک به اصلاح طلبان پیوسته است.

۵۵- آقا میری، سید علی اکبر، رییس شورای مرکزی جامعه اسلامی ناصحین استان قم، عضو منادیان اتحاد ملی و انسجام اسلامی، مرتبط با قوه قضائیه.

۵۶- آقای، ناصر، از بازاریان عضو باند لاجوردی در زندان اوین، بعد از کودتای سال ۶۰.

۵۷- ابراهیم خانی، سرپرست دادگاههای تجدید نظر استان تهران.

۵۸- ابراهیمی، حجت الاسلام، از قضات جنایتکاری که سالها در زندان اوین در حکم قاضی و حاکم شرع احکام بسیاری را صادر نمود.

۵۹- ابراهیمی، حسین، رییس مرکز رسیدگی به امور مساجد، نماینده مجلس، عضو جامعه روحانیت مبارز، از اعضای وابسته به قوه قضائیه.

۶۰- ابراهیمی، عبدالجواد، از شاگردان مصباح یزدی عضو قوه قضائیه نظام ولایت مطلقه.

۶۱- ابطحی، سید عباس، پاسدار و شکنجه گر زندان و راننده حسینعلی نیری حاکم شرع زندان اوین.

۶۲- ابوالحسنی، دادستان عمومی و انقلاب ماهشهر.

۶۳- ابوترابی، علی از شاگردان مصباح یزدی، وابسته به قوه قضائیه.

۶۴- ابوترابی، احمد، از شاگردان مصباح یزدی، وابسته به قوه قضائیه.

۶۵- آتابکی، دادستان انقلاب ارتش که موجب صدور احکام بسیاری بر ضد نظامیان مبارز شد.

۶۶- احمد، احمد، مسئول روابط عمومی زندان اوین، عضو حزب ملل اسلامی، عضو هیات مؤلفه اسلامی، مسئول تربیت بدنی بنیاد جنابزادان.

شریک در کودتای سال ۶۰.

۶۷- احمد زاده، ماشاءالله، دادیار شعبه ششم اجرای احکام که مانند دیگر دادیاران در صدور و اجرای احکام شرکت داشت.

۶۸- احمدی، از دادیاران که به ریاست زندان اوین رسید و بعدها به دلیل فساد مالی اخراج شد.

۶۹- احمدی، حجت الاسلام، حاکم شرع کردستان در ابتدای انقلاب.

۷۰- احمدی، حجت الاسلام، مدیر کل زندانهای استان هرمزگان.

۷۱- احمدی، ناصر، از مسئولان و دادیاران زندان اوین بود که موجب اعدام جوانان می شد.

۷۲- احمدی، از معاونان دری نجف آبادی در دادستانی در کودتای ۸۸

۷۳- احمدی میانجی، رییس شورای حل اختلاف قوه قضائیه.

۷۴- اخوان بیطرف، نیره، همسر حسن کامران، نماینده مجلس، عضو کمیسیون قضایی، از حامیان کودتای ۸۸

۷۵- آذر شهر، محمد تقی، رییس زندان غیر رسمی و مخفی واقع در میدان فلسطین که در کودتای سال ۸۸ مسئولیت بازداشت معترضین و شکنجه آنها را بر عهده داشت.

۷۶- آذرمهری، مدیرکل زندانهای استان سمنان.

۷۷- آذری قمی، آیت الله، از حکام شرع در اوایل انقلاب که دادستان دادگاه انقلاب تهران شد. دهها حکم شرع دادگاه های انقلاب تحت نظراو، صدها نفر را به اعدام محکوم کردند.

زمانی مدعی شد که ولی قبه می تواند توحید را هم تعطیل کند. اما زمانی دیگر، به مخالفت با رهبری خامنه ای برخاست. روزنامه رسالت را که او ایجاد کرده بود از دستش گرفتند و در قم، در انزوا، مرد.

۷۸- اراکی، محسن، آیت الله، رییس دادگاههای انقلاب خوزستان و کرمانشاه در ابتدای انقلاب. در سالهای بعد نیز، او در امور قضایی بسیار پرکار بود. به دستور خامنه ای به عنوان نماینده رهبری، مسئولیت مرکز اسلامی لندن را بر عهده گرفت. در حال حاضر نماینده مجلس خبرگان رهبری است.

۷۹ - اربابی، مهدی، رئیس کمیته سعدآباد شمیران که مدتی رئیس هیات فوتبال تهران شد، از گردانندگان تیم فوتبال کوثر بود. او سالها بازجو و شکنجه گر زندانها بعد از کودتای سال ۶۰ بود.

۸۰- آرجمنندی، معاون دادستان تهران، سعید مرتضوی، و سرپرست اجرای احکام تهران، دخیل در قتل حجت زمانی و زهرا کاظمی.

۸۱- ارغوان، حجت الاسلام، مدیرکل زندانهای استان بوشهر، عضو قوه قضائیه و رییس بازرسی این استان.

۸۲- آزادیان، دادستان دادسرای عمومی و انقلاب، مستقر در قوه قضائیه.

۸۳- اسداللهی، از روسای با سابقه زندانها است. وی زمانی رییس زندان آمل بود.

۸۴- اسدزاده، کریم، معروف به امین، از اعضای وابسته به باند قضائیه.

۸۵- اسدی خونساری، سید محمد باقر، حجت الاسلام، از حکام شرع.

۸۶- اسلامی، علی، حجت الاسلام، از مرتبطین با قوه قضائیه.

۸۷- اسلامی، محمد، رییس شعبه ویژه ۱۰۱۰ تهران، همکار عباسعلی علیزاده دادستان سابق.

۸۸- اسلامی، از سربازجوهای شعبه هفت اوین که نقش اساسی در شکنجه و کشتار زندانبانان مجاهد داشت، پس از برکناری لاجوردی، مدتی مسئولیت روابط عمومی دادستانی و سپس مسئولیت اموال دادستانی را به عهده گرفت و عاقبت در سال ۷۰ به ریاست گمرک مهر آباد رسید.

۸۹- اسماعیلی، غلامحسین، دادستان استان خراسان رضوی.

۹۰- اسماعیلی، رییس سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور.

۹۱- اشجعی، خلیل، از افراد مرتبط با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که در کمیته انقلاب اسلامی مستقر بود و در بازجویی مبارزان شرکت داشت.

۹۲- اشراقی، مرتضی، دادستان انقلاب اسلامی تهران و پیش از آن نیز در همین پست، در اصفهان خدمت کرده بود، از اعضای سه نفره قتل های سال ۶۷ است. دو نفر دیگر، نیری، معاون فکلی قوه قضائیه است که بتازگی، خیراز اعدام ۹ تن در آینده نزدیک داده است. نفر سوم، پورمحمدی است. اشراقی از وابستگان به آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی می باشد.

۹۳- اشکوری، عبدالمجید، از شاگردان مصباح یزدی، وابسته به باند قضایی.

۹۴- اصغر پور، از روسای زندانهای ایران، زندان قزل حصار.

۹۵- اصفهانی، جمال، از سربازجویان ابتدای انقلاب که مسئولیت بازجویی از گروه فرقان را بر عهده داشت. عطر بانفر نیز با وی همکاری بود.

۹۶- اعتمادیان، از افراد وابسته به هیات مؤلفه که سالها در امر اعدامها، با رژیم ولایت و دادستانی انقلاب همکاری داشت.

۹۷- افتخاری، اسماعیل، از مسئولان و سربازجویان کتیف در دهه شصت از مسئولان در حال حاضر بدتر از او هستند اما هنوز لو نرفته اند.

۹۸- آل احمد، جواد، از مسئولان دادستانی انقلاب و دخیل در کشتار دهه شصت، مسئول تدارکات زندان اوین، عضو هیات مؤلفه اسلامی.

۹۹ - الساران، اکبر، حجت الاسلام، رییس کل دادگستری استان خوزستان.

۱۰۰- الفت، محمد باقر، رییس دادگستری استان خوزستان.

۱۰۱- الوندی، مدیرکل روابط عمومی سازمان زندانها که بعدها توسط احمدی نژاد به استانداری رسید.

۱۰۲- الوندی مدیر کل زندانهای استان گیلان.

۱۰۳- الویری، مرتضی، از بازجویان و اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در دهه شصت که هم اکنون اصلاح طلب و مخالف کودتا شده است.

۱۰۴- اکبرپور، مجید، معاون برنامه ریزی و توسعه قضایی استانداری زنجان، عضو قوه قضائیه.

۱۰۵- اکبری، معاون دادستان در جریان برگزاری دادگاه دستگیر شدگان بعد از کودتای ۲۲ خردادسال ۸۸

۱۰۶- اکبریان، محراب، حجت الاسلام، دادستان انقلاب اسلامی کهکلیویه و بوی احمد درسالیهای ابتدای انقلاب.

در صفحه ۹





۱۰۷- امانی، صادق، شوهر خواهر اسدالله لاجوردی و وابسته به دادستانی و هیات مولفه و متلفه اسلامی. وی دایی همسر اسدالله بادمچیان بود و گروه شیعیان را داشت.

۱۰۸- امانی، سعید، از اعضای برجسته هیات مولفه و عضو باند اقتصادی - قضایی، نماینده مجلس، او از گروه ۹۹ نفره بود. این گروه برغم دستور خمینی، به میر حسین موسوی، بعنوان نخست وزیر، رأی اعتماد ندادند. و در توجیه کار خود گفتند: رهنمود امام ارشادی بود و نه مولوی!

۱۰۹- امانی، محمد علی، پسر سعید امانی و برادر شوهرخواهر اسدالله لاجوردی و وابسته به فامیل های قدریان و حاجی حیدری که از سوی اسدالله لاجوردی به مدیریت زندان اوین رسید و بعد مسئولیت اجرایی دادستانی را عهده دار شد و سپس معاون سیاسی لاجوردی شد.

۱۱۰- امی، محمد حسین، دادستان عمومی و انقلاب ورامین.

۱۱۱- امیری، رئیس دادگستری استان بوشهر.

۱۱۲- امیری، رمضان، مدیرکل زندانهای استان کرمان.

۱۱۳- امیر آبادی، فریدون، معاون دادستان تهران.

۱۱۴- امیرارجمند، اردشیر، عضو حقوق بشر در یونسکو، وابسته به قوه قضاییه.

۱۱۵- امیر خانی، دادستان عمومی و انقلاب اهواز.

۱۱۶- امینیان، مختار، حجت الاسلام، از حکام شرع دادگاههای گیلان.

۱۱۷- انصاری، غلامرضا، حجت الاسلام، رئیس کل دادگستری استان اصفهان.

۱۱۸- انصاری، جمال، حجت الاسلام، رئیس کل دادگستری استان بوشهر و سپس زنجان.

۱۱۹- آوایی، سید علیرضا، رئیس کل دادگستری استان تهران.

۱۲۰- آوایی، سید احمد، نماینده مجلس، از افراد واواک.

۱۲۱- ایمانی، اسدالله، حجت الاسلام، از حکام برجسته دادگاههای انقلاب است. او دهها حکم محکومیت برای مخالفان رژیم صادر کرده است. امام جمعه شیراز و عضو خبرگان رهبری است.

۱۲۲- ایرانی، حسین، حجت الاسلام، از اعضای وابسته به قوه قضاییه و مرکز آموزشی امام خمینی.

۱۲۳- ایزد پناه، حجت الاسلام، از معاونین قوه قضاییه که سالها در این پست مشغول به کار بود. او در صدور بسیاری از احکام اعدام ها شریک قوه قضاییه بوده است. وی از شاگردان مدرسه حقانی بوده است.

۱۲۴- ایوبی، حجت الله، معاون نظارت و بازرسی امور فرهنگی و اجتماعی سازمان بازرسی کل کشور. وی زمانی در کنار حسینیان و پور محمدی در قوه قضاییه مشغول به کار بود.

۱۲۵- ایوبی، حیدرعلی، حجت الاسلام، از باند خشونت طلب قوه قضاییه.

۱۲۶- بابایی، مدیر کل زندانهای ایلام.

۱۲۷- بابایی، مدیر دفتر اجرای احکام دادگاه های انقلاب.

۱۲۸- بابایی، رئیس زندان اصفهان.

۱۲۹- بادمچیان، اسدالله، از اعضای برجسته هیات مولفه و دادستانی ها در ابتدای انقلاب و عضو برجسته و شریک در ترورهای داخلی و خارجی.

۱۳۰- باریک بین، هادی، حجت الاسلام، از مرتبین با قوه قضاییه در قزوین.

۱۳۱- باقری، رئیس دفتر دادگاه انقلاب اسلامی. وی بعدها از ریاست دفتر به

## تکرار گذشته یا تغییر؟

مقاماتی از جمله دادیاری و عضویت در دادستانی رسید.

۱۳۲- باوند، علی اکبر، معروف به "مجتبی بابایی"، مشهور به "امیری"، از گروه شکنجه گران متهمان به قتل های زنجیره ای و از افراد جنایتکار در خدمت کودتای خرداد ۸۸ در زندانها، در مقام بازجوی دستگیر شدگان.

۱۳۳- بختیاری، مرتضی، رئیس زندان مشهد و سرپرست سازمان زندانها، استاندار سابق اصفهان، وزیر دادگستری احمدی نژاد و حامی کودتا ۲۲ خرداد ۸۸.

۱۳۴- بحرالعلوم، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح بوشهر.

۱۳۵- بحرینی، عضو وزارت اطلاعات و از سربازجویان زندان اوین.

۱۳۶- برجیان، محمدحسین، حجت الاسلام، از وابستگان به قوه قضاییه و از شاگردان مصباح بزدی.

۱۳۷- برخورداری، حجت الاسلام، روحانی بازجوی زندان آمل در دهه شصت.

۱۳۸- برزگر، احمد، قاضی دادگاه های تجدید نظر تهران در جریان کودتای ۸۸.

۱۳۹- برهان پناه، رئیس دادگستری سروآباد.

۱۴۰- بصیرت، مسئول کلاسهای آموزشی در زندان اوین.

۱۴۱- بنائی، رئیس حفاظت و اطلاعات زندان اصفهان.

۱۴۲- بنده، جلیل، از نزدیکان به لاجوردی، شکنجه گر زندان اوین که در جنگ کشته شد.

۱۴۳- بنده دایی، جلیل، شکنجه گر، محافظ لاجوردی و تیر خلاص زن اوین بود که در شهریور ۶۱ در جبهه جنگ کشته شد.

۱۴۴- بوزری، از بازجویان مخوف زندان که به سرگرد سعد حداد معروف بود.

۱۴۵- بهجتی اردکانی، محمد حسین، (امام جمعه اردکان)، از شاگردان مصباح یزدی و از حکام شرع دادگاههای انقلاب.

۱۴۶- بهرامی، حسین، حجت الاسلام، دادستان دادگاه ویژه روحانیت قم.

۱۴۷- بهرامی، محمد کاظم، حجت الاسلام، حاکم شرع دادگاههای نظامی و از جمله قضاتی که در بسیاری از جنایات دست داشت. وی سالها رئیس دادگاه نظامیان و رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح بود.

۱۴۸- بهروش، فرمانده یگان حفاظت زندانهای کشور.

۱۴۹- بهشتی، احمد، حجت الاسلام، از حکام شرع دادگاههای انقلاب.

۱۵۰- بیگلری، اکبر، دادستان کل استان همدان.

۱۵۱- بیگی، دادیار دادگاه انقلاب در جریان سرکوبی بعد از کودتای ۲۲ خرداد ۸۸ در خیابان معلم تهران.

۱۵۲- بهزادی پور، معاون دادگستری استان خوزستان.

۱۵۳- پرورده، مهدی، موسوم به مجیدی از وابستگان به قوه قضاییه.

۱۵۴- پستچی، مدیر کل زندانهای استان خراسان شمالی.

۱۵۵- پناهیان، علیرضا، حجت الاسلام، شاگرد مصباح، معروف به علیرضا مارمولک. وی زمانی در قوه قضاییه مشغول به کار بود.

۱۵۶- پهلوانی، علی، حجت الاسلام، از باند خشونت طلب مصباح و عضو قوه قضاییه.

۱۵۷- پور رزاز، جعفر، پاسدار زندان که بعدها یکی از مسئولین زندانها شد.

۱۵۸- پور میر غفاری، معروف به حسین موسوی تبریزی، دادستان انقلاب بعد از قدوسی در سال ۶۰ که پرونده بسیار جنایت باری داشت و در حال حاضر به مخالفان خامنه ای پیوسته است.

۱۵۹- پورسیف، سید مجید، منشی قاضی حداد که بعد دادیار و سپس در مجتمع قضایی میرداماد مشغول به کار شد.

۱۶۰- پیشوا، از مدیران میانی زندان اوین. وی قبلا بازجو و سپس سر بازجو شده بود. به دلیل سابقه در کار اعتراف گیری به پست های بالاتری رسید.

۱۶۱- تاجیک، بیژن، از عوامل دخیل در دستگیری، بازجویی و شکنجه در دهه شصت و عضو اطلاعات نخست وزیری.

۱۶۲- تاجیک، محمد رضا، از اعضای اطلاعات نخست وزیری و گروه ضد جاسوسی که در بازجویی مبارزان در دهه شصت شرکت داشت و هم اکنون اصلاح طلب شده و در زندان بود که البته قبل از ۲۲ بهمن به تلویزیون آوردندش و فعلا با قید وثیقه آزادش نمودند.

۱۶۳- تبریزی، مجید، از مدیران داخلی زندان اوین و از بازجویان و شکنجه گران از سال ۶۰ به بعد. در سال ۶۷ در جریان اعدامها بسیار فعال و در سال ۶۶ مسئول بخش آسایشگاه زندان اوین بود.

۱۶۴- تبریزی، مرتضی، از مسئولین زندان گوهر دشت در دهه شصت.

۱۶۵- تجری، فرهاد، نماینده سرپل ذهاب و قصر شیرین، از اعضای وابسته به قوه قضاییه و عضو کمیسیون قضایی.

۱۶۶- تسخیری، محمد علی، آیت الله، از حکام شرع و از وابستگان به قوه قضاییه، مدتی مسئول سازمان ارتباطات بود و حالا در سازمان تقریب مذاهب مشغول به کار است.

۱۶۷- تقوی، سید رضا، حجت الاسلام، از حکام شرع و از مسئولین شاخه تبلیغاتی وابسته به بیت رهبری.

۱۶۸- تهرانی، علی اکبر، از یاران گروه بهزاد نبوی که در امور امنیتی و اطلاعاتی دست اندرکار بود. او در جریان کودتای سال ۶۰ در کنار گروه کودتاگران قرار گرفته بود و بعدها در امور بازجویی و اطلاعاتی شرکت داشت.

۱۶۹- توانا، محمد، از نیروهای وزارت اطلاعات در زندان اوین. وی به کار بازجویی مشغول بود.

۱۷۰- توفیقی، - از معاونان دادستانداری نجف آبادی در کودتای سال ۸۸.

۱۷۱- توکلی، احمد، رئیس مرکز پژوهشهای مجلس از دادیاران سابق دادگاه انقلاب، او زنی را در حالی که آستن بود به اعدام محکوم کرد و سالها در امر بازجویی و شکنجه از افراد شهره بود و هم اینک نیز نماینده مجلس شورای اسلامی می باشد. مرگ خانم نرگس جباری با زدن تیر به مقعد وی، از دستورات این قاضی دهه شصت است. داماد احمد توکلی فرزند آیت الله حائری شیرازی است.

۱۷۲- توکلی، از مسئولین زندان قزلحصار، وی مسئول تدارکات و شکنجه بود.

۱۷۳- توپسرکانی، حجت الاسلام، رئیس کل دادگستری استان کرمان.

۱۷۴- توپسرکانی، احمد، رئیس سازمان ثبت احوال و اسناد کشور.

۱۷۵- تیموری، مراد، از بازاریان و عضو باند لاجوردی در زندان.

انقلاب اسلامی: اقتصادی در دست این مافیاهای با وجود ایجاد بحران در داخل و خارج از کشور، اقتصاد فقر افزا و خشونت گستری می شود که ملتی را ناگزیر می کند برای قوت لایموت خود ثروت ملی

خود را اززان، در اختیار اقتصاد مسلط قرار دهد:

## ثروتهای ملی را می خورند و می برند و می سوزانند و هدر می دهند:

### \*ایران بلحاظ فرار مغزها مقام اول را در جهان جست:

◀ در ۴ اسفند ۸۸، دویچه وله گزارش کرده است: برخلاف ادعای احمدی نژاد، صندوق بین المللی پول در گزارش سال ۲۰۰۹ خود اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران به لحاظ مهاجرت نخبگان، در میان ۹۱ کشور در حال توسعه یا توسعه نیافته جهان، مقام نخست را دارد.

• کمیته ویژه مجلس: مهاجرت نخبگان، در سایه سیاست های دولت احمدی نژاد، اکنون به یکی از بزرگترین مشکلات جامعه ایران تبدیل شده است، تا جایی که مجلس مجبور شده است برای بررسی این موضوع یک کمیته ویژه تشکیل دهد.

علیرضا سلیمی عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس روز دوشنبه سوم اسفند به خبرگزاری فارس گفته است: «در جلسه روز یکشنبه کمیسیون آموزش و تحقیقات، بحث مهاجرت نخبگان با حضور نمایندگان از وزارت امور خارجه، علوم، آموزش و پرورش، بهداشت و اطلاعات مورد بررسی قرار گرفت. افزایش امنیت شغلی، اصلاح نظام مدیریت، حفظ حریم مراکز دانشگاهی، ایجاد تسهیلات برای دانشمندان ایرانی مقیم خارج از کشور و اصلاح نظام آموزشی، از جمله راهکارهایی بود که در نشست کمیسیون آموزش و تحقیقات ارائه شد.»

• همزمان با اظهارات نماینده مجلس، حمید گورانی رئیس پژوهشکده رویان جهاد دانشگاهی نیز هشدار داد که دانشمندان رشته سلول های بنیادین ایران هر روز بیشتر از گذشته جذب کشورهای عربی و دیگر نقاط جهان می شوند. در کنگره جهانی سلول های بنیادین، که تیرماه سال جاری در اسپانیا برگزار شد، ایران پس از اسرائیل پیشروترین کشور خاورمیانه در رشته سلول های بنیادین شناخته شد. به گفته حمید گورانی، اکنون بهترین دانشگاه های دنیا با دانشمندان ایرانی این رشته تماس می گیرند و می کوشند آنان را به سوی خود جذب کنند.»

• فرار سالی ۱۸۰ هزار تحصیلکرده: به استناد گزارش سال ۲۰۰۹ صندوق بین المللی پول، «سالانه ۱۸۰ هزار نیروی آموزش دیده از ایران مهاجرت می کنند.» صندوق بین المللی پول در گزارش خود تاکید کرده است که فرار ۱۸۰ هزار نیروی آموزش دیده، به معنای خروج سالانه ۵۰ میلیارد دلار ارز از کشور است.

گزارش صندوق بین المللی پول می گوید: «هم اکنون بیش از ۲۵۰ هزار مهندس و پزشک و بیش از ۱۷۰ هزار ایرانی دارای تحصیلات عالیه در آمریکا زندگی می کنند.»

• هفته نامه سازمان مدیریت و برنامه ریزی ایران، سال گذشته نوشت: «از ۱۲۵ دانش آموز ایرانی که ظرف ۳ سال گذشته در المپیادهای جهانی کسب رتبه کردند، ۹۰ نفر آنها هم اکنون در آمریکا مشغول تحصیل هستند.»

انقلاب اسلامی: از کشوری که قوای «انتظامی» شبانه به کوی دانشگاه حمله می کند و آن را به میدان جنگ بدل می سازد و از کشته و زخمی، پشته می سازد و کار اصلی دادگاه انقلابش محکوم کردن دانشجو و استاد و روزنامه نگار و زنان و معلمان و کارگرانی است که حقوق خود را مطالبه می کنند و ۹ ماه است که دولتش با مردم وارد جنگ شده و شهرهای ایران را به جبهه های جنگ با اسلحه با بی اسلحه بدل کرده است، چگونه ممکن است از لحاظ فرار مغزها مقام اول را پیدا نکند؟

\*سالانه گاز ایران به ارزش ۶ میلیارد دلار مفت به قطر می رود:

◀ در ۴ اسفند ۸۸، به گزارش ایلنا: سالانه ۶ میلیارد دلار گاز در مخزن پارس جنوبی از سوی ایران به سمت قطر مهاجرت می کند: سید عماد حسینی عضو کمیسیون انرژی مجلس مافیاهای، گفته است: بررسی های کارشناسی نشان می دهد هر شش ماه سه میلیارد دلار گاز از سمت ایران به سوی قطر مهاجرت می کند چرا که مخزن پارس جنوبی شیب دار است و این شیب نیز به سمت قطر قرار دارد. در جلسه ای که اعضای کمیسیون انرژی مجلس با روسای فازهای پارس جنوبی و مدیر عامل شرکت نفت و گاز پارس داشتند مباحثی درباره سرمایه گذاری در این حوزه مطرح شد و مقرر شد اقدامات جدیدی در این حوزه صورت گیرد. هم برای ما روشن است و هم برای مسئولان که بودجه سال آینده نیز مثل سال های گذشته جا بگویی نیاز صنعت نفت به سرمایه گذاری نیست. ما برای حفظ و حراست از ثروت ملی باید حتما راهکارهای جدیدی را مدنظر قرار دهیم. در پارس جنوبی ۲۸ فاز داریم اما هنوز توانسته ایم سرمایه های مورد نیاز برای راه اندازی این فازها را تامین کنیم.

\* سالانه معادل مصرف ترکیه، گاز سوزانده می شود و هدر می رود:

◀ در ۳۰ بهمن ۸۸، خبرگزاری مهر گزارش کرده است: قدرت الله نصیری، یکی از مسئولان شرکت ملی نفت، با اشاره به اینکه سالانه ۱۹ میلیارد متر مکعب گاز در مشعل تاسیسات صنعت نفت می سوزد، ارزش تقریبی این میزان گاز را ۳۰۵ میلیارد دلار عنوان کرد و گفت: حجم گازهایی که در مشعل تاسیسات صنعت نفت می سوزد معادل کل مصرف ترکیه است.

\* دولت به سندیکیای صنعت برق ۵ میلیارد دلار بدهکار است و ادعای تولید برق اتمی میکند!:

◀ در ۲۶ بهمن ۸۸، به گزارش ایلنا: حجم مطالبات اعضای سندیکیای صنعت برق از دولت به رقم نگران کننده ۵ میلیارد دلار رسیده است.





رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق، سندیکای تولید کنندگان صنعت برق ضمن اعلام مطلب فوق در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا افزود: مشکلات بی‌شمار واحدهای تولید کننده تجهیزات برقی را تهدید می‌کند. در حال حاضر بسیاری از تولید کنندگان یا تعطیل هستند و یا با بخشی اندکی از ظرفیت تولیدشان کار می‌کنند.

محمد پارسا گفت: متأسفانه رقم بدهی‌های دولت به ما آنقدر سنگین شده که در صورت عدم چاره جویی واحدهای تولید کننده مجبور به تعطیلی خواهند بود و بیش از نصد هزار نیروی کار که مستقیم و غیر مستقیم در این صنعت مشغول به کار هستند، در معرض بیکاری قرار دارند. او در توضیح این مطلب افزود: چون دولت طلب‌های ما را به موقع نداده ما نتوانسته‌ایم وام‌هایمان را تسویه کنیم و بدهی‌مان به سیستم بانکی بسیار سنگین شده است. از این رو ما از سوی بانک‌ها تحت فشار شدید هستیم و بین خود اعضا نیز دعوای حقوقی در جریان است.

او سرآغاز مشکل را از زمان تثبیت قیمت‌ها دانست که مجلس وقت تصمیم به تثبیت قیمت برق گرفت و گفت: از آن موقع وزارت نیرو نتوانست بدهی‌های خود را پردازد و صنعت برق آهسته آهسته در گریز بحران شده و سیر قهقراپی آن آغاز شد.

انقلاب اسلامی: حکومتی که نمی‌تواند صنعت برق کشور را راه ببرد و حتی بدهی‌های خود را به این صنعت بپردازد و کارخانه‌های تولید برق کشور فرسوده می‌شوند و از کار می‌افتند، مدعی است بخاطر نیاز کشور به برق ثروت کشور را صرف غنی‌سازی اورانیوم و بحران‌سازی و گرفتار کردن کشور به محاصره نظامی و مجازات اقتصادی می‌کند. حتی اگر برآستی هدف تولید برق اتمی بود، روشی را می‌باید در پیش می‌گرفت که نیروگاه اتمی بوشهر، همچنان در انتظار «افتتاح» نماند.

### \* ۲۰ میلیارد دلار قاچاق ارز و بنزین و کالا از کشور!:

◀ در ۲۵ بهمن، به گزارش ایلنا: در همان حال که واردات رسمی کالا در سال گذشته ۶۸ میلیارد دلار اعلام می‌شود، آخرین گزارش‌های رسمی، حاکی از ثبت بیش از ۲۰ میلیارد دلار کالای قاچاق است که کشف و ضبط شده است.

بخش قابل توجهی از کالاهای ثبت شده از سوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز به کالاهای یارانه‌ای همچون سید سوختی اختصاص دارد و بخش قابل توجه دیگری شامل یوشاک و کالاهای مصرفی است.

آخرین آمار رسمی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز به سال ۸۶ بازمی‌گردد که براساس آن میزان کالای قاچاق ثبت و ضبط شده معادل ۱۳ میلیارد دلار اعلام شده بود. این گزارش ویژه که به رئیس جمهور ارایه شد، حکومت را بر آن داشت تا نسبت به اجرای سهمیه‌بندی بنزین اقدام کند، زیرا بخشی قابل توجهی از قاچاق را قاچاق سوخت تشکیل می‌داد. با وجودی که دولت نهم مبارزه با قاچاق کالا و ارز را در گرو هدفمند کردن یارانه‌ها می‌انگارد، اما حاصل مبارزه با قاچاق طی پنج سال گذشته حاکی است که عملاً هیچ کوشش ویژه‌ای

## تکرار گذشته یا تغییر؟

عرصه‌های "غیرقانونی" اقتصاد تا ۱۲ میلیون دلار در سال می‌رسد. اوضاع طوری شده است که حتی یکی از نمایندگان در جلسه علنی مجلس در مورد وجود شصت بندر غیرقانونی متعلق به این نهاد نظامی دست به افشاکری زد.

علاوه بر این گفته می‌شود که قاچاق بنزین جیره بندی شده از طریق استان هرمزگان و نیز قاچاق سیگار و مشروبات الکلی تحت نظارت تعدادی از فرماندهان سپاه انجام می‌گیرد و گرچه سپاه در خط مقدم مبارزه با قاچاق مواد مخدر قرار دارد اما بر اساس شایعات پاره ای از اعضای عالی‌رتبه سپاه در امر توزیع مواد مخدر، به خصوص در استان سیستان و بلوچستان دست دارند.

موقعیت ویژه سپاه این نهاد را از شرکت در مزایده‌های اقتصادی برای خرید سهام شرکت‌ها بی‌نیاز کرده است و این مسئله موجب رنجش بخش خصوصی شده است. پنج سال پیش ۲۹ تن از رؤسای شرکت‌های خصوصی در نامه‌ای از این مسئله ابراز نارضایتی کردند.

پاسداران گاه برای ابراز ناخرسندی خود از انعقاد قراردادهای اقتصادی دست به نمایش قدرت می‌زنند به عنوان مثال در سال ۲۰۰۴ دولت خانمی هنگام افتتاح فرودگاه بین‌المللی خمینی در تهران مجبور شد قراردادی را که با یک شرکت ترک بسته بود لغو کند زیرا پاسداران، خشمگین از اینکه خود طرف قرارداد نبودند، باند فرودگاه را در روز افتتاح اشغال کردند.

یکی دیگر از امتیازاتی که به سپاه تعلق می‌گیرد اعطای وام با بهره استثنائی از سوی بانک ملی به این نهاد نظامی است به عنوان نمونه در دهه ۲۰۰۰ نیروی ویژه قدس وابسته به سپاه در عرض چهار سال ۱۰۰ میلیون دلار از این بانک وام گرفت.

در رأس مؤسساتی که پس از انقلاب و با بودجه دولتی تشکیل شده اند اغلب فرماندهان قدیمی سپاه قرار دارند. عظیم‌ترین این مؤسسات بنیاد مستضعفان با ۲۰۰۰۰۰ کارمند و ۳۵۰ شرکت تابعه است که ریاست آن را یکی از فرماندهان قدیمی سپاه برعهده دارد. بنیاد شهید نیز از زمره این مؤسسات به شمار می‌رود که رئیس آن از اعضای قدیمی سپاه و مشاور احمدی نژاد است. در این میان دو نهاد دفاع مقدس و بنیاد فرهنگی ایثارگران در اختیار بسیج قرار دارد.

### \* نیروی انتظامی سهام شرکت سابق مهدی هاشمی رفسنجانی را خرید

◀ به گزارش خبر آنلاین (۱ اسفند ۸۸) شرکت ناجی‌غرب که از زیرمجموعه‌های مؤسسه سرمایه‌گذاری مهرگان وابسته به بنیاد تعاون نیروی انتظامی است در مزایده‌ای ۴۹ درصد از سهام شرکت مهندسی و ساخت تاسیسات دریایی ایران را خرید.

روزنامه پول که این خبر را منتشر کرده است می‌گوید: شرکت مزبور، شرکت سابق مهدی هاشمی رفسنجانی است. بدین ترتیب، این انتقال سهام به نیروی انتظامی که زیر عنوان خصوصی سازی صورت می‌گیرد، معلوم می‌کند

نیروهای انتظامی نیز بر اقتصاد کشور چنگ افکنده‌اند.

بدین‌گونه پس از بنیاد تعاون سپاه که چندی است که همیشه یک پای ثابت مزایده واگذاری‌ها هستند، بنیاد تعاون نیروی انتظامی نیز وارد این حیطه شد و یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های فعال در زمینه ساخت و تجهیز سکوی نفتی دریایی را با قیمتی بیش از ۱۴۰ میلیارد تومان خریداری کرد. در حالی که مؤسسه سرمایه‌گذاری صندوق بازنگستی کارکنان صنعت نفت با پیشنهاد ۱۳۶ میلیارد تومانی موفقیتی در این مزایده حاصل نکرد.

### \* نگرانی نمایندگان مجلس از تورم ۴۰ درصدی و کسری بودجه ۸۰ هزار میلیاردی

◀ در ۲۷ بهمن ۸۸، به گزارش شبکه جنبش راه سبز: حسن غفوری فرد و علیرضا محبوب دو چهره شناخته شده اقتصادی مجلس نسبت به رویکردهای بودجه تهیه شده توسط دولت برای سال آینده ابراز نگرانی کرده‌اند:

• حسن غفوری فرد: تورم سال آینده تا ۴۰ درصد خواهد بود. حسن غفوری فرد، عضو هیئت رئیسه مجلس در خصوص نرخ تورم در سال آتی گفت: احمدی نژاد زمان ارائه لایحه بودجه ۸۹ گفت با توجه به اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها در سال آینده، نقدینگی در جامعه جمع می‌شود. به زعم ایشان به این ترتیب، تورم به ۱۰ درصد و در نیمه راه اجرای برنامه پنجم به ۵ درصد خواهد رسید. اما به نظر بنده این پیش‌بینی غیرواقعی است. چرا که آزاد کردن قیمت‌ها موجب تورم خواهد شد.

تورم در سال آتی از سال قبل بیشتر خواهد بود. برخی کارشناسان اقتصاد بر این باورند که با اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها و آزاد کردن قیمت‌ها، تورم در سال آتی ۵۰-۴۰ درصد خواهد بود و این با سخن رئیس‌جمهور مبنی بر اینکه هدفمند کردن یارانه‌ها خاصیت تورم‌زایی ندارد، در تناقض است.

• از سوی دیگر علیرضا محبوب با اشاره به کسری قابل توجه بودجه دولت می‌گوید: اصولاً راه‌کارهایی که برای مقابله با کسری بودجه در لایحه بودجه سال ۱۳۸۹ پیش‌بینی شده است، خود مبتنی بر روش‌های کسری در مقابل کسری است. یعنی دولت برای کاهش کسری به راه جدیدی متوسل شده که استفاده از اوراق مشارکت ارزی است که در بودجه‌نویسی سابقه ندارد.

در گذشته دولت از طریق تسهیلات مالی خارجی، فاینانس یا حتی در مقاطعی از یوزانس اقدام به تعدیل و انتقال کسری‌ها می‌کرد. به طور مثال اکنون بیش از ۱۰ سال است که در بودجه‌های سالانه، اوراق مشارکت مالی به پهنه‌های مختلف در بودجه پیش‌بینی می‌شوند تا کسری بودجه دولت، مکتوم و پنهان بماند.

اگر می‌خواهیم رقم واقعی کسری را در بودجه محاسبه کنیم، باید به خود بودجه نگاه کنیم. تگاهی به بند ۲ ماده واحده که تحت عنوان جابجایی به دولت اجازه‌های متعدد داده است تا عمل انتقال به آینده و سال بعد را

ممکن سازد و بند ۳ و اجزای آن و همچنین در ردیف‌ها و بندهای متعددی که در قانون برای بخش‌های مختلف اجازه صدور اوراق داده است که مسلماً رقم بسیار قابل ملاحظه‌ای را می‌سازند، و همچنین ۸۰ هزار میلیارد تومان هزینه اضافی که باید از محل ۴۰ هزار میلیارد تومان هدفمند سازی یارانه‌ها در نظر گرفته شده‌اند که حسب قانون فقط حداکثر ۲۰ هزار میلیارد آن قابل تحقق است، گوشه‌ای از این ارقام را نشان می‌دهند.

\* افزایش ۱۲ درصدی تورم؛ کاهش ۵.۱ درصدی رشد اقتصادی در صورت اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها:

◀ در ۲۹ بهمن ۸۸، خبرگزاری فارس گزارش کرده است: مخبر کمیسیون تلفیق، با اشاره به حضور وزیر اقتصاد در جلسه این کمیسیون گفت:

وزیر امور اقتصادی و دارایی توضیح داد در صورتی که لایحه بودجه به همین صورت مصوب و اجرایی شود، پیش‌بینی می‌شود که بدون اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها تا ۱۰ درصد تورم و ۶ درصد رشد اقتصادی داشته باشیم اما با اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و مشخص شدن این موضوع که این قانون در چه سطح با چه سناریو و چه میزان افزایش قیمت اجرا شود،

پیش‌بینی می‌شود که ۹ تا ۱۲ درصد اضافه تورم و ۱/۵ تا ۲ درصد کاهش رشد اقتصادی خواهیم داشت. مفتوح همچنین با اشاره به حضور وزیر نفت در این کمیسیون، عنوان کرد: وزیر نفت در جلسه کمیسیون تلفیق در رابطه با پیش‌بینی این کمیسیون برای قیمت نفت در جهان به ارائه توضیحاتی پرداخت.

بر این اساس این موضوع مطرح شد که روزانه ۸۵ میلیون بشکه مصرف نفت در دنیاست که ممکن است این میزان براساس شاخص‌های مختلف و ذخایر نفتی تغییر پیدا کند. بر این اساس وزیر نفت قیمت نفت پیش‌بینی شده در سال ۲۰۱۰ را در دنیا ۷۵ دلار اعلام کرد.

### رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس: احتمال رشد اقتصادی منفی یا صفر در سال ۸۹

◀ در ۲ اسفند ۸۸، اعتماد ملی گزارش کرده است: رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس پیش‌بینی کرد؛ رشد اقتصادی سال آینده یا منفی یا صفر باشد. احمد توکلی رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس با اشاره به ارائه آمار رشد اقتصادی از سوی بانک مرکزی به کمیسیون تلفیق مبنی بر ۲/۳ درصد گفت: پیش‌بینی می‌شود این نرخ امسال به ۱/۵ تا دو درصد رسیده و در سال آینده با اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها اگر منفی نشود به صفر نزدیک باشد. احمد توکلی در گفت‌وگو با مهر با اعلام این خبر اظهار داشت: بانک مرکزی در جلسه کمیسیون تلفیق آمار رشد اقتصادی سال ۸۷ را ۲/۳ درصد اعلام کرد و همین آمار در ۱۸ فوریه مطابق با ۲۹ بهمن سال جاری از سوی بانک جهانی برای سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸، ۲/۳ اعلام





شد. دولت تاکنون از ارائه نرخ رشد اقتصادی در سال گذشته خودداری کرده بود و تنها آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که آبان ماه امسال در واکنش به خبری در این باره منتشر شد، مربوط به نرخ رشد اقتصادی در نیمه اول سال ۸۷ بود که با احتساب نفت به ۲/۷ درصد رسید، این در حالی است که این نرخ رشد بدون احتساب نفت ۳/۴ درصد بود. امسال هم طبق پیش بینی انجام شده رشد اقتصادی ۱/۵ تا دو درصد برآورد شده است.

**انقلاب اسلامی:** همانطور که در شماره پیش محاسبه شد، بدون محسوب داشتن فروش ثروت ملی کشور (نفت و گاز و مواد معدنی) و قرضه (پیشخور کردن ها)، رشد اقتصاد ایران منفی است. دولت مافیاهای نظامی - مالی غارتگر نمی تواند دایره تجاوز به حقوق انسان را گسترش ندهد:

## وقتی وحشت، لباس کارگران رژیم می شود، فریاد بر می آورند: جنایتها کافی نیستند کشتار سال ۶۷ را تکرار کنید!

**انقلاب اسلامی:** زیارتی که به خود حمید روحانی نام داده است، چاره کار را تکرار کشتار زندانیان در سال ۶۷ دانسته است. خامنه ای در چنان تگنائی قرار گرفته است که میسر! هرکس به روشی می خواهد او را از این تگنا خارج کند: هیلاری کلینتون می خواهد او را از دست سیاه رها کند و هاشمی رفسنجانی به دنبال آماجی دیگر است برای این که همه تیرها بسوی رهبر رها نشوند، شورای تشخیص مصلحت طرح کمیسیون ملی انتخابات را تهیه می کند و مصباح یزدی چاره را در خشونت گسری می داند و زیارتی آن را هنوز کافی نمی داند و کشتار را پیشنهاد می کند. چه وحشتی خامنه ای و دستیاران او را فرا گرفته است! پیروزی در دسترس است اگر مردم به جنبش خود ادامه دهند.

◀ در ۲۲ بهمن ۸۸، به گزارش، فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، تجمع خانواده های دستگیر شدگان، در مقابل بازداشتگاه وزرا و نیروی انتظامی در میدان انقلاب برای آزادی عزیزانشان، مورد یورش و ضرب و شتم وحشیانه گارد ویژه قرار گرفت. تعداد دستگیر شدگان روز ۲۲ بهمن بنابه گفته یک سرهنگ نیروی انتظامی این بازداشتگاه به خانواده ها به ۱۰۰۰ نفر می رسد و به این دلیل قادر به جواب دادن در باره وضعیت آنها نیستند. روزنامه لوموند شمار دستگیر شدگان در این روز را، در شهرهای ایران، ۱۰ هزار تن نوشته است.

◀ در ۲۳ بهمن ۸۸، به گزارش رادیو فردا، سه تشکل مستقل کارگری ایران در نامه ای به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد خواستار آن شدند که مطالبات کارگران ایران برای داشتن یک زندگی انسانی و شرافتمندانه و به دور از هر گونه سرکوب و رعب و وحشت در اجلاس الدواری آن نهاد مورد بررسی قرار گیرد.

◀ در ۲۳ بهمن ۸۸، به گزارش میزان، تارا سپهری فر، دبیر انجمن اسلامی دانشگاه شریف، بازداشت شد. هنوز هیچ اطلاعی از محل نگهداری و علت بازداشت این دانشجو در دست نیست.

◀ در ۲۳ بهمن، اطلاع حاصل شد که بهار تراکمه، دختر یونس تراکمه روز ۲۱ بهمن مجدداً بازداشت شده است و به زندان اوین منتقل شده است.

◀ در ۲۴ بهمن ۸۸، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، مامورین واواک به خانواده نبوی در قم و سمنان یورش بردند و خانم مهری نبوی در قم و آقای سید ظهور نبوی را در سمنان دستگیر و به سلولها انفرادی بازداشتگاه واواک منتقل کردند.

◀ در ۲۴ بهمن ۸۸، به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، پس از چند روز بیخبری از حمداالله نامجو، دانشجوی دانشگاه شیراز، طی تماس تلفنی وی با خانواده اش مشخص شد که او قبل از ۲۲ بهمن توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است. او در حالی برای بار سوم بازداشت شد که بیش از ۱ سال است که اجازه ورود به دانشگاه را ندارد.

◀ در ۲۴ بهمن ۸۸، به گزارش هم میهن، صدها تن از خانواده های بازداشت شدگان ۲۲ بهمن از پنجشنبه تا نیمه شب جمعه در مقابل زندان اوین حضور داشتند. بر اساس آمار غیر رسمی حدود ۲۵۰ دختر در میان دستگیر شدگان وجود دارند.

◀ در ۲۴ بهمن ۸۸، به گزارش ندای سبز آزادی، نیروهای امنیتی تمامی کارکنان سایت آینده نیوز را بازداشت کرده اند. تمامی روزنامه نگاران فعال در این سایت بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده اند.

◀ در ۲۵ بهمن ۸۸، به گزارش رهانا، فخر عبدالله زاده فرد، معلم مدرسه سید عبدالله حسینی در منطقه مرگور و روستای کسبان، به دلیل فعالیت های مدنی و سیاسی از طرف هسته گزینش آموزش و پرورش آذربایجان غربی از کار اخراج شد.

◀ در ۲۵ بهمن ۸۸، به گزارش جنبش راه سبز، سعید عسگر، ضارب "سعید حجاریان" (مشاور سید محمد خاتمی در دولت اصلاحات)، اخیراً رییس امور ایثارگران بسیج واقع در خیابان سمیه در مرکز تهران شده است. سعید عسگر خرداد ۱۳۸۲ رهبری ۲۵۰ نفر لباس شخصی را بر عهده داشت که به خوابگاه شهید همت (طرش) دانشگاه علامه طباطبائی حمله ور شدند.

◀ در ۲۵ بهمن ۸۸، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، زندانی سیاسی ارژنگ داودی در اعتراض به انتقال بی دلیل خود به سلولهای انفرادی بند ۱ معروف به سگ دویی و در اختیار قرار ندادن داروهای اقدام به اعتصاب غذا کرد.

◀ در ۲۵ بهمن ۸۸، به گزارش "فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران"، خانواده های دستگیر شدگان، روز ۲۲ بهمن و عاشورا برای آزادی بی قید و شرط و فوری عزیزانشان در مقابل دادگاه انقلاب و زندان اوین تجمع کردند.

◀ در ۲۵ بهمن ۸۸، به گزارش بی بی سی: سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) با انتشار گزارشی، از حملات صورت گرفته علیه دانشجویان، معلمان و استادان دانشگاه در ۳۲ کشور از جمله ایران انتقاد کرد.

در این گزارش که به فشارهای اعمال شده علیه فضاهای آموزشی، دانشگاهیان و فرهنگیان در سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ میلادی اختصاص دارد، مواردی از کشتار، شکنجه، بازداشت، مجازات های خودسرانه و ممانعت از تحصیل در کشورهای مانند ایران، افغانستان، پاکستان، هند و تایلند برشمرده شده است.

◀ در ۲۵ بهمن ۸۸، به گزارش ندای سبز آزادی، خاتم لوسانی مدیر دبیرستان خواجه عبدالله انصاری در خیابان خواجه عبدالله انصاری از منطقه ۴ آموزش و پرورش و آقای مظلوم مدیر دبیرستان احذزاده در همین منطقه واقع در میدان ۱۰۰ نارمک هردو به این دلیل از کار برکنار شده اند که اسامی دانش آموزان

## تکرار گذشته یا تغییر؟

معرض به دولت کودتا را به حراست آموزش و پرورش معرفی کرده و با هرگونه برخورد امنیتی و پلیسی با دانش آموزان مخالفت و آن را مغایر با معیارهای اسلامی و اصول تعلیم و تربیت دانسته و از همکاری با نمایندگان دولت کودتا خودداری ورزیده اند.

◀ در ۲۶ بهمن ۸۸، به گزارش انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق بشر ایران، علی قادر مرزی فعال مدنی و عضو کانون دفاع از حقوق کودکان بازداشت شد.

◀ در ۲۶ بهمن ۸۸، حدود ۱۰۰ ترخیص کار خرمشهری در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود در گمرک این شهرستان تجمع کردند.

◀ در ۲۶ بهمن ۸۸، به گزارش جنبش راه سبز، کارخانه «بافت آزادی» در غرب میدان آزادی روز ۲۲ بهمن تبدیل به بازداشتگاه شده بود. در آن ۵۰ مرد و ۲۰ زن محبوس بوده اند که در پایان روز از آنجا به اوین منتقل شدند.

◀ در ۲۶ بهمن ماه ۱۳۸۸، هادی قانمی؛ سخنگوی کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفته است: پس از نشست بررسی عمومی دوره ای شورای حقوق بشر در مورد ایران گفت که انکارگری بعنوان اولین واکنش ایران به توصیه های اعضای جامعه بین الملل در طرح نقض جدی حقوق بشر به روشنی نشان می دهد که لازم است که یک نشست ویژه شورای حقوق بشر و همچنین یک گزارشگر ویژه برای بررسی نقض گسترده حقوق بشر در ایران اختصاص یابد.

دولت ایران، انقلاب سال ۱۳۵۷ را به یک انقلابی علیه حقوق بشر شهروندان خود و همچنین تلاش برای به عقب برگرداندن دستاوردهای حقوق بشر در صحنه جهانی تبدیل کرده است.

در این نشست بررسی دوره ای حقوق بشر ایران، به جمهوری اسلامی ایران توصیه شد که به نقض گسترده حقوق بشر در موارد ذیل پایان داده شود: اعدام نوجوانان و سنگسار، کشتار مردمی که بطور مسالمت آمیز تظاهرات می کنند، شکنجه و تجاوز جنسی در زندان، دادگاه های ناعادلانه، بازداشت های گسترده معترضین سیاسی مسالمت جو و روزنامه نگاران، تبعیض علیه زنان و اقلیت ها، مجرم شناختن همجنس گرایی، و آزار و اذیت سازمان های غیر دولتی منتقد. بسیاری از هئیت های نمایندگی دولت ها از ایران خواستند که با مراجع حقوق بشر سازمان ملل همکاری کند.

هادی قانمی در مورد رفتار هئیت نمایندگی ایران در این نشست گفت: "ایران در حالیکه مردم خودش را بشدت قربانی می کند، در این نشست نقش قربانی ای را ایفا کرد که نباید مورد سرزنش قرار بگیرد." هادی قانمی تاکید کرد که "اگر عملکرد غیر مسئولانه امروز ایران شاخص پاسخ به پیشنهادات سازنده جامعه جهانی قرار بگیرد، دیگر نمی توان از فرصت ارانه شده در بررسی دوره ای عمومی حقوق بشر برای بهبود حقوق بشر استفاده کرد."

◀ در ۲۶ بهمن ۸۸، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، روز دوشنبه ۱۹ بهمن ماه زندانیان سیاسی زهرا اسدیپور گرجی ۵۱ ساله و فرزندش رضا جوشن ۲۵ ساله به شعبه ۱ دادگاه انقلاب برده شدند و توسط فردی بنام عاصف حسینی رئیس این شعبه به حکم سنگین و غیر انسانی ۱ سال تبعید به زندان زنجان و ۴ سال تبعید به روستای قیلاز زنجان محکوم شدند.

◀ در ۲۶ بهمن ۸۸، به گزارش آژانس خبری موکریان، چند شهروند بوکاتی به نام های یاسین مرادی، صادق آهنگری و جعفر رحمانی توسط نیروهای امنیتی در این شهر بازداشت شدند.

◀ در ۲۷ بهمن ۸۸، به گزارش تا آزادی زندانیان سبز، سیامک بیرانوند دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی

علوم تحقیقات و از فعالان ستاد میرحسین موسوی در لرستان بازداشت شد.

◀ در ۲۷ بهمن ۸۸، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، بیش از ۳۰۰ نفر از خانواده های دستگیر شدگان ۲۲ بهمن و عاشورا، زندانیان سیاسی که اخیراً آزاد شدند، مادران عزادار و مردم تهران در مقابل درب اصلی زندان اوین تجمع کردند. تجمع خانواده ها از درب اصلی زندان اوین تا پایین پله ها ادامه داشت آنها بر آزادی عزیزانشان از زندان مخوف اوین پافشاری می کردند.

◀ در ۲۷ بهمن ۸۸، به گزارش مدرسه فمینیستی: نسرين ستوده، وکیل و فعال حقوق زنان در کلاترئی نارمک مورد بازجویی قرار گرفت.

◀ در ۲۷ بهمن ۸۸، به گزارش ویلاک محمد مصطفایی وکیل دادگستری: امیر رضا عارفی، جوان ۲۱ ساله، به اتهام عضویت و همکاری و تلاش و فعالیت موثر در راستای پیشبرد اهداف انجمن پادشاهی ایران که در روز ۲۶/۱/۱۳۸۸ دستگیر شده بود با حکم شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب محارب شناخته شده و به استناد مواد ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱ و ۴۶ قانون مجازات اسلامی به اعدام محکوم گشت. وی گفت: از امروز بیست روز مهلت دارم تا نسبت به حکم صادره اعتراض کنم.

◀ در ۲۸ بهمن ۸۸، به گزارش کمیته دفاع از روزنامه نگاران، ایران با دستگیری بیش از ۹۰ روزنامه نگار یکی از مهمترین سرکوبگران روزنامه نگاران در جهان به شمار می رود. این کمیته در گزارش سالانه خود در باره آزادی مطبوعات گفته است که هنوز ۲۳ نویسنده و دبیر خبری در بازداشت به سر می برند که ایران را پس از چین در رده دوم بازداشت روزنامه نگاران قرار می دهد.

◀ در ۲۸ بهمن ۸۸، به گزارش خبرگزاری «ریا نوستی»: به "جعفر پناهی" کارگردان ایرانی، اجازه خروج از کشور برای شرکت در میزگردی با موضوع سینمای ایران در حال و آینده را ندادند.

◀ در ۲۹ بهمن ۸۸، سایت سحاح نیوز توسط گروهی که خود را ارتش افتاب نامیده بود هک شد.

◀ در ۲۹ بهمن ۸۸، به گزارش نو اندیش: سایت خبری-تحلیلی نواندیش از صبح پنجشنبه فیلتر شد.

◀ در ۲۹ بهمن ۸۸، به گزارش کلمه، حمزه کریمی مدیر سایت خبری جمهورییت به ۱۶ سال حبس و پرداخت ۶ میلیارد تومان جزای نقدی محکوم شده است.

◀ در ۲۹ بهمن ۸۸، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، صدها نفر از خانواده ها و مردم برای آزادی بی قید و شرط و فوری زندانیان سیاسی در مقابل زندان مخوف اوین تجمع کرده اند.

◀ در ۳۰ بهمن ۸۸، به گزارش ندای سبز آزادی - دست کم ۳۰ تن از بازداشت شدگان شهر مشهد در روز ۲۲ بهمن همچنان در بازداشتگاه های کوی پلیس و اطلاعات این شهر زندانی میباشند.

◀ در ۳۰ بهمن ۸۸، به گزارش تا آزادی زندانیان سبز، مرتضی سمیاری از اعضای شورای مرکزی تحکیم وحدت که در تاریخ ۱۴ دی ماه بازداشت شده بود به تحمل ۶ سال حبس تعزیری محکوم شد. در این حکم سمیاری به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس و نیز به اتهام تجمع برای اقدام علیه امنیت ملی به ۵ سال محکوم شد.

◀ در ۳۰ بهمن ۸۸، به گزارش نوروز - هفت نفر از دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران بازداشت شدند. یکی از این دانشجویان بنام فرشاد شبیانی در کلاس درس در بخش عفونی بیمارستان امام خمینی و بقیه پس از احضار توسط ضابطان قضایی بازداشت شدند.

◀ در ۳۰ بهمن ۸۸، به گزارش جنبش راه سبز، بازداشتها در نجف آباد ادامه دارد و ماموران اطلاعاتی با هجوم شبانه به خانه های فعالان سیاسی و انقلابی آنان را تهدید می کنند. هنوز دهها تن از مردمی که برای شرکت در مراسم سوگواری و چهلم آیت الله منتظری بازداشت شده بودند، در حبس بسر می برند.

◀ در ۳۰ بهمن ۸۸، به گزارش خبرگزاری هرانا، علی اکبر اعجمی دانشجوی دانشگاه تهران و از فعالین چپ گرا که پیشتر مکرراً از سوی ماموران واواک تحت فشار و تهدید قرار داشت نهایتاً روز ۲۱ بهمن در شهرستان سبزوار دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

◀ در ۳۰ بهمن ۸۸، به گزارش خبرگزاری هرانا، مرتضی گلی زاده از فعالین سیاسی اصلاح طلب شهر اراک و همچنین از اعضای فعال ستاد مهندس موسوی که پس از وقایع روز عاشورا در شهر اراک بازداشت شده بود و چندی پیش با فرارکفالت آزاد گردیده بود پس از ۲۲ بهمن ماه مجدداً توسط افراد ناشناس بازداشت گردیده و به مکان نامعلومی منتقل گردیده است.

◀ در ۳۰ بهمن ۸۸، به گزارش همشهری، با آنکه وزیر آموزش و پرورش آمار ۴ میلیون دانش آموز مردودی و بازمانده از تحصیل را دروغ خواند اما اخیراً مرکز پژوهش های مجلس سی گزارشی اعلام کرد که این آمار حدود ۵ میلیون نفر است.

◀ در ۱ اسفند ۸۸، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، یورشهای وحشیانه گارد زندان علیه زندانیان سیاسی و عادی و بخصوص به سالن نوجوانان شدت بیشتری به خود گرفته. این حملات که نیمه های شب توسط گارد زندان و در دسته های ۳۰ الی ۵۰ نفره صورت می گیرد.

◀ در ۱ اسفند ۸۸، آخرین جلسه رسیدگی به اتهامهای پنج تن از بازداشت شدگان تظاهرات روز عاشورا که به «محرابه» و ارتباط با سازمان مجاهدین خلق ایران و گروههای سلطنت طلب متهم شده اند روز شنبه در دادگاه انقلاب برگزار شد.

◀ در ۲ اسفند ۸۸، به گزارش جهان، پیام فضلی نژاد در خیابان فلسطین تهران مورد حمله سه مهاجم موتور سوار قرار گرفته و ضربات متعدد چاقو به بدن وی وارد شد. پس از این حمله به دلیل شدت جراحات وارده به بیمارستان فیروزگر تهران منتقل شد و در حال حاضر وضعیت فضلی نژاد به دلیل اصابت ضربات به سر وی وخیم گزارش شده است.

◀ در ۳ اسفند ۸۸، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، زندانی یاور خدا دوست در اثر شکنجه های وحشیانه کرمانی و فرجی رئیس و معاون اطلاعات زندان گوهردشت به قتل رسید. پیکر این زندانی به بهداری زندان منتقل و در حال حاضر در سردخانه این زندان نگهداری می شود. یاور و لطیف خدا دوست دو برادر زندانی که در سالن ۳ بند ۱ زندان گوهردشت کرج زندانی بودند.

◀ در ۳ اسفند ۸۸، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه در هواخوری بند ۴ زندان گوهردشت کرج هنگامی که با ۲ زندانی دیگر در حال صحبت کردن بود با تیزی و از پشت مورد تهاجم قرار گرفت. که با هوشیاری زندانیان و واکنش به موقع او از خطر جدی نجات یافت. این حمله در حضور پاسدار بندی بنام حسن پور و فرددیگر بنام مرادی سر وکیل بند صورت گرفت.

◀ در ۳ اسفند ۸۸، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، بیش از ۶۰۰ نفر از خانواده های دستگیر شدگان در مقابل دادگاه انقلاب برای آزادی فوری





و در این قلمرو است که اندیشه راهنما که همان آزادی است تقویت می شود و ذهنیت انسانها روشن و انسانها به بلوغ فکری می رسند. برای رشد فرهنگیمان نیاز به برخورد آراء و عقاید داریم. پس بجای فلسفه بافی به نقد باورهایمان بپردازیم و آنها را به زیر سوال ببریم تا رشد کنیم و آن بر سرمان نیاید که بعد از انقلاب ۱۳۵۷ بصرمان آمد. هنوز بسیاری از ایرانیان و علی الخصوص تحصیلکرده های ما افسوس می خورند که چرا کتابهای خمینی و ولایت فقیه او را نخواندند و فریب او را خوردند. پس بهوش باشیم از تجربه درس پیاموزیم، زیرا فردا را امروز می سازیم. در اواخر بهمن ۱۳۸۸ در سایت گویا گفتگوی خانم فرزانه بذریور با آقای عبدالکریم سروش را خواندم (۱). در این گفتگو آقای سروش تلاش نموده است نوع نظام آینده بعد از مرگ نظام ولایت فقیه جمهوری اسلامی را تئوریزه نماید. در این گفتگو ایشان می گویند نظام سیاسی آینده دینی است و مسئولین این نظام هم دینداران می باشند و قوانین آن هم نباید منافاتی با اسلام داشته باشد. در این نظام همچون جمهوری اسلامی انسانها بر دو دسته اند خودی و غیر خودی برای اثبات این تقسیم بندی هم از نظریه سکولاریزم سیاسی و سکولاریزم فلسفی تاریخ شناس آمریکایی بنام آقای ویلفرید مک کلی (۲) هم مدد گرفته است. تا تقسیم بندی شهروندان ایرانی به خودی و نخودی را موجه جلوه دهد. برای ثبوت این ادعا به گفتگوی ایشان با خانم فرزانه بذریور رجوع می کنیم. خانم فرزانه بذریور در سوال اول خود از آقای سروش می پرسند که « افتراق و اختلاف نظر میان سکولارها و جریان روشنفکری دینی بر محور چه موضوعاتی است؟ » آقای سروش با استفاده از نظرات آقای ویلفرید مک کلی (۳) پاسخ می دهد « بطور کلی دوگونه سکولار داریم سکولاریزم سیاسی و سکولاریزم فلسفی. » بعد استاد شروع می کند به تعریف سکولاریزم سیاسی و فلسفی. قبل از بررسی گفتار سروش بهتر است بدانیم سکولاریزم بطور خلاصه جدانی دین از دولت است که البته با لاینسیسته قدری فرق دارد (۴) زیرا لاینسیسته غالباً در کشورهای کاتولیک اروپا که زیر سیطره کلیسای کاتولیک بوده اند بوجود آمده است و سکولاریزم غالباً در کشورهای پروتستانیسم شکل گرفته است. سکولاریزم اولین بار در قرن ۱۷ در فرانسه استفاده شد به این هدف که اموال کلیسا به بخش خصوصی و مقامات غیر روحانی (سکولار) واگذار شود. و لاینسیسته واژه ای است که در دهه ی هفتاد سده ی نوزدهم در فرانسه ابداع و از آن پس وارد دانشنامه ها و گفتمان سیاسی شد (۵).

سکولاریزم مبنایش بر جدانی امور عمومی و خصوصی جامعه از سلطه دین سالاران می باشد و بر برابری حقوق تمامی انسانها و ادیان استوار است. بنا براین سکولاریزم یا فرم فرانسوی آن لاینسیسته اندیشه ایست که از حاکمیت مردم در مقابل حاکمیت روحانیت حمایت می کند و ریشه در اندیشه روشنگری در نقد دین و در اعتراضات و مبارزات علیه سیطره روحانیت و دین بر مردم دارد. باید گفت هم سکولاریزم و هم لاینسیسته همچون بسیاری از مقولات مفاهیم شان در طی تاریخ تکامل یافته است (عوض نشده است) و در هر کشور تحول خاص خود را منطبق با شرایط و فرهنگ آن کشور انجام داده است. هرچند که فلاسفه، هنرمندان، نویسندگان، ادیبان و... در امور خویش از آن استفاده کردند. ولی هیچگاه فیلسوفان و سیاستمداران تقسیم بدو نکرده اند و آنان معتقد به سکولاریزم سیاسی و فلسفی نبوده اند. از نظر فلسفی روش سروش ممکن است بگوید درک فرید راستگو از انسانها یا به خدا باور دارند یا ندارند. مثلاً یک انسان معتقد به خدا می تواند به جدانی دین از دولت باور داشته باشد مثل شادروان مصدق و یا آقای بنی صدر. و یا یک معتقد به کمونیست و سکولار می تواند طرفدار دولت دینی باشد و برای

## آقای سروش، سکولار فلسفی و دموکراسی دینی دیگر چه مقولاتی اند؟!

حفظ آن تلاش نماید مثل مرحوم کیانوری و جمهوری اسلامی خواهان سکولار. بکار گیری سکولاریزم فلسفی در امر سیاست و حتی فلسفه با تعریفی که سروش از آن می کند یا هدفی دیگر استفاده شده است. آقای سروش در این گفتگو در راستای نظر مک کلی می گوید « سکولاریزم فلسفی که معادل با بی دینی و بی اعتقادی به دیانت است و نوعی ماتریالیزم (ماده گرایی) است. این نوع سکولاریزم با اندیشه دینی غیر قابل جمع است. » هدف سروش از تقسیم سکولاریزم اینست که به مردم و بویژه تحصیلکرده های دینی از جمله روحانیون حالی کند که اگر ما می گوئیم سکولار هستیم، این سکولاریسم سیاسی است ولی ضد دین نیستیم و نگران بی دینان نباشید زیرا این ها با ما روشنفکران دینی قابل جمع نیستند و از ما خدایاوران جدایند. و ادامه می دهد « برای اینکه دین جان سالم به در برد و ایمان مومنان آزادانه و نه به تحمیل صورت گیرد، به نظر من سکولاریزم سیاسی یک امر پسندیده است اما سکولاریزم فلسفی نه، چون با دیانت قابل جمع نیست. » ایشان مثل رهبران جمهوری اسلامی، ایرانیان و بویژه تحصیلکرده ها را بدو دسته تقسیم می کند خودی آنانی که معتقد به سکولاریزم سیاسی هستند و غیر خودی آنانی که ضد دین یا سکولار فلسفی هستند. ایشان برای عامه پسند جلوه دادن بیانات خود مجبورند اندیشه سکولاریزم را در پیروی از مک کلی قلب کند و سکولاریزم را بدو دسته شر و خیر تقسیم نماید. دوام آقای سروش جدیداً باورمند است که سکولاریزم سیاسی امر پسندیده ای است و خود را سکولار تصور می کند که این خود گامی مثبت از طرف ایشان است، ولی تکلیف گفتار و نوشتاری را که در رد و علیه سکولاریزم نوشته است چه میشود (۶) سوماً او اگر سکولار است پس چرا بدنبال حکومت دینی می باشد؟ به ادامه گفتگویش رجوع می کنیم. در پاسخ به سوال سوم خانم فرزانه می گوید « اگر ما می توانیم از استبداد دینی سخن بگوئیم پس می توانیم از دموکراسی دینی هم سخن بگوئیم. » پاسخ به سوال اول می گوید « سکولاریزم سیاسی یعنی انسان، نهاد دین را از دولت جدا کند و حکومت نسبت به تمام فرقه ها و مذاهب نگاه یکسان داشته باشد و تکثر آنها را به رسمیت شناخته و نسبت به همه آنها بی طرف باشد. » شما اگر اینطور است پس دموکراسی دینی شما دیگر چه مقوله ای است که قصد دارید در مقابل استبداد دین ولایت فقیه بنایش سازید و بطور مشخص روشن می کنید که مسئولین آن دموکراسی دینی باید صاحبان دین باشند. مثل این است یک آدم بی دین، خدا را نیایش کند. آقای سروش این تناقضات را چگونه می خواهید حل کنید. زیرا طبق تز آقای مک کلی و پیروی شما از این تز سردمداران جمهوری اسلامی و طالبان می توانند ادعا نمایند که همگی سکولار و دموکرات هستند و بنا بر این هر سکولاری قادر است حکومت دینی یا بقول شما دموکراسی دینی تاسیس نماید. سردمداران هر دولت دیگر چه مقوله ای دموکراسی و سکولاریزم کنند. استاد محترم در دموکراسی، دولت مرامی و دینی نمی تواند باشد اگر باشد آن دولت دیگر دموکرات نیست. اصلاً دموکراسی را برای حاکمیت مردم بر مردم و برای مردم ساخته اند. آقای مک کلی بخوبی می داند چنین خزعبلاتی را نمی تواند به اروپایی ها و آمریکایی بخورد ولی اینرا بخوبی می داند در شرق خوردنی هستند چون استبداد در اعماق وجود غالب تحصیلکردهایشان نفوذ کرده است.

سکولاریزم غلط است ولی درک مک کلی درست است و من هم نظر مک کلی را قبول دارم. آقای سروش حق مسلم شما است هر نظری را قبول کنید. ولی اختلاف از اینجا ناشی میشود که سکولاریزم یک اندیشه است و یک اندیشه اگر از مفهومش دور شد

دیگر اصالت خود را از دست می دهد و تبدیل به کلام توخالی میشود. وقتی روسها به مارکسیسم یک لنینیسم اضافه کردند و چنین ها یک مانو هم به مارکسیسم - لنینیسم اضافه کردند بر سر اندیشه مارکسیسم آن آمد که آمد. چرا راه دور برویم، امروز بحمدالله خود شما اذعان می دارید که « تنوری ولایت فقیه عین استبداد دینی شد » چرا چون خمینی به دین مردم یک ولایت فقیه اضافه کرد. در ثانی مگر هر که برای پیشبرد مقاصد خود فلسفه بافی و تئوری بافی کرد درست است. مگر نظریه پرداز آمریکایی مرحوم ساموئل هانتینگتون نبود که نظریه جنگ تمدنها را آورد. مگر فوکویاما نبود که گفت سرمایه داری جهان را گرفته است پس تاریخ به پایان رسیده است. مگر پیدایش نظریه نژادپرستانه در اروپا که در پی خود نازیسم، فاشیسم، فرانکیسم را بوجود آورد بعلت سوء استفاده همین اروپایی ها و پسوند دادن به داروینیم نبود. مگر در همین آمریکا و غرب نیست که لیبرالیسم را به لیبرالیسم وحشی میدل کردند و از آن ریگانیسم، تاجریسم و نونکان های آمریکایی را ساختند و جهانی را به فنا کشانیدند.

تازه خود مک کلی و خانم دیانا ایک (۷) علناً اظهار می دارند این تجربه ما از سکولاریزم در آمریکا است و شما نتیجه تحقیقات دو انسان را در مورد کشور خود تبدیل به یک تئوری جهان شمول کرده اید. حتی تینتر سخنانی آنان در فرم دسامبر ۲۰۰۷ چنین است " دین و سکولاریزم : تجربه آمریکا " (۸)

در مورد دموکراسی دینی، آقای سروش ما نمی توانیم از دموکراسی دینی سخن بگوئیم زیرا دموکراسی یک اندیشه است و اندیشه قید پذیر نیست. مثل اینست کمونیستها بگویند چون ما نظام استبدادی کمونیستی داشته ایم حالا می توانیم نظام دموکراسی کمونیستی برقرار کنیم. وقتی یک اندیشه مقید به قیدی میشود، آن اندیشه محدود می گردد و این محدودیت برد محدود کننده ها می خورند؛ چونکه محدود کننده ها هدف شان از محدود کردن اندیشه بکارگیری آن در قدرت است تا از آن بتوانند بعنوان زور بر علیه مخالفین استفاده کنند. هر انداره یک اندیشه محدود شود از مفهوم اصلی خود خارج میشود تا محدود کننده ها بتوانند تفسیر عامه پسندانه خود را از آن بیان سازند و بعد چماقی بر سر مردم و غیر خودیها سازند.

همانطوریکه در بالا آمد نمونه اش داروینیم است که برخی از اندیش ورزان طرفدار خودی و غیر خودی قیدی به آن اضافه کردند و داروینیم اجتماعی را ساختند که منشاء نژاد پرستی و سپس فاشیسم در غرب گشت.

در سال ۵۷ آقای خمینی به جمهوری یک قید اسلامی اضافه کرد و شد جمهوری فاشیستی اسلامی، آن چیزی که در طی ۳۱ سال اخیر مردم ایران با آن دست به گریبان هستند و سرنوشتی را پیدا کرده اند که در طول تاریخ تا بحال پیدا نکرده بودند.

آقای سروش تلاش نکنید قیدی به دموکراسی اضافه کنید تا عوام برای شما هورا بکشند و حکومت اسلامی آینده خود را توجیه کنید. زیرا زشت ترین کار این است که ما از یک مرام و اندیشه دفاع کنیم اما برای اهداف خود آن اندیشه را از معانی اش خالی سازیم. بویژه از آزادی و دموکراسی که ایرانیان بیش از صد سال است تشنه برقراری آن هستند حرف بزنیم و آنان را از ماهیت اصلی ایشان خالی سازیم چون مد روز شده است. دموکراسی در خدمت همه مردم است و خودی و غیر خودی نمی شناسد بدین معنی است که قوای دولت فقط ناشی از اراده و خواست احاد ملت و دارای هیچ منبع و منشاء دیگری نیست و ملت به معنای عموم مردم است که از حقوق مساوی در برابر قانون بهره مند هستند (۹). دموکراسی امر دولت و برای جمهور مردم است بنا براین باید بی مرام بماند (۱۰). بخشی از دموکراسی امر

زیرا تجربه آن پیش روی ما است. پس از تجربه درس پیاموزیم، اگر دولت ابزار قدرت است در دست طبقه حاکم در صورت وحدت دولت و دین، دین وسیله ای در دست دولتمردان برای سرکوب مردم و به قدرت حاکم مشروعیت می بخشد. در این حالت دین با جامعه بیگانه میشود و مبدل به ضد خود و مردم میشود. اگر دولت دولت مردم سالار است و به رشد و شکوفائی افراد جامعه کمک می کند و حقوق همه شهروندان را محترم و پاس می دارد در این حالت دولت به یک کشیدن هیچ دین و مرامی مردمی یکد کش هر دینی و مرامی مردمی خود را نقض می کند و دیگر دولت عموم مردم نیست. (۱۱) بر فرض که دولت دولت عموم مردم باشد و دین هم دین عموم مردم باشد، دولت تابع جریان تحول جامعه است و با آن تغییر می کند. اگر فرض کنیم دولت می تواند در خدمت دین قرار گیرد، پس دین می باید مجموعه ای از حقوق باشد و بدین سان دین حقوقمدار دینی است که عمل اش عمل به حق و رشد انسان باشد. بنا براین جای چنین دینی نه در دولت که در دل انسانهای آزاد است. در غیر اینصورت هر دولت دینی سرانجام دین دولتی میشود که هم دولت را فاسد می کند و هم دین را، پس دولت دینی محال است. چون دین باور است و انسان یا آترا قبول می کند یا رد، ولی دولت یک سازمان اجتماعی است که جهت سازماندهی انسان اجتماعی و امور جامعه بکار می رود، پس سازمان اجتماعی که متعلق به عموم مردم است نمی تواند دین یا مرامی را بپذیرد؛ در صورت وقوع چنین امری دولت از محتوای خود خارج شده و مبدل به ابزار قدرت اقلیتی میشود که این قدرت قطعاً استبدادی است و این استبداد حتماً فراگیر میشود. و بقول آن تورن جامعه شناس فرانسوی دولت سکولار هم اگر مرام و دینی را با خود حمل کند حتماً آن دولت مبدل به دولت استبدادی میشود. صدام هم مدعی بود دولت اش سکولار است ولی مرام یعنی داشت و دولت او دولتی استبدادی بود. همین امروز بشار اسد و فیدل کاسترو و دهها دولت استبدادی موجود مدعی هستند سکولارند ولی دولت شان استبدادی اند. آقای سروش حتماً تصور کرده اید اگر بگوئید سکولار هستید و قید دموکراسی به حکومت دینی خود اضافه کنید مسئله حل شده است. هموطن محترم این همه مثال آورم تا بگویم تنوری دولت شما تنوری دولت استبدادی است و پدرستی خانم فرزانه بذریور هوشیارانه در سوال سومش (۱۲) از شما می پرسد " دموکراسی دینی" تکرار تجربه استبداد دینی نیست؟ چون ایشان بخوبی دیده اند که دیکتاتورکره شمالی هم به نظام خود می گوید جمهوری دموکراتیک خلق کره، و آلمان شرقی هم نام خود را جمهوری دموکراتیک آلمان گذاشته بود. در جهان هیچ مستبیدی نیست که بگوید من ضد دموکراسی هستم.

در مقاله ام بنام " اطاق فکر جنبش سبز و نظام رو به موت " (۱۳) گفته بودم شما جمهوری اسلامی می خواهید بدون خامنه ای. صحت آن گفتار در این گفتگویتان روشن شد. آری شما حکومت دینی می خواهید و عمق تفکرتان در پاسخ به سوال چهار مشخص و معین میشود؛ باضافه برای همه هم تعیین تکلیف می کنید و می خواهید دینداران به قدرت برسند. چرا معلوم نیست؟! به گفتگویتان با خانم فرزانه بذریور رجوع می کنیم. در پاسخ سوال چهارم می گوئید « دموکراسی دینی هیچ تفاوتی با دموکراسی ندارد و تنها چون مسئولیتش بر عهده دینداران است می تواند نامش دموکراسی دینی باشد. در یک دموکراسی دینی حداکثر سعی میشود قانونی که منافات با قوانین قطعی دینی دارد به تصویب نرسد، این





## آقای سروش، سکولار..

قوانین قطعی و ضروری در اسلام هم بسیار محدود هستند. «آقای سروش این تکرار جمهوری اسلامی است نه یک کلمه کمتر نه یک کلمه بیشتر همین حرف شما را خمینی، خامنه ای، جنتی و همه سردمداران نظام خونخوار فقهاتی ۳۱ سال است می زنند. و ۳۱ سال است این جماعت می گویند قانونی درست است که با قوانین قطعی اسلام منافات نداشته باشد. پس بی جهت نیست که در بیانیه ۵ تن در مورد مطالبات حداقلی جنبش سبز، شما ۵ نفر ( آقایان سروش، مهاجرانی، کدیور، عبدالعلی بازرگان و گنجی) با آزادیهای موافقتی که در بند ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است. شما همگی بهتر از من می دانید قانون اساسی جمهوری اسلامی مملو از آزادی حقوق، مردم، آزادی احزاب و آزادی اجتماعات و آزادی فلان و بهمان اما اینها نباید منافات با قوانین اسلام باشد.

پس از جست و جویها و رنج دراز رسیدیم آنجا که بودیم باز آقای سروش هموطن محترم مسنولان دینی چه کسانی هستند که باید فردا در دمکراسی دینی شما قدرت را بدست گیرند؟ روحانیت عمدتاً و بخش وسیعی از روشنفکران دینی که امتحان خود را پس داده اند و در استقرار ولایت ضد انسانی فقیه در ایران بعد از انقلاب ۵۷ تا اواخر دهه ۱۳۷۰ و برخی حتی تا قبل از روی برآمدن احمدی نژاد از هیچ خدمتی برای حفظ چنین نظام ننگینی دریغ نکرده اند و عمدتاً همدست همین اسولگرایان حاکم در سرکوب و چپاول مردم نقش ایفا کرده اند (در مقاله ای جداگانه که در دست تهیه دارم با ذکر نام، اقدامات تمامی آنان را با حفظ سمت معرفی خواهم کرد).

شاید منظورتان خودتان باشد چرا که نه؛ در اینصورت شما قصد دارید دمکراسی دینی بوجود آورید و بجای آقای خامنه ای شما و همفکرانتان به قدرت برسید. هموطن محترم اگر خدای نکرده چنین فکری دارید از این فکر بیرون بیاید چون همانطور که در بالا گفتم با هر نیتی که حتی خالصانه و عاشقانه باشد، دمکراسی دینی شما راهی جز رسیدن به استبداد نخواهد داشت و در این راه شما قدرتی را حاکم می کنید که فردایش شما میشود بنده قدرت و نه آقای سروش اندیش ورز و دمکراتی که امروز یک هموطنش بدون تعارف و با لحنی برنده ولی صمیمانه با او در حال گفتگو است.

آقای سروش در سنوال ۶ راجع به رفتارند شما پاسخ می دهید « جایگاه ولایت فقیه و اختیارات آن باید مورد سنوال قرار گیرد». شما در ابتدای پاسخ سنوال ۷ می گویند که «تنوری ولایت فقیه، عین استبداد دینی است». شما در نامه تان به آقای خامنه ای نوید دادید که به زودی ما شاهد جشن فریادش استبداد دینی خواهیم بود. حال چگونه است بعد از ۵ ماه از نوشتن آن نامه اعلام برانگیز کرد و از گفتار چند ماهه اخیرتان عقب نشینی می کنید و خواستار این هستید که جایگاه رهبر استبداد دینی معین شود واقعاً خسته نباشید. مردم ایران کشته دادند، زندانی شدند، مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند، دانشجویان شان در خوابگاه در نیمه شب مورد حمله وحشیانه قرار گرفتند و هر روز شکنجه و سرکوب میشوند و جنبشی به آن عظمت به راه انداختند و جهان را در حیرت و تحسین برانگیختند که اختیار رهبر مافیاهای نظامی - مالی معین شود. باور بفرمانید اگر همه اپوزیسیون ولایت فقیه مثل شما فکر کنند مطمئن باشید ۱۹ سال دیگر آقای خامنه ای یا مصباح یزدی بعنوان رهبر جمهوری اسلامی پنجاهمین سالگرد انقلاب ۵۷ را جشن خواهند گرفت. اما من به مردمی امید دارم که با شعار مرگ بر خامنه ای و مرگ بر اصل ولایت فقیه جایگاه و اختیارات او را مورد سنوال قرار دادند و دیگر به رفتارند مورد نظر شما احتیاجی نیست. آقای سروش اکنون

من بجای خاتم فرزانه بذریور از شما سنوال دارم. چرا شما از کلی گویی فرا نمی روید و بطور مشخص و معین از حاکمیت مردم بر سرنوشته خویش و حقوق ذاتی آنان حرف نمی زنید؟ چرا وقتی از مطالبات مردم حرف می زنید هیچگاه نمی گویند بدون استقرار حاکمیت مردم رسیدن به این خواستها غیر ممکن است؟ سنوال آخر و مهم اینست چرا عمدتاً و اساساً شما به مردم نمی گویند حاکمیت، حق آنها است و بکار بردن این حق، وظیفه آنها است؟ آخر تا کی باید فلسفیدن؟

آقای سروش بجای اینکه فکر کنید دین چگونه جان سلام بدر برد لطف کرده و فکر کنید و زحمت بشکشد بگویند مردم چگونه باید جان سالم از چنگال خون آشامی چون نظام ولایت فقیه بدر برند. آقای سروش دین مورد نظر شما یا با حقوق بشر و آزادی سازگار است که باید آنرا اظهار کند در این صورت دلیلی ندارد پسوند دمکراسی شود زیرا دمکراسی خود حافظ آزادی است. یا دین شما با حقوق بشر و آزادی سازگار نیست پس باید خود را با حقوق بشر و آزادی تطبیق دهد و از این طریق با مردم آشتی کند. در صورتیکه دین شما با آزادی سازگار نیست باز هم دلیلی ندارد پسوند دمکراسی شود. زیرا در آنصورت دین دمکراسی را در خدمت قدرت قرار می دهد و اسباب سرکوب مردم میشود همان دین خشونت طلبی میشود که آقای خمینی و خامنه ای از آن برای مکیدن خون مردم استفاده کرده اند و می کنند. آقای سروش بجای اینکه تلاش نمایند دمکراسی را دینی کنید و سکولاریسم را تقسیم به دو نمائید تا جنگ حیدری و نعمتی براه بیاندازید کوشش بفرمایید دین خود را از چنگال دکانداران دین فروش نجات دهید و ثابت کنید دین شما دین مهر و محبت و رفت است و با حقوق انسانها و آزادی در تطابق است. در این صورت دینی که در خدمت آزادی و نه قدرت قرار گیرد دلیلی ندارد بیک این اندیشه و آن اندیشه شود. سرافراز و پیروز باشید

Fa\_rastgou@yahoo.com

news.goova.com (1)

(2)

<http://creationproject.wordpress.com/2008/01/11/philosophical-secularism-vs-political-secularism>

Wilfred Mc Clay (3)

(4) لانیسته چیست؟ از شیدان وثیق

(5) لانیسته چیست؟ از شیدان وثیق

(6) دین و دنیای جدید در " سنت و سکولاریسم" از سروش و معنا و مبنای سکولاریسم از سروش کیان شماره ۲۶

Diana Eck (۷)

(۸)

<http://pewresearch.org/pubs/681/religion-and-secularism-the-american-experience>

(۹) دمکراسی پارلمانی لیبرال از پرویز دستمالچی

(۱۰) درسهای دمکراسی برای همه از حسین بشیریه

(۱۱) عدالت اجتماعی از ابوالحسن بنی صدر: برای اطلاع بیشتر در باره انواع روابط دولت و دین و نتایج منفی چنین ترکیبی به این کتاب مراجعه نمایند

(۱۲) «واژگان "جمهوری" و "دمکراسی" در توصیف نظام سیاسی و حکومت مردم بر مردم به کار می رود، آیا تلفیق مذهب و دین با سیاست و حکومت و ساخت وازه های ترکیبی چون "جمهوری اسلامی" و "دمکراسی دینی" تکرار تجربه استبداد دینی نیست؟

(۱۳) <http://www.asrc-nou.net/php/view.php?objnr=7798>

## قتل به اتهام جرمی ساختگی

ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی در مورد مقتولین قابل استناد و اجرا نمیباشد

ماده فوق الذکر مقرر میدارد که «هرگروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند، مادام که مرکزیت آنها باقی است، تمام اعضا و هواداران آن که موضع آن گروه و جمعیت یا سازمان را میدانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش موثر دارند محاربتند اگر چه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند».

مقدمتاً لازم به تذکر است که بر اساس فقه اسلامی، مقوله «محاربه» برای دزدان و راهزنان مسلح که بر علیه مردم (و نه حکومت) دست به رعب و وحشت میزنند پیش بینی شده است و ربطی به مخالفان سیاسی حکومت، ولو مخالفینی که دست به اسلحه میبرند، ندارد. از این منظر، ماده مذکور مطابق موازین اسلامی نیست. صرفنظر از این ایراد اساسی، برای اینکه بتوان فردی را به استناد این ماده به اتهام محاربه مورد تعقیب و محاکمه و احیاناً مجازات قرار داد، شرایطی وجود دارد. در صورتی که یکی از این شرایط، فراهم نباشد، اتهام محاربه واهی تلقی خواهد شد.

این شرایط عبارتند از اول: وجود گروه یا جمعیتی متشکل؛ دوم: این گروه یا جمعیت متشکل باید در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه نماید؛ سوم: مرکزیت گروه یا جمعیت باید باقی باشد؛ چهارم: باید موضع آن گروه یا سازمان بر عضوی که تحت تعقیب است متمرکز باشد؛ پنجم: عضو مورد تعقیب قضائی باید در پیشبرد اهداف آن گروه متشکل فعالیت و تلاش موثری داشته باشد.

هر جمعیتی یا گروهی را نمیتوان متشکل نامید، یک گروه متشکل دارای اساسنامه، اهداف و برنامه معین و از پیش تعیین شده است. یک گروه متشکل همچنین دارای انواع و اقسام امکانات اعم از مالی، رسانه ای، تسلیحاتی، لوژیستیک و انسانی است. یک چنین گروهی دارای شبکه های مختلف در داخل و یا خارج از کشور نیز میباشد. حال سوال این است که آیا میتوان گروه «تندر» و یا «انجمن پادشاهی» را یک گروه و جمعیت متشکل نامید؟ البته که نه! وجود خارجی این گروه نه تنها بر مردم که بلکه حتی بر بسیاری از گروههای شناخته شده سیاسی در هاله ای از ابهام قرار دارد.

با این حال، اگر فرضاً جواب ما به سوال بالا مثبت باشد، سوال بعدی این است که این دو گروه بطور مشخص و معین در کجا و چگونه دست به قیام مسلحانه زده اند؟ قیام مسلحانه به هر حرکت مسلحانه ای اطلاق نمیشود، اگر چنین میبود، قانونگذار بجای استفاده از کلمه «قیام» از عبارتهای کلی تر مانند «اقدام» و یا «عمل» مسلحانه استفاده میکرد. «قیام مسلحانه» به جنبشی اطلاق میشود که توانایی واژگون کردن یک نظام حکومتی را بالقوه در درون خود به همراه دارد.

وگرنه یک عمل انفجاری در این یا آن نقطه کشور البته جرم است اما ربطی به محاربه ندارد. بفرض اینکه انفجاری هم در امامزاده زید و یا امامزاده عمرو رخ میداد، کجای چنین عملیات پراکنده و ایزوله ای میتوانست موجودیت و کلیت نظام را مورد تهدید و مخاطره قرار دهد؟ این چه قیام مسلحانه ای است که بجز معدودی از مقامات و عناصر امنیتی، احدی از وجود آن بی خبر است؟ حتی گفته میشود که این گروه اصولاً وجود خارجی نداشته و یک دام امنیتی بیش نیست!

بر فرض که قیام مسلحانه را هم بپذیریم، این قیام در برابر «حکومت» اسلامی نیست، در برابر «جمهوری» اسلامی است. در اینجا و برخلاف ظاهر منظور ما بازی با کلمات نیست. یکی از اصول اساسی حقوق کیفری عبارت است از اصل تفسیر مضیق.

بر اساس این اصل، در قوانین کیفری، قاضی یا دادگاه اجازه ندارد معانی عباراتی را که در قانون جزا از آن استفاده شده است خارج از معنی و مفهوم دقیق آن بکار گیرد. و حتی موظف است آن قانون را طوری بکار ببرد که شامل حداقل افراد ممکن بشود و دایره آن را تا میتواند تنگ و کوچک بگیرد. بدین ترتیب ارانه تفسیری عمومی و ورای آنچه که مفهوم دقیق و روشن کلمات و عبارات باشد وجهه حقوقی و قانونی و به طریق اولی شرعی ندارد. حقوق جزا قاعدتاً تفسیر بردار نیست. بر اساس این اصل و از آنجائی که معنای «حکومت» اسلامی با معنای «جمهوری» اسلامی متفاوت است، هیچ قاضی و هیچ دادگاهی حق ندارد «قیام مسلحانه» در برابر «حکومت اسلامی» را مترادف با «قیام مسلحانه» در برابر «جمهوری اسلامی» بداند.

تلاش برای تبدیل «جمهوری» اسلامی به «حکومت» اسلامی سالیان دراز است که از طرف برخی از تنورسین های مذهبی که نقشی نیز در به ثمر رسیدن انقلاب نداشته اند به شدت دنبال میشود. این تلاش تا به امروز به نتیجه مورد نظر معهود آقایان مدافع آن نرسیده است. در نتیجه تا زمانی که «جمهوری اسلامی» تبدیل به «حکومت اسلامی» نشود، و یا تا زمانی که قانونگذار عبارت فوق را اصلاح ننماید، امکان تعقیب افراد به استناد اصل ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی نه توجیه قانونی دارد و نه توجیه شرعی. بعلاوه یکی دیگر از شرایط اجرای اصل فوق الذکر اینست که مرکزیت گروه متشکل از بین نرفته باشد. بر اساس داده های که در دسترس عموم قرار دارد، مرکزیت این گروه برعهده فردی به نام مستعار فرود فولادوند بوده است. این فرد مدت زیادی است که از صحنه روزگار ناپدید شده است. به عبارت دیگر «مرکزیت» این گروه باقی نیست. از آنجائی که این «مرکزیت» و رهبری معهود شده است، یکی از شرایط اجرای اصل ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی نیز فراهم نیست و در نتیجه قانونا نمیتوان این اصل را در مورد آقای رحمانی پور و علی زمانی بمورد اجرا گذاشت. از این زاویه نیز، هم دادگاه بدوی و هم دادگاه تجدید نظر احکامی صادر کرده اند که توجیه قانونی ندارد و در نتیجه میتوان ادعا نمود که این دو جوان از طرف مقامات قضائی کشور به قتل رسیده اند.

بالاخره آنکه افرادی را میتوان به جرم محاربه مورد تعقیب و احیاناً مجازات قرار داد که در راه پیشبرد اهداف سازمانی شان «فعالیت و تلاش موثری» داشته باشند. ما در بالا نشان دادیم که اصولاً دو جوان مقتول مرتکب جرم محاربه نشده اند و بعلاوه هیچکدام از استنادات مورد اشاره احکام آن دو را نمیتوان به عنوان فعالیت و تلاش موثر برای پیشبرد اهداف سازمانی بشمار آورد. در نتیجه جای هیچ گونه تردیدی نیست که اصل ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی درباره نامبردگان قابلیت اجرا ندارد.

ماده ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی نیز در مورد مقتولین قابل اجرا نیست

این ماده مقرر میدارد که «هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار امکانات مالی موثر و یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند محارب و مفسد فی الارض میباشند».

به اختصار چند نکته را در مورد این ماده گوشزد مینمایم. اول آنکه انشای این ماده دارای ایراد است زیرا که بین «فرد» و «گروه» فرقی قائل نمی شود و هر دو را محارب و مفسد فی الارض بشمار میآورد در حالی که گروه محارب و مفسد فی الارض از لحاظ مجازاتی که قانون برای این جرم در نظر میگیرد معنی نمیدهد.

یادآور میشویم که مجازاتی که قانون مجازات اسلامی برای محارب و مفسد فی الارض در نظر گرفته عبارت است از اعدام، قطع دست و پا و یا تبعید! حال سوال ما اینست که اگر ثابت شد که

گروهی محارب و مفسد فی الارض است، مجازات آن گروه چیست؟ گروه را، به عنوان یک فرد حقوقی، نه میتوان اعدام کرد، نه دست و پایی دارد که بتوان آنها را قطع نمود و نه تبعید کردنش معنی دارد. در نتیجه هیچیک از مجازاتهای پیش بینی شده در قانون برای گروه محارب (به عنوان فرد حقوقی) قابلیت اجرایی ندارند. لذا در این مورد معین، این ماده بر خلاف ماده پیشین دارای متن غلطی دارد.

دوم آنکه فرض کنیم که آقایان رحمانی پور و علی زمانی حقیقتاً در فکر براندازی بوده اند و همچنانکه مقامات دادگاه ابراز میدارند، وارد فاز مقدماتی اجرای جرم نیز شده و در این راستا مواد منفجره و اسلحه هم تهیه کرده باشند. آنگاه فرض کنیم وارد فاز عملیاتی نیز شده اند. حال سوالی که مطرح است اینست که آیا ماده ۱۸۷ درباره آنها صدق میکند یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا کفایت که کسی طرح براندازی را در ذهن بپروراند و قدری مواد منفجره و اسلحه تهیه نماید و سپس عملیات خود را آغاز کند تا دادگاهها او را به جرم محاربه و فساد فی الارض اعدام نمایند؟

پاسخ دقیق به این سوال به این امر بستگی دارد که آیا طرح نظر آنها بالقوه میتواند یک «حکومت اسلامی» را براندازد یا خیر؟ اگر آن طرح قابلیت براندازی را داشته باشد، اصل ۱۸۷ نیز قابلیت اجرا پیدا میکند، اما اگر این طرح بالقوه قابلیت براندازی را نداشته باشد، اصل ۱۸۷ نیز خود بخود قابل استناد نخواهد بود.

برای روشن شدن این استدلال مثالی ساده بزنیم: اگر کسی قصد قتل دیگری را از طریق مسمومیت داشته باشد و برای اینکار یک لیوان گل گاوزبان بسیار بسیار غلیظ به او بخوراند به این تصور که با این کار آن فرد مسموم شده و خواهد مرد. یا فردی قصد کشتن کسی را دارد و میخواهد قصد خود را با اسلحه ای که فشنگ پلاستیکی دارد اجرا نماید. آیا میتوان این یا آن فرد را به جرم تلاش برای قتل (از طریق مسمومیت یا بوسله فشنگ پلاستیکی) مورد تعقیب قرار داد؟ پاسخ به این سوال منفی است، زیرا که گل گاوزبان ولو خیلی غلیظ، همچون فشنگ پلاستیکی، قابلیت کشتن آدم را ندارد، در نتیجه تصور فرد مبنی بر اینکه میتواند قربانی خود را به قتل برساند، تصور غلطی بوده است زیرا که «سلاح» مورد استفاده اش قابلیت کشتن آدم را ندارد.

حال اگر فردی در خیال خودش طرح بریزد و تصور کند که اجرای آن طرح منجر به براندازی میشود و مواد منفجره و اسلحه هم تدارک ببیند، اما طرح او عبارت باشد از انفجار در حسینیه فلان شهرستان یا بهمان شهر و یا حتی پایتخت (ایراد دادگاه به آقای رحمانی پور و علی زمانی این بوده که میخواسته اند در امامزاده زید و امامزاده علی اکبر و حسینیه ارشاد و مسجد النبی یبم بگذارند). حال فرض کنیم که آنها قصد خود را جزم کرده و سپس مقدمات طرح را هم فراهم آورده و حتی وارد فاز عملیاتی جرم خود شده اند (ما در بخش اول ثابت کردیم که از لحاظ حقوقی آنها وارد فاز عملیاتی جرم خود نشده بودند)، در این صورت آیا میتوان ماده ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی را بر آنها جاری نمود؟

پاسخ ما بدون تردید منفی است. به این دلیل ساده که این اقدامات قادر به براندازی هیچ حکومتی نمی باشند. نتیجه آنکه در فرضیه بالا، البته میتوان مجرم را مورد تعقیب قانونی قرار داد ولی نه به استناد ماده ۱۸۷.

بعلاوه ایرادات دیگری نیز که در بررسی ماده ۱۸۶ آوریدیم (حکومت اسلامی و نه جمهوری اسلامی) در مورد این ماده نیز وارد میباشند که از تکرار آن اجتناب مینمایم. دلایل دیگری نیز برای اثبات غیر قانونی بودن احکام این دو مقتول و چگونگی اجرای آن وجود دارد که ما برای طولانی نشدن مطلب به موارد مهم فوق بسنده میکنیم.

در نهایت میتوان ادعا نمود که مقامات قضائی، که علی القاعده به تمامی موارد اشاره شده در بالا آگاهی و تسلط کامل دارند، در مورد این دو جوان چه بسا مرتکب قتل عمد شده اند و از این جهت قابل پیگرد قانونی میباشند.





ادعای دولت در کم شدن میزان وابستگی بودجه به نفت تا چه حد صحت دارد؟ و مگر قرار نبود در پایان برنامه چهارم توسعه میزان وابستگی به نفت به صفر و اعتبارات هزینه‌ای به طور کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیر نفتی تأمین شود؟ و اصولاً آیا امکان اتخاذ سیاستی که به عدم وابستگی به نفت شود در کشور ما وجود دارد؟!\*

این شماره را به مساله بودجه و نفت اختصاص می‌دهم و در شماره سوم به سایر مساله بودجه از قبیل فرق حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی و وظایف آنو نیز بودجه شرکت‌های دولتی و میزان واردات و صادرات و وضعیت عمومی صنعت و کشاورزی ایران در پرتو بودجه ۸۹ می‌پردازم

\*سهم بودجه از نفت

قبل از پرداختن به میزان وابستگی لایحه بودجه ۸۹ به نفت، خاطر نشان خوانندگان محترم می‌سازم که کل بودجه در دولت‌های نظام ولایت فقیه در واقع رانت است. استبداد حاکم، با استفاده از قدرتی که دارد، ثروت طبیعی کشور (نفت و گاز و...) را به اقتصاد مسلط می‌فروشد. ارز آن را نیز با استفاده از همان قدرت، به بهائی که فرآورده رانت خواری است، می‌فروشد و از آنجا که بودجه برداشت از اقتصاد ملی خصوصاً تولید ملی نیست، چشم پوشیدن از رانته‌ها به معنای نبود بودجه است. در اکثر کشورهای جهان درآمدهای دولتها عمدتاً به درآمدهای مالیاتی منحصر می‌شود. اما در کشورهایی که از طریقی به درآمدهای تولید و صادرات منابع طبیعی وابسته اند، علاوه بر درآمدهای مالیاتی، بودجه تحت تأثیر درآمدهای صادرات منابع طبیعی نیز قرار می‌گیرد. این امر در دولتهای وابسته و استبدادی به شدت رواج دارد.

در ایران نیز طی نیم قرن گذشته، به جز در دو مقطع یکی در دوران شادروان دکتر محمد مصدق در اداره پر افتخار کشور بدون نیاز به حتی ریالی پول نفت و یکی در دوران آقای بنی صدر درآمدهای بودجه کشور بسیار به نفت وابسته بوده است. در بعد از انقلاب در دوران آقای بنی صدر با وجود اینکه دولتش درگیر مساله تجاوزه عراق به میهن بود، شاهد تغییر ترکیب بودجه و کاهش هزینه‌های اداری و افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و نیز کوشش موفق در کاهش میزان واردات و تغییر ترکیب آن بسود واردات کالاهای سرمایه‌ای، همچنین کاهش چشمگیر فاصله درآمد میان شهرنشینان و روستا نشینان و افزایش قیمت‌های محصولات کشاورزی، همچنین تغییر موفق الگوی مصرف خصوصاً در بخش دولتی و کاهش حقوق‌های بالا و افزایش حقوقهای حقوق بگیران جزء و کاهش نسبت پایین ترین حقوق به بالاترین حقوق به میزان یک پنجم در مرتبه اول و در مرتبه دوم ادامه این کاهش و افزایش حداقل دستمزد های کارگران به بیش از سه برابر و بخشیدن قرصه دهقانان به نظام بانکی و حذف بهره وامهای کشاورزی و وامهای کوچک صنعتی و نیز برای اولین بار شاهد تغییر نسبت درآمد و هزینه های خانوارها به نفع افزایش درآمدهای خانوارها بودیم. همچنین اعطای وام مسکن در آن زمان به قیمت ۴۰۰ هزار تومان با وام ۴ درصد هزینه بانکی، که منجر به خانه دار شدن خیل عظیمی شد که این طرح به خانه های بنی صدری معروف

بودجه ۸۹ آئینه قصد نظام در شکستن مقاومت ایران-۲

کودتا گویای قصد نظام ولایت فقیه برای از بین بردن تنمه های تولید صنعتی و کشاورزی ایران و شکستن مقاومت اقتصادی ایران در برابر تهدیدها و تحریمهای اقتصادی است که در جای خود ( شماره آینده ) بدان می‌پردازم.

اما برای اینکه اشکال وابستگی بودجه به نفت را مشخص کنیم، خاطر نشان می‌سازم که دولتها برای رد گم کردن، اغلب در آمد حاصل از صادرات مستقیم نفت رانته‌ها رقم وابستگی بودجه به نفت محسوب می‌دارند. اما در واقع امر در بودجه میتوان رد پای وابستگی به نفت را در چند شکل مختلف دنبال کرد:

- ۱- رقم مستقیم در آمد حاصل از صادرات نفت
- ۲- مالیات بر عملکرد نفت به طور حتم باید از فروش نفت حاصل شود چون وزارتخانه نفت غیر از نفت و مشتقات نفتی محصول دیگری برای فروش ندارد که بخواهند از آن مالیات بگیرند.
- ۳- سود سهام شرکت نفت هم یکی دیگر از مواردی است که به نوعی به ارز حاصله از نفت ارتباط می‌یابد.
- ۴- حساب ذخیره درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت ( که در لایحه بودجه سال ۸۹ به صندوق توسعه ملی تغییر نام داده است)
- ۵- معاوضه نفت با واردات بنزین.

۶- در آمد صادراتی که مستقیم به نفت و مشتقات آن مربوط است (صادرات پتروشیمی، کشورهای که خود دارای منابع نفتی نیستند مواد اولیه صنایع پتروشیمی را خریداری و وارد می‌کنند اما ایران که خود دارای منابع نفتی است صادرات پتروشیمی اش نیز مستقیم به نفت مخازن وابسته است)

۷- بخشی از درآمدهای مالیاتی، که بخش اعظم آنها بطور غیر مستقیم باز به نفت متکی و وابسته است از قبیل عوارض گمرکی از واردات کالاها و خدماتی که به خاطر فروش نفت حاصل شده است.

۸- بخشی از در آمد مالیات بر شرکتها بعنوان مالیات غیر مستقیم نیز متأثر از درآمد نفت است و بسیاری از شرکت‌های خصوصی و دولتی بر اثر رشد درآمد نفت است که افزایش درآمد و سود داشته اند و بالتبع پرداخت مالیات بیشتر آنها نیز به نفت وابسته است.

۹- مالیات حاصل از حقوق کارکنان دولت که دولت آن حقوق را به واسطه درآمد نفت توان پرداخت را دارد.

۱۰- مالیات حاصل از بخشی از فعالیتهای خدمات مردم که به مستقیم و غیر مستقیم به نفت وابسته است.

۱۱- اعتبارات بانکی که غیر مستقیم به نفت وابسته است و نیز وامهایی که دولت از سیستم بانکی داخلی و نیز از کشورهای خارجی می‌گیرد در واقع امر تنها به اعتبار نفت میسر است

۱۲- در لایحه بودجه سال ۸۹ نیز دولت حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان مستقیم از قبل آزاد سازی قیمت حاملهای انرژی برای خود در نظر گرفته است

۱۳- مواردی چون سرمایه گذاری های انجام شده در میادین (گازی و قراردادهای بیع متقابل) و واردات بنزین از جمله موضوعاتی است که به نفتی ایران روزانه دو میلیون و ۳۰۰

نوعی با ارز حاصله از نفت در ارتباط است  
۱۴- ...

بدین سان ملاحظه میشود که اقتصاد ایران خصوصاً بودجه تا به چه درجه به نفت آلوده است!

وابستگی به نفت را از طریق مقایسه منابع و مصارف بودجه دولت احمدی نژاد از ۸۵ تا ۸۷ نیز میتوان با اعداد و ارقام مشخص کرد. در واقع در قسمت منابع حاصل از واگذاری دارایی های سرمایه ای، سهم «منابع حاصل از نفت و فرآورده های نفتی» در بودجه های سنواتی سال های ۱۳۸۵، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ به ترتیب معادل ۹۸ درصد، ۹۸/۴ درصد و ۹۸/۵ درصد و در قسمت منابع حاصل از واگذاری دارایی های مالی، سهم «منابع حاصل از استفاده از موجودی صندوق ذخیره ارزی» در بودجه های سنواتی سال های ۱۳۸۵، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ به ترتیب معادل ۸۲ درصد، ۵۲/۵ درصد و ۷۲ درصد بوده است

به علت عدم ارائه ارقام مصوب بودجه سال جاری و عملکرد بودجه سال گذشته توسط دولت به مجلس، امکان ارزیابی و تطبیق بودجه ۱۳۸۸ با بودجه سال ۸۷ وجود ندارد( امری که تا کنون بی سابقه بوده است که مجلس بدون در دسترس داشتن ارقام عملکرد بودجه سل قبل به تصویب بودجه سال بعد می‌پردازد!)

توجه هموطن و پرسشگر گرامی آقای کامبیز...خ را جلب میکنم که بله حق با شماست بر اساس قانون برنامه چهارم توسعه که امسال سال پایانی آن است، دولت مکلف بوده است سهم اعتبارات هزینه‌ای تأمین شده از محل درآمدهای غیر نفتی را به گونه ای افزایش دهد که تا پایان این برنامه( امسال)، اعتبارات هزینه‌ای به طور کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیر نفتی تأمین شود و تأمین کسری بودجه از طریق استقرار از بانک مرکزی و سیستم بانکی ممنوع می‌باشد، اما با نگاهی به بودجه سالهای مذکور، نقش اندک تأمین درآمدهای مالیاتی ( که این مبالغ خود نیز به شدت به نفت وابستگی دارد، به لحاظ درج مالیات عملکرد نفت، عوارض گمرکی از واردات کالاها و خدماتی که به خاطر فروش نفت حاصل شده است و...) در تأمین هزینه‌های دولت و بر عکس به درآمدهای حاصل از فروش نفت را آشکار است. بررسی و مقایسه ارقام درآمدی منابع بودجه سالهای ۸۵ تا ۸۷ نشان می‌دهد که: سهم درآمدهای مالیاتی کشور از کل درآمدها از ۲۲/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۳۰ درصد در سال ۱۳۸۷ کاهش یافته است؛ در حالی که مالیات عملکرد نفت با بیش از ۴۰ درصد رشد از ۲۶۱۳ میلیارد تومان در سال ۱۳۸۵ به بیش از ۳۶۷۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۸۷ بالغ گردیده است. و این روند صعودی مالیات بر عملکرد نفت در لایحه بودجه سال ۸۹ نیز دیده میشود چرا که در این لایحه مالیات بر عملکرد نفت ۶ هزار و ۵۵۹ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است یعنی افزایشی معادل ۷۷.۵ درصد پیش بینی شده است!

در واقع بخش آشکار سهم نفت را در بودجه ۸۹ میتوان بدینسان حساب کرد: در شرایط عادی، میزان صادرات نفتی ایران روزانه دو میلیون و ۳۰۰

هزار بشکه است. درآمد حاصل از صادرات نفت خام را میتوان بدینسان حساب نمود:

استفاده از درآمد حاصل از صادرات نفت خام  
میزان صادرات = ۲۰۳۵۰۰۰۰۰ بشکه در روز

قیمت فروش = ۶۵ دلار برای هر بشکه

جمع ارز حاصل از فروش = ۵۵.۷۵۳ میلیون دلار = ۶۵ دلار × ۳۴۵ روز × ۲۰۳۵۰۰۰۰

واریز دولت به صندوق توسعه ملی (معادل ۲۰٪) برابر ۱۱.۱۵۳۱ میلیون دلار

(باقیمانده برای امور دولتی و سهم شرکت نفت) = ۴۴.۶۰۰ (واریز دولت به صندوق توسعه ملی) = ۱۱.۱۵۳ - (جمع ارز و در آمد حاصل از فروش نفت) = ۵۵.۷۵۳ میباشد. سهم شرکت نفت معادل ۳۰٪ ارزش تولید نفت است.

کل ارزش تولید = ۹۴.۹۰۰ = ۶۵ دلار × ۳۴۵ × ۴۰۰۰۰۰۰۰ بشکه نفت استخراج در کل سهم شرکت نفت = ۲۸.۴۷۰ دلار

سهم دولت (میلیون دلار) = ۱۶.۱۳۰ = ۲۸.۴۷۰ - ۴۴.۶۰۰

جای اطلاعات میعانات و گاز طبیعی در لایحه بودجه ۸۹ خالی است اما ندیمی مشاور معاون پارلمان احمدی نژاد عنوان کرده است که درآمد صادراتی از میعانات گازی در سال آینده بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار می‌باشد.

احتساب سهم واقعی در آمد مالیاتی( که به نفت وابسته نیست) در لایحه بودجه ۸۹

روزنامه سیاست روز در تاریخ ۱۱ بهمن ۸۸ نظر کارشناسان اقتصادی را در باره وابستگی بودجه به نفت و احتساب سهم در آمد واقعی دولت در سال آینده از مالیاتهای مستقیم را چنین درج کرده است: "بر اساس لایحه پیشنهادی دولت برای بودجه سال ۱۳۸۹، میزان درآمدهای مالیاتی دولت نسبت به سال ۸۸ با حدود ۹ هزار میلیارد تومان افزایش، به میزان ۳۰ درصد رشد خواهد کرد و معادل ۳۹ هزار میلیارد تومان پیشنهاد شده است. با این وجود سهم مالیات‌ها از بودجه جاری ۸۹ هزار میلیارد تومانی دولت تنها ۴۴ درصد و سهم مالیات‌های مستقیم از بودجه جاری حدود ۲۹ درصد خواهد بود.

براین اساس، درآمدهای مالیاتی به میزان ۳۳ درصد کل درآمدهای عمومی دولت است که معادل ۱۱۹ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده است. در صورتی که درآمدهای اختصاصی دستگاههای اجرایی را نیز اضافه کنیم مبلغ ۳۹ هزار میلیارد تومان درآمدهای مالیاتی معادل ۳۰ درصد مجموع درآمدهای عمومی و اختصاصی دولت به مبلغ ۱۲۹ هزار میلیارد تومان خواهد بود. این وضعیت نشان می‌دهد که با وجود هدف صفر کردن وابستگی بودجه جاری نفت در طول برنامه پنجم، به خاطر بزرگ شدن حجم بودجه، این هدف در سال اول برنامه با حداقل تحقق نیز مواجه نیست.

از آن جا که ضرورت گسترش پایه مالیاتی برای کاهش وابستگی درآمد دولت به نفت باید متکی بر افزایش مالیاتهای مستقیم باشد و درآمد مالیاتهای غیرمستقیم نیز به نوعی وابسته به نفت ارزیابی می‌شود، در نتیجه مجموع رقم مالیاتهای مستقیم دولت در سال ۸۹ معادل ۲۵ هزار و ۸۹۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود که شامل ۱۹ هزار و ۵۱۳ میلیارد تومان مالیات بر شرکتها، ۵۱۶۵ میلیارد تومان مالیات





بر درآمد و ۱۲۱۱ میلیارد تومان مالیات بر ثروت است. جمع مالیاتهای غیرمستقیم نیز معادل ۷۵۱۷ میلیارد تومان مالیات بر واردات و ۵۵۴۲ میلیارد تومان مالیات بر فروش کالاها و خدمات و جمعا به مبلغ ۱۳ هزار و ۶۰ میلیارد تومان خواهد بود.

بر این اساس مالیاتهای مستقیم معادل ۶۶ درصد کل مالیاتها و معادل ۲۲ درصد درآمدهای عمومی دولت، معادل ۲۰ درصد مجموع درآمدهای عمومی و اختصاصی دولت است و اگر ۳۰ هزار میلیارد تومان درآمد هدفمند کردن یارانهها در قالب بودجه شرکتهای دولتی را نیز به آن اضافه کنیم نسبت مالیاتهای مستقیم به کل درآمدهای دولت در سال آینده معادل ۱۶/۳ درصد خواهد بود و این وضعیت نشان دهنده وابستگی زیاد دولت به درآمد نفت و فروش داخلی و خارجی آن است.

همچنین، برخی کارشناسان با اشاره به رقم حدود ۶ هزار میلیارد تومان مالیات بر عملکرد شرکت نفت معتقدند که بخشی از درآمد مالیات بر شرکتها به عنوان مالیات مستقیم نیز متاثر از درآمد نفت است و بسیاری از شرکتهای خصوصی و دولتی تحت تاثیر رشد درآمد نفت با افزایش درآمد و سود و پرداخت مالیات بیشتر مواجه شده اند.

در صورتی که این موارد نیز مورد توجه باشد سهم خالص مالیاتهای مستقیم به درآمدهای ۱۵۹ هزار میلیارد تومانی دولت در سال آینده به حدود ۱۲ تا ۱۳ درصد کاهش خواهد یافت! بدیهی است که به جز درآمد مالیاتی که باعث باز توزیع درآمدها و امکانات می شود و تورم را نخواهد بود، هرگونه تامین مالی از طریق فروش ثروت ملی، استقراض از بانک مرکزی، فروش نفت و... آثار تورمی خواهد داشت و رشد پایه پولی، نقدینگی و تورم را دامن می زند و تا بهره وری نیروی کار، اشتغال و تولید ملی، رشد مالیات ها، افزایش امنیت سرمایه گذاری و رشد صادرات غیرنفتی و بعبارت دیگر ادغام نفت و مشتقات و ف آورده هایش در اقتصاد ملی صورت نپذیرد، وابستگی به نفت اقتصاد ما را به زانده اقتصاد های مسلط بدل میسازد.

برای روشن کردن نقش مخرب نظام ولایت فقیه و سیاستهای اقتصادی دولت کودتا نمونه ای از امکانات بالقوه استفاده از منابع طبیعی در اقتصاد ملی را ذکر میکنم تا محرز شد که تنها یک دولت مردم سالار و حقوقمند است که قادر است با اتخاذ سیاستهای موازنه منفی نفت و منابع طبیعی را در اقتصاد ملی ادغام سازد و حاصلش را نصیب نسل کنونی و نسلهای آینده سازد.

نگارنده که اخبار مربوط به نفت را در سطح جهانی خصوصا سیاستهای غارت آن را در کشورهای زیر سلطه دنبال میکند در سال ۱۳۸۴ به خبری در روزنامه انگلیسی ایندپندنت مواجه شدم که عنوان می کرد: با اجرای طرح آمریکا برای واگذاری طرح های توسعه نفتی عراق به شرکت های چند ملیتی آمریکایی و بریتانیایی در سال آینده، اگر قیمت هر بشکه نفت را ۴۰ دلار در نظر بگیریم و مدت قراردادهای نیز ۲۵ تا ۴۰ سال باشد، عراق حدود ۲۰۰ میلیارد دلار را از دست خواهد داد و بر فرض احتساب درآمدی بالغ بر ۱۵ میلیارد دلار از نفت عراق که آمریکا نصیب خود میکند، این مقدار نفت در بازار جهانی حدود ۲۵۰ میلیارد دلار ایجاد درآمد و اشتغال می

## بودجه ۸۹ آئینه قصد نظام در شکستن مقاومت ایران-۲

یکی دو مورد ختم نمیشود. من باب نمونه دو مورد را یاد آور میشوم. خبرآنلاین ۱ اسفند ۸۸ گزارش میدهد که: متوسط ضریب برداشت نفت ایران ۲۴ درصد است در حالیکه این رقم در بسیاری از کشورها حدود ۴۸ درصد و در نروژ ۶۵ درصد است. به گفته رئیس پژوهش و توسعه صنعت نفت و عضو علی البدل هیات مدیره شرکت ملی نفت ایران، این عدد در برخی از کشورها تا حدود ۴۸ درصد افزایش یافته و در مواردی، حتی کشورهای منطقه که دارای ذخایری نزدیک به ایران هستند توانسته اند این عدد را تا سطوح بالاتری افزایش دهند با محاسبه ضریب برداشت نفت حدود ۲۴ درصد و با در نظر گرفتن میزان ذخایر درجای نفت خام کشور حدود ۵۶۰ میلیارد بشکه ایران می تواند حدود ۱۳۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون بشکه نفت خود را استخراج کند در صورتیکه اگر از تکنولوژی های روز استفاده کنیم و ضریب بازیافت خود را به سطح ۴۸ درصد برسانیم ایران می تواند حدود ۲۶۸ میلیارد و ۸۰۰ میلیون بشکه نفت خود را استخراج کند

بر این اساس در حال حاضر با محاسبه فروش هر بشکه نفت ایران به نرخ ۶۵ دلار در واقع ایران با ضریب برداشت ۲۴ درصد قادر خواهد بود از محل فروش نفت خود حدود ۹ تریلیون دلار درآمد ایجاد کند. این در حالی است که در صورتیکه مسوولان نفتی بتوانند ضریب برداشت از مبادین نفتی خود را با استفاده از تکنولوژی های روز به ۴۸ درصد برسانند ۱۸ تریلیون دلار درآمد عاید کشور خواهد شد. بعبارت دیگر به علت بهره وری غلط و به دلیل وجود نداشتن تکنولوژی های روز چون تزریق میکروب که در برخی از کشورهای جهان مورد استفاده قرار گرفته است و تزریق نکردن به موقع گاز به مبادین ضریب برداشت از مبادین نفتی ایران بسیار پایین آمده است و با این حساب به میزان ۹ تریلیون دلار در آمد ملی نفتی ایران به هدر میرود. زحمتکش مدیرعامل شرکت پتروشیمی بین الملل در سمینار آموزشی خبرنگاران حوزه نفت در ۴ بهمن ۸۸ مشکل پتروشیمی را اینگونه تشریح میکنند (شانا ۴ بهمن ۸۸):

ایجاد اشتغال در صنعت پتروشیمی تا حد زیادی بسته به تکمیل این زنجیره دارد؛ به نحوی که برای تولید یک میلیون تن مواد پایه، برای ۵۰۰ نفر و برای تولید همین میزان محصولات میانی، برای ۲ هزار و ۲۰۰ نفر شغل ایجاد می شود؛ حال آن که برای تولید یک میلیون تن محصول نهایی، بیش از ۲۰۰ هزار نفر مشغول به کار می شوند؛ اهمیت توسعه این دسته از صنایع زمانی آشکارتر می شود که دریابیم در صنایع بالادستی پتروشیمی تنها ۱۰ نوع مواد خام، در صنایع پایه تنها ۲۰ نوع محصول (الفین ها، آروماتیک ها و ...) و در صنایع میانی تنها ۳۰۰ نوع محصول (انواع پلی اتیلن ها) تولید می شود؛ در حالی که صنایع پایین دستی، قابلیت تولید بیش از ۳۰ هزار نوع محصول نهایی (انواع پلاستیک ها، کودها، روغن ها، لوازم آرایشی و ...) را دارند باید برای تولید یک میلیون تن محصول پایه ۷۰۰ میلیون دلار و برای تولید همین میزان محصول میانی ۱/۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری شود، ولی رقم سرمایه گذاری برای تولید یک میلیون تن محصول نهایی ۵ میلیارد دلار برآورد شده است اگرچه سرمایه گذاری برای تولید محصولات

دید منحنی نگرش به نفت تنها به مثابه منبع در آمد بودجه، در تمامی دولتهای نظام ولایت فقیه به چشم میخورد و منحصر به دولت یکفایت احمدی نژاد نمیشود. فراموش نکنیم فردی همچون زنگنه وزیر ۴ ساله آخر دوره رفسنجانی و ۸ سال دوران اصلاحات - اختتامی به مدت ۱۲ سال خیال رساندن میزان تولید نفت به ۷ میلیون بشکه در سال را برای ایران در سر میپروانند! در واقع کوششی در ادغام نفت در صنعت داخلی ملاحظه نشد و بر عکس تلاش برای بستن قراردادهای غیر متعارف بیع متقابل برای صرفا استخراج نفت و بالا بردن صادرات نفت بصورت خام و رفع نیاز در آمدی دولتها هدف اول وزارت نفت واصل برین این دولتها بوده است و حتی اقدام مثبت برای اندازه حساب ذخیره ارزی در برنامه چهارم "توسعه" نیز که از مازاد درآمد نفت بهره میبرد، موجودیش صرف هزینه های جاری گردیدند. خود آن برنامه چهارم نیز که دچار تیر خلاص دولت احمدی نژاد گردید.

به گزارش روزنامه ابتکار در ۲۲ ادیبهشت ۸۸ علی محمد سعیدی "کارشناس نفت تاکید میکند: در دوران اصلاحات روش های پیشنهادی شرکت های سرمایه گذار نفتی سبب از دست رفتن نزدیک به ۱۰ میلیارد بشکه نفت از میدان های نفتی کشور شده که با قیمت حتی ۳۰ دلار برای هر بشکه، نزدیک به ۳۰۰ میلیارد دلار خسارت به مخازن نفتی وارد شده است. با وجود سخنان این کارشناس حوزه نفت، برخی دیگر از کارشناسان نفتی نیز معتقدند در دوره هشت ساله اصلاحات، با بزرگ نمایی مشکلات صنعت نفت و ناکارآمد جلوه دادن توانمندی های داخلی، موجب استقراض ۷۰ میلیارد دلاری کشور شدند. عدم احداث پالایشگاه و بی برنامهگی در مهار رشد مصرف بنزین طی سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ و اختصاص سالانه بیش از ۶ میلیارد دلار برای واردات آن، یکی از بزرگ ترین نقاط ضعف مدیریت کلان نفت در این دوره بشمار می آید. توقف و تخریب بعضی مبادین مهم نفتی، رشد مفساد مالی و رشوه دهی در بعضی قراردادهای، سیطره سیاسیون بر شرکت های فنی تخصصی نفت و گاز کشور از دیگر تبعات منفی مدیریت کارگزاران (که زنگنه عضو اشد این حزب بود) در صنعت نفت بوده است"

حال اگر در ایران نظامی مردم سالار و حقوقمدار مستقر بود که ضامن حقوق و منافع مردم بود، با اتخاذ سیاستهای بر مبنای موازنه منفی از نفت و گاز در جهت ادغام در اقتصاد ملی بهره میجست. اما از پانجا که سیاستهای مبتنی بر موازنه مثبت دولتهای نظام ولایت فقیه به نفت صرفا به عنوان منبع درآمد نگاه کرده و می کنند و کوششی در ادغام این موهبت طبیعی در اقتصاد ملی نکرده و نمی کنند، از موهب این نعمات طبیعی نیز مردم کشور و جهانی را محروم کرده و می کنند.

ضرباتی که نظام ولایت فقیه بر اثر بی کفایتی و حرص مافیای نظامی-مالی برای هر چه زودتر "نقد" کردن منابع طبیعی بر پیکر اقتصاد ایران با هدر دادن آن منابع وارد میاورند به

نماید. "پارسال نیز زمانی که بحث تحریم ایران در اروپا نیز بالا گرفته بود خانم مرکل صدر اعظم آلمان اظهار داشت: کل صادرات آلمان به ایران در سال ۲۰۰۶ حدود ۸/۳ میلیارد یورو و در سال ۲۰۰۷ به ۳/۲ میلیارد یورو کاهش یافت. و آلمان در قبال از ایران ۱۰۰ هزار فرصت شغلی را از دست میدهد" حال اگر این دو معیار فوق را در نظر بگیریم ایران تنها از قبل درآمد نفتی سال آینده توان و نیروی محرکه ای معادل ۹۰۰ میلیارد دلار میتواند ایجاد میکند و قدرت اشتغالی برای ۹ میلیون نفر! که نظام ولایت فقیه این نیروی محرکه را بعلت وابستگی ذهنی و سیاستهای خانمانسوز موازنه مثبت اقتصادی براحثی در اختیار اقتصاد مسلط قرار میدهد!

برای توضیح دینامیزم حاصل از استفاده درست نفت و مشتقاتش در ایران که در واقع ایران و نسل فعلی و نسلهای آینده از موهبت محروم و در اختیار اقتصاد مسلط غرب قرار می گیرد به اختصار نقشی را که نفت در اقتصاد غرب بعهده میگرد را مثال می آورم:

نفت خامی که به قیمت بشکه ای ۷۰ دلار (قیمت نفت خام سنگین ایران از اینهم در واقع کمتر فروش می رسد) که در واقعدر ممقایسه به ارزش واقعی یک بشکه نفت سوختی ای بیش نیست؛ وقتی راهی اقتصاد غرب میشود تنها در زمینه ایجاد اشتغال این نقشها را بعهده میگیرد.

نقش نفت در اقتصاد های مسلط

۱- در حمل و نقل ایجاد اشتغال میکند  
۲- یک بخشی از آن نفت به پالایشگاههای غربی ارسال و در آنجا شماری را به اشتغال میگیرد.  
۳- در تبدیل به احسن نفت در صنعت پتروشیمی و تولید محصولات نهایی نیز در غرب ایجاد اشتغال میکند و نیز نقشی که نفت در زمینه اشتغال در بخش تحقیقات پتروشیمی و استفاده بینه از این سوخت تجدید ناپذیر بعهده میگیرد. در واقع برای کشوری همانند ایران که سابقه ۱۰۰ ساله در تولید نفت دارد، فروش خام آن و بهره بردن بینه از نفت در صنعت لاغر پتروشیمی ایران ننگ است. به مشکلات صنعت پتروشیمی ایران در

ذیل میپردازم  
۴- نقش نفت خامی که بعنوان انرژی، کارخانجات و تولیدات صنعتی غرب را براه میاندازد و در بخشهای مختلف تولیدی ایجاد اشتغال می نماید.  
۵- همه این صنایع و رشته های کاری و تولیدی با سیستم بانکی در ارتباطند و علاوه بر ایجاد اشتغال در خدمات بانکی، یک رشته سرمایه ایجاد میکند که در واقع از کشورهای نفت خیز بعلت وجود دولتهای بی کفایت به ارزانی وارد کشورهای مسلط صنعتی شده و در این کشورها بدل به سرمایه گذارهای جدید میشود که آنها نیز باز زمینه اشتغال در رشته های جدیدی را بوجود می آورند.  
در واقع کشور ما با از دست دادن و حراج ارزان نفت زمینه کاری از دست میدهد که غرب این زمینه را بدست می آورد و نقش نفت در ایجاد نیروی محرکه کار که بخودی خود نیروی مستقل و فعال و مولد است تنها نصیب اقتصاد های مسلط میشود.  
خط وابستگی به نفت و کور چشمی نسبت به اثرات تکاثری نفت و گاز و نیز



اشتراک یک ساله: اروپا ۳۵ و خارج از اروپا ۳۸ اورو، اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸ و خارج از اروپا ۲۰ اورو لطفاً کنید و چک نفرستید، وجه اشتراک را نقد و با پست سفارشی یا به حساب بانک و ایزرفرمانید.

توجه! درج مقالات، الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی و هجرت نیست و تنها بعنوان بحث آزاد ملتی و صرفاً باین مکرظرات نویسندگان و منابع مندرج بوده، این نشریه در قبال آنها هیچگونه مسئولیت محتوایی و حقوقی را ندارد!

Nr. 744 1 - 14 Mar. 2010

شماره ۷۴۴ از ۱۰ تا ۲۳ اسفند ۱۳۸۸

### ضرورت بدیل

ایران می شود و هدف هر حرکت را این اصل، متناسب با این فراخنا، معین می کند و روش را نیز هدف مشخص می گرداند.

وقتی هدف، ولایت فقیه را تابع «قانون اساسی» کردن است و میدان عمل، محدوده رژیم است، روش پیشنهادی نمی تواند جز این باشد که مردم در همان مسیر به حرکت درآیند که رژیم معین می کند و در همان محل گرد آید که باز رژیم معین می کند. نتیجه این روش پیشنهادی، یک پیروزی و دو شکست می شود:

● رژیم شکست خورد زیرا بیشتر از ۵۰ هزار تن را نتوانست در میدان آزادی گرد آورد. بنا بر یک ارزیابی دقیق، بسا رژیم می توانست ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تن را در میدان آزادی گرد آورد اما چون نمی خواست در میدان شعاری بر ضد رژیم داده شود، میدان را محصور کرد و جز به گروههایی که مطمئن بود طرفدار هستند، اجازه ورود نداد. با وجود این، در میدان آزادی، کم شماری بر ضد رژیم و احمدی نژاد شعار نیز دادند. آنها هم که رفته بودند تا مخالفت خویش را با رژیم ابراز کنند، میدان را ترک کردند. ورشکست رژیم کامل شد وقتی روز ۲۲ بهمن را روز جنگ با مردم کرد و میدان آزادی شهادت داد که رژیم در ایران بی کس است. مطبوعات معتبر جهان نیز، این روز را روز جنگ دولت با ملت ارزیابی کردند. اگر بعد از چند سال، تازه وزیر خارجه امریکا متوجه شده است که رژیم ایران در حال تبدیل شدن به یک دیکتاتوری نظامی است، - واقعیتی که از اواخر حکومت خاتمی بطور مرتب اظهار می شود و موضوع تحلیل است - نظر او حاصل مشاهده انزوای رژیم در سطح جامعه ملی و تقابل سپاه و دیگر ارگانهای سرکوب رژیم با مردم ایران، در شکل اشغال شهر با نیروی ۸۰ تا ۱۰۰ هزار نفری، در روز ۲۲ بهمن بود.

● «رهبران» تمایلهایی که هدف را پای بند قانون کردن «ولی فقیه» و میدان عمل را محدوده رژیم می دانند، نیز شکست خوردند. بنا بر برآورد بازم دقیق، شمار کسانی که به مخالفت بیرون آمده بودند و به خانه های خود بازنگشتند، بیشتر از کسانی بوده اند که رژیم توانسته بود گرد آورد. این جمعیت شعارهای «ساختار شکن» نیز داده اند. جمعیتی بیرون آمده اند و به خانه های خود بازگشته اند و جمعیت بسیار بزرگتر نیز بیرون نیامده اند. بدین قرار، در این روز، خطری که جنبش را تهدید می کند، آشکار شد: مردم ایران حاضر نیستند وجه المصلحه شوند. یعنی وسیله «فشار از پایین» و معامله در بالا» نگردند. این مردم تغییر می خواهند.

در پاسخ به انتقادهای فراوان به کسانی که روش پیشنهادی گردهمایی مردم در مسیری که رژیم تعیین کرده بود را ارائه داده بودند، آنها دلیل انتقاد انتقاد کننده ها را این دانسته اند که قصد انتقاد کنندگان «عبور از موسوی» است. اما هرگاه بجای پرداختن به موقعیت شخص موسوی و

شخص کرویی و ...، به جنبش و ادامه آن تا پیروزی پرداخته شود، مشاهده خواهد شد که زمان زمان پیشی گرفتن از یکدیگر و عبور کردن از این و آن نیست، زمان زمان است که حق دار صاحب حق خود شود: مردم ولایت خویش را باز یابند. هیچ انسان آزاده نمی خواهد از دیگری عبور کند. هر انسان آزاده ای می داند که در کنار یکدیگر بودن، برخورداری از استقلال و آزادی است و این برخورداری را بخاطر سقوط در رقابت بر سر قدرت از دست نمی دهد.

● پیروزی بزرگ از آن ملت شد زیرا توانست ماهیت رژیم مافیاهای نظامی - مالی و تمامی قوای سرکوبش را در روز ۲۲ بهمن، در برابر دید جهانیان قرار دهد. در این روز، از روحانیان نیز خبری نبود. تقابل تقابل قوای سرکوب و مردم بود. چنانکه تردیدی برای کسی در جهان باقی نماند که دین و روحانیت دیگر حتی نقش پوشش را نیز بازی نمی کنند. مردم ایران رژیم مافیاهای نظامی - مالی را عریان کردند و در معرض دید جهانیان قرار دادند. در همان حال، توانستند آزاده قاطع خود را به تغییر اظهار کنند. رفتار جامعه می گوید که او دارد آنچه را ممکن تصور می کرد (اصلاح رژیم) نا ممکن می یابد. از این پس، نه «به ولایت فقیه و آری به ولایت جمهور مردم»، در دستور کار مردم قرار می گیرد.

۲ - در پاسخ به پرسش اول، نقاط ضعف جنبش نمایانده شدند. رژیم نمی تواند از راه تشدید فشار و ایجاد ترس و وحشت، پیروزی بدست آورد. زیرا خود نیروی محرکه ضد خویش را می سازد. اما هرگاه جنبش میدان عمل را فراخنا بیرون از رژیم و درون ایران نکند و زمینه را برای بدیلی توانا به استقرار ولایت جمهور مردم بوجود نیاورد، آن وقت، بخاطر انفعال مردم، برای مدتی، فرو می خوابد. کثرت گرانی از قوت های جنبش است اما بشرط آنکه گرایشها بر سر هدف روشنی متحد بگردند. گوناگونی هدفها از ضعف های بزرگ جنبش است. بکار بردن دستاورد بحث آزاد کلن، می تواند ضعف را به قوت برگرداند. زیرا کثرت گرانی را با اتحاد بر سر اصولی که هدف می شوند، همراه می کند و شرکت عموم مردم کشور را در جنبش ممکن می سازد.

از ضعفهای جنبش یکی اینست که هنوز، جامعه ملی در تمامت خود، در آن شرکت نجسته است. مبارزه با ترسها و تردیدها و ابهامها ضرور است تا که استقلال و آزادی جامعه ملی و حقوق همگانیش و استقلال و آزادی انسان و حقوق او هدف مشترک همگان بگردند و جنبش همگانی بشود و پیروزی تضمین بگردد.

و باز، از ضعفهای جنبش یکی اینست که هنوز بطور کامل ابتکار عمل نیست. به اندازه تکران کننده ای، عکس العمل است. چرا که شعارها بیشتر بر ضد رژیم و کمتر برای هدف یا هدفهای مطلوب جنبش هستند.

و بالاخره، جنبش نه بطور کامل خودجوش است و نه بطور کامل سازمان یافته به ترتیبی است که رهبری قیم مآبی آن را رهبری کند. قوت آن به اینست که خودجوش بماند و خود به خویشتن سازمان بدهد و از اهل اندیشه پیشنهاد دهندگان

داشته باشد. بدین ترتیب که پس از تعیین هدف یا هدفها و فراخنا عمل و روش، در بسط دادن هدف یا هدفها و در تصحیح روش و در ایجاد بدیل، اهل تجربه و اندیشه به مردم پیشنهادها کنند و به یمن جریان آزاد اندیشه ها، هدف و راه و روش و بدیل بر مردم، بدون ابهام، معلوم بگردند. هرگاه بدیل واقعیت بجوید، کار سخنگویی جنبش و ارائه پیشنهادها سامان در خور می یابد.

۳ - هرگاه درس ۲۲ بهمن را همگان آویزه گوش کرده باشند و عزم بر ادامه جنبش تا پیروزی، جزم شده باشد، جنبش ادامه می یابد. اگر هم این درس را نگرفته باشند، جنبش ممکن است در روزها و هفته های آینده، بخاطر ضعفهایی که بر شمرده، انگیزه ادامه را بدین لحاظ که آنچه را ممکن می پنداشت و دید ممکن نیست، از دست بدهد. اما درجا، انگیزه دیگری را که نا ممکن گمان می برد، ممکن می یابد و نیز، بدین خاطر که رژیم نیروی محرکه ضد خود را از راه بیکار کردن جامعه در عرصه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، پدید می آورد و بزرگ می کند، جنبش کارمابه ای افزون تر می یابد و با قوتی به تمام تر، ایران را فرا می گیرد. با توجه به تقابل رژیم مافیاهای نظامی - مالی با مردم ایران که یک تقابل نظامی است، رژیم بیش از پیش به مرگ نزدیک شده است. از این رو، خسران بسیار کمتر می شود هرگاه مردم ایران راه حل را در هرچه گسترده تر کردن جنبش و زود هنگام و کم خطر کردن مرگ رژیم، بدانند و جنبش را همه روزه و تا ممکن است گسترده کنند.

۴ - از پیش از جنبش تا امروز، همواره در باره جنبش همگانی و هدف و روش آن اگر بخواهد تا پیروزی ادامه یابد، گفته و نوشته ام. بحث آزاد، پاسخ شرکت کنندگان در بحث آزاد به این پرسش است. تفصیل این بحث، بشکل فیلم انتشار یافته است. افزون بر حاصل بحث، یعنی موضوع هائی که بر سرشان توافق پدید آمد و روشهایی که موضوع بحث و توافق شدند، در پاسخ به این پرسشها نیز راه کاری را پیشنهاد می کنم که در خور می یابم. خاطر نشان می کنم که برای پایان دادن به گمانه زنی های عقیم و توجیه های کدورت و کسالت آور، شرکت در بحثهای آزاد، بهترین روش است. برای رفع ابهام ها و شفاف کردن شفاف کردنی ها و از میان برداشتن موانع همسوئی و بسا همکاری گرایشهای سیاسی و عبور از منطق تضاد و دشمنی به روش توحید و دوستی، به بحث آزاد می باید روی آورد.

۵ - طرح پیشنهادی برای همکاری و اتحاد عمل سازمان ها و گرایشهای سیاسی که می توانند با یکدیگر اتحاد کنند، پاسخ به این پرسش است. از آنجا که اتحاد نیاز به حداکثر شفافیت دارد، هم اصل راهنما و هدف یا هدفها و هم محل عمل و هم روش و هم بسط دادن اصل راهنما و هدفها ضرور هستند. به ترتیبی که برنامه ای بدست آید که اجرایش تحقق اصل راهنما و هدفها را میسر می کند.

در باره این پرسشها، در نوبتی دیگر باز خواهیم گفت و خواهیم نوشت.

### تکرار گذشته یا تغییر؟

و بی قید و شرط عزیزانشان جمع کردند. در ۳ اسفند ۸۸، به گزارش هراتا، مجید اسدی فعال دانشجوی دانشگاه علامه که توسط نیروهای امنیتی سال گذشته بازداشت و از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلابیه ریاست قاضی صلواتی به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق برپایی تجمعات محاکمه شده بود به تحمل ۴ سال زندان محکوم شد.

در ۴ اسفند ۸۸، به گزارش تا آزادی زندانیان سبز، قاضی پرونده عبدالله مومنی برای آزادی وی ۸۰۰ تومان وثیقه صادر کرده است. همسر وی در واکنش به میزان سنگین وثیقه مومنی اعلام کرده است که توان پرداخت چنین وثیقه ای را ندارند عبدالله مومنی که شغل معلمی داشته و در این مدت شغل خود را از دست داده هیچ گونه منبع درآمدی نداشته و مستاجر است.

در ۴ اسفند ۸۸، به گزارش خبرگزاری هراتا، سینا گلچین از بازداشت شدگان روز عاشورا از سوی دادگاه انقلاب به تحمل ۸ سال حبس تعزیری محکوم شد. در ۴ اسفند ۸۸، به گزارش پایگاه خبری سفیر، حدود ۱۵۰ نفر از پرسنل شهرداری اروند کنار در استان خوزستان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب زدند.

در ۴ اسفند ۸۸، به گزارش سازمان ضد اعدام کردستان، در پی پذیرفته شدن درخواست اعاده دادرسی عدنان حسن پور از سوی دیوان عالی کشور، حکم اعدام این روزنامه نگار به ۳۱ سال حبس تقلیل یافت.

### پرغم مشاهده حاصل ترور اخلاقی و برغم حکم محکومیت دادگاه، ترور ادامه دارد:

ایو بونه، یک فرانسوی که در کشور خود نیز اعتباری تحصیل نکرده است، کتابی را با عنوان «واواک در خدمت آیت الله ها» انتشار داده است. نویسنده این کتاب او نیست، گروه رجوی است. از کسانی که هدف از نوشتن کتاب، از جمله بدنام کردن آنها بوده است، آقایان دکتر احسان نراقی و جهانگیر شادانلو به دادگاه شکایت کرده اند. دادگاه تشکیل شده و پس از شنیدن شکایات شاکیان و شاهدان ایو بونه، یعنی اعضای گروه رجوی، حکم محکومیت ایو بونه را در ۱۱ فوریه ۲۰۱۰، صادر کرده است.

هرگاه قرار بر این بود که این گروه از یک عمر ترور اخلاقی درس بگیرد، محکوم شدن در دادگاه فرصتی بود برای رها کردن این روش و آزاد کردن خود از خشونت تا این اندازه کور و ضد اخلاقی. اما زورپرست کجا و درس عبرت گرفتن کجا؟ فکر و روش زورپرستان یکی هستند: زورپرست شکست مسلم را هم پیروزی می خواند و این کار را با دروغ و جعل قول و وارنه کردن واقعیت انجام می دهد:

● در حکم دادگاه در مورد دکتر نراقی آمده است: «دادگاه آقای ایو بونه را بخاطر بدنام کردن آقای احسان نراقی، با انتشار کتابی در باره دواپر سری ایران، محکوم می کند. افزون بر این، دستور می دهد اطلاعاتیه زیر (به هزینه ناشر و ایو بونه تا

مبلغ ۳۰۰۰ یورو و در سه نشریه به انتخاب دکتر نراقی) انتشار یابد: « بنا بر حکم ۱۱ فوریه ۲۰۱۰، دادگاه عمومی پاریس (شعبه ۱۷ جنحه - شعبه مطبوعات)، کریستف بارژ مسنول شرکت انتشاراتی تیمه و ایو بونه، مؤلف کتاب، بخاطر بدنام کردن احسان نراقی از راه افترا، در منظر همگان، در برخی از قسمتهای کتاب «واواک در خدمت آیت الله ها»، منتشره در آوریل ۲۰۰۹، محکوم شده اند.»

● در حکم دادگاه در باره جهانگیر شادانلو آمده است:

«حتی اگر این رفتارها که مربوط به جهانگیر شادانلو می شوند، نادرست باشند، بخصوص در مورد نام انجمن مربوطه، و یا حتی اگر کتاب برخی رفتارهای قابل محکومیت واواک را افشا کند، حرف هایی که در مورد این شاکی (آقای شادانلو) زده شده به خودی خود، افترا نیستند.

جهانگیر شادانلو می تواند بعنوان شاکی در دادگاه حاضر شود اما وی به دلیل حکم رفع تعقیب قضایی صادره توسط دادگاه از هر گونه تقاضای مجازات از محضر دادگاه معاف است.

● به استناد همین موارد، دادگاه کریستف بارژ، ایو بونه و شرکت انتشاراتی تیمه را در برابر جهانگیر شادانلو به عنوان شاکی، مسنول می داند.»

● ایو بونه بدین خاطر که محکوم شده است و شادانلو بدین جهت که دادگاه واواک را یک دستگاه اطلاعاتی معمولی تصور کرده است و نه یک سازمان در خدمت جنایت (ترور و قتل و دستگیری و شکنجه) و فساد و خیانت به کشور، و منتسب کردن او را به واواک هتک حیثیت ندانسته است، تقاضای تجدید دادرسی کرده اند.

● با وجود حکمی چنین شفاف، در سایت گروه رجوی آمده است: «رای دادگاه شعبه ۱۷ پاریس در رابطه با شکایت احسان نراقی

پرونده سازی و شکایت وزارت بدنام اطلاعات آخوندها در فرانسه علیه ایو بونه و مقاومت ایران، بخاطر افشای مزدوران و شبکه اطلاعات آخوندی در دادگاه پاریس شکست خورد.

شعبه ۱۷ دادگاه جنحه پاریس، شکایت مزدوران: جهانگیر شادانلو، منوچهر شلالی و احسان نراقی را در اینباره که در کتاب ایو بونه بنام «واواک در خدمت آیت الله ها» به غلط به مزدوری برای اطلاعات آخوندها متهم شده اند، رد کرد و مزدوری آنان برای اطلاعات بدنام آخوندها مسجل گردید. شکایت مزدوران از سوی شماری از همدستان رژیم و اطلاعات بدنام آن در فرانسه و يك سرویس فرانسوی که در پشت پرونده ننگین ۱۷ ژونن قرار داشت مورد حمایت قرار گرفته بود.»

انقلاب اسلامی: مبارزه با زور پرستی یک مبارزه است. چرا که زورپرستان یک ماهیت بیشتر ندارند. آن روز ایرانیان استقلال و آزادی خویش را باز می یابند که دیگر زورپرستان صحنه گردان صحنه سیاسی ایران نباشند. از این رو، دفاع از حقوق انسان، تنها در اعتراض به تجاوزهای رژیم به حقوق انسانها خلاصه نمی شود. این دفاع می باید عام باشد و از هرکسی که در حقوقش مورد تجاوز قرار می گیرد و قربانی ترور اخلاقی می شود، می باید دفاع شود.